

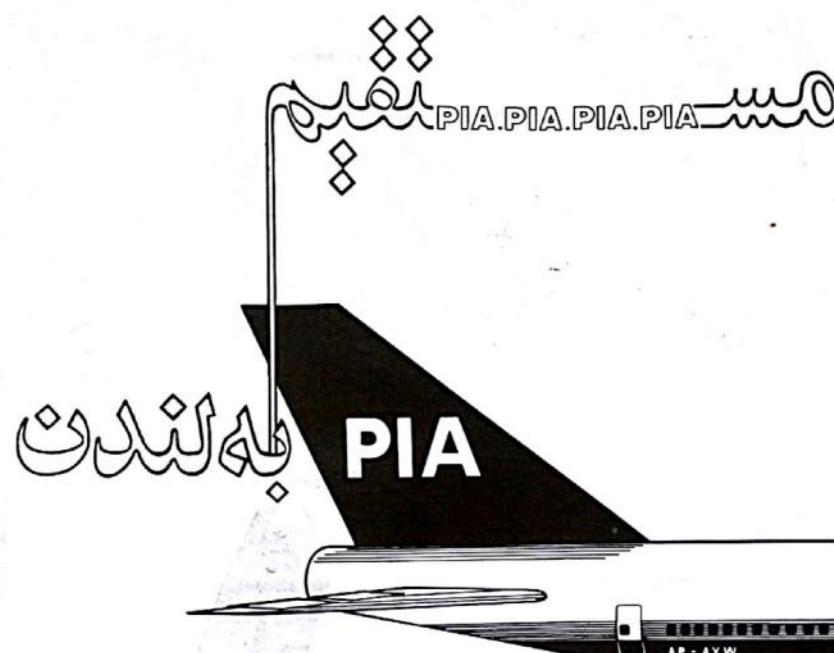
۵۰ ریال

بجهی کندی
بجهی کندی
بجهی کندی

شمس مهر

جمده ۵ مرداد ۱۳۵۸ - شماره ۲۷ - سال سی و هفت





شنبه ها ساعت ۵/۲۵ صبح و یکشنبه ها ساعت ۱۳/۴۰ بعد از ظهر باید آی به لندن پرواز کند.
بی آی ای به پاریس، فرانکفورت، نیویورک پروازهای مرتبت هفتگی دارد.
همچنین باید آی ای به کراچی، بانکوک، مانیل، توکیو و سنگاپور پرواز کند.



هواپیمایی بین المللی پاکستان
پرواز مستقیم شما به لندن

پروازهای مستقیم بی آی به لندن

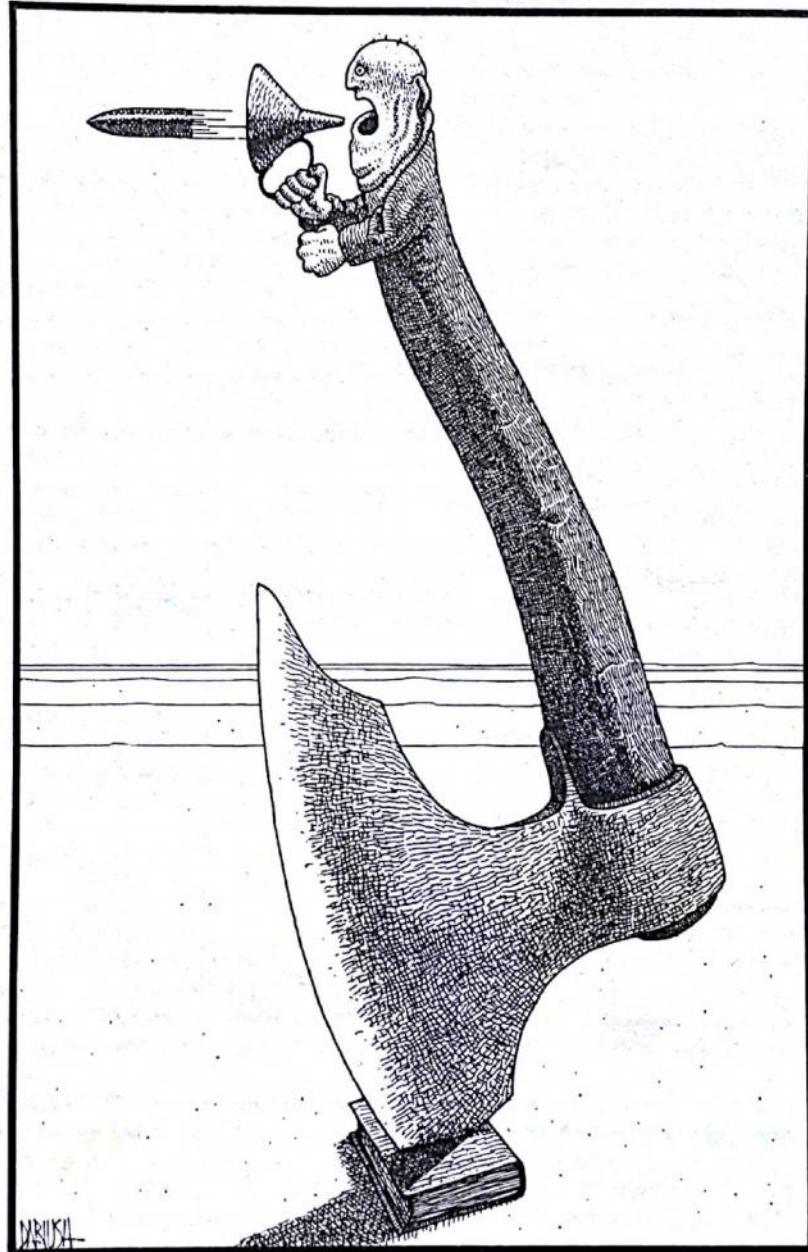
شنبه	PK ۷۸۵	عزیمت	تهران	ورود	لندن	شنبه	PK ۷۸۳	عزیمت	تهران	ورود	لندن
۸						۵/۲۵					
۱۶/۱۵						۱۳/۴۰					

ساعت های پرواز به وقت محلی می باشند.

برای گرفتن اطلاعات بیشتر با آژانس مسافرتی خود یادگیری آی ای تumas پکرید
تهران، خیابان ولایا، شماره ۶۶-۶۴۰۵-۸ تلفن: ۸۴۴۰۹۵

دariyoush Radpour

طرح



تلفن خوانندگان

اندازه ندارد .
- چرا دارد . اما متأسفیم که هفته شما خراب شد .
- نه متأسف نباید ؟ به واقعیت‌هایی هم بیم بردم .

- آقا ، ممکن است خواهش کنم آدرس این سازمان امنیت تازه را به ما بدهید .
- بله ، اللهم ، شماره ۶۶ (آدرس پشت پاکت بود) .
- اینجا کجاست . والله چه عرض کنم ، از آقای نخست وزیر پرسیدم !

- آقا ، خواهش میکنم ، حالاکه دولت و شورای انقلاب در هم ادغام شده‌اند و میتوانند ۳۰ تیر بدون درگیری گذشت ، بیاید شما هم از مخالف خواهی نست بردارید و
- چشم اچشم ای .

شنیمه - آقا من یک ناینده مجلس ادوار گذشته‌ام ، از جناح الیت ، یک رای به دولتها نداده‌ام ، یک نطق تعلاق آمیز تکرها و مردم حوزه انتخابیه‌ام می‌داند که چیزی ندارم ، نه خانه‌یی ، نه ملک و نه هیچ‌چیز دیگر . حقوق اداریم قطع شده ، حقوق ایام و کات را می‌خواهند ، از کجا بیاورم .
- والله

- همه همین را می‌گویند . راستی در دوران عدل اسلامی گزینی نباشد به داد ما برسد . به داد ما که درد و رتوه بکبر و سواگتس نبوده‌ایم و در انتخابات رستاخیز هم به زور کنارمان مذاشتند .

یکشنبه - آقا ، ما عالی شدیم . . . ما عالی شدیم ، باور کنید یک ماه بود که من و خانواده‌ام خوابیان نمی‌برد . از قول ما بتوسید : ای امام ای سپاهگاریم . همینطور از آقای صادق طباطبائی که صدای ما را به سویش امام رساندند .

- آقا . من هفتادی پیش برای اولین بار تهران مصروف خواهم .
سوالی دارم .
- بفرمائید .

- همراً شما اینقدر خشن هستید ، بهمه‌ی همراه ایراد می‌گیرید .
به همه چیز بدین هستید .
چرا اینقدر تند می‌روید .
- والله چه عرض کنم !!

ب آقا تابحال سختکوی دولت ، یا خود نخست وزیر در مورد نامه ساواک نازه که به شما مورثه بودند ، واکنش شناز نداده‌اند ، تکذیبی ، تائیدی ؟

- نظر .

- آخر چطور ممکن است .

- قدیمیم همیسطور بود ، بساواک نیز ند گفت بالای چشت ابروست ، واگر من گفتش نخست وزیر نمی‌تواست کاری برایت انجام بدهد ، حال آن که رئیس ساواک معاونش بود . حالا هم ... !

- آقا ، من تصور میکنم دولت تریک کار بطور عجیبی موفق است .
- درجه کاری ؟

در گرم کردن سر مردم ، خوبی موفقی از دولتها طبقوتی است . شما بیینید چطور سر ما گرم شده است به این که بوسه تا از آقایان علماء وزارت خاله‌ی شهاند ، یا این که امیر رحیمی چه گفت و چه کرد .

- حس ، همه اینها که مخفید همیست ، سرگرمی نیست .

- آقا من سوالی از شما دارم .
- بفرمائید .

- بکار دیگر نیست از شما پرسیده‌ام . چطور از هاری و شریف‌امامی و بختیار که هیچ‌چیز نداشتند ، اعتصاب بود و رامیانی و اعتراض و آنقدر دم از قدرت دولت می‌زدند . ولی آقای بازرگان همیشه دم از ضعف می‌زدند . حال آن که این دولت همچیز دارد .

- بله همچیز دارد ، غیر از آن که می‌خواهد .

- آقا . من از پاریس دریوز آلم .
- چه عجب ، یکنفر به جای رفق ، برگشت !
- بله عجب است . اما خواستم به شما بگویم که در بیرون از کشور خیلی خواستار دارید ، تهران مسورو را مثل ورق زر می‌برند .
همه گفتند تا رسیدم تلفن کنم و سلامتان را بررسیم و از قولتان بگویم : راهان را ادامه بدهید !
- ما هم مشترکیم ، اما اگر اینجا تشریف می‌آورید ، می‌دانید که چنان و راحت نیست ادامه داشن !

- آقا . شما تمام هفت مرأ خراب کردید .
- چطور ؟
- با چسب آن نامه هم ساواک نازه آ راست و قاخت

کلام نخست

صاحب امصار و مدیر منقول : عبدالشاهلا

هفتنه‌نامه مستقل سیاسی و اجتماعی

شماره مسلسل ۱۶۳۳

شانی هیات تحریریه : حماهان حرمدند جنوی -

کوچه نقوی شماره ۲۱

تلن : ۸۲۳۴۸

شانی قسم اداری : خیابان لالهزار - گراند هتل

تلن شهرستانها : ۳۱۳۸۳۸-۹

آنلاین : ۳۱۱۵۱۵

سعید پهلوی

سردبیر

سروس علی نژاد

معاون تحریری

دیبر صحفات جهان

شهلا شریعت‌داری

دیبر عکس

کاوه گلستان

محمد صباد

عکسها از

داریوش رادیور

طرح

فریاده اباذری

گزارشها

ناهید موذی

تصاویر

حسین رهرو

مساجیه

محمد رضا شاهید

سینما و موزیک

توضیح درباره نامه‌ها و آنچه جدید

برای اطلاع کاری که حضوری یا با نامه

و تلفن تک‌لای خود را از خبر مقدمی گذشته

ما زیر عنوان «ساواک تازه متولد شد» ابراز

داشت و من پرسیدند : دولت چه واکنش نشان

داده است . و من خواهند بداند این نامه

واقعی بوده یا جملی . این توضیح لازم

من نماید :

در مورد این نامه و اصولاً تشکیل سازمان

اطلاعات و انتیت ملی ایران ، هنگاران ، منقول

تحقیق اند . تبیین تحقیقات هفتی آنده انتشار

می‌باید .

سردبیر و اعضای هیات تحریریه تهران مصور

برخود واجب مردانه از محبت سیزدهم

خوانندگان که به این مناسب ابلاغ شد ،

سپاهگار باشد .

کلام نخست

هفته ، هفتی مصدق بود ، نام بزرگتر را بساز بزرگی بردیم ، و چه خوب که مثل آن دله
بیش نه با من اختراعی این و آن ، این بار بهره‌ها را نیز از باد آن قهرمان ایانه‌ی تاریخ
معاصر ایران گرفیم؛ کامی بسوی اتحاد و آتش گردیده .

زمانی که صاحب اخبار «تهران مصور» به این فلم پیشنهاد کرد تا بایاران آشنا متنویت
انتشار مجله‌ی سیاسی را بهمده بگیرم . بیش از آن که نکل و جتوای «تهران مصور» در ذهن
نقش نداشت ، روی جلد شماره نخست را اندیشید . بلکه آزوی درسته : چاک عکس از دکتر مصدق ،
و داشن این اتفخار که نخستین شریه‌ی باشیم که تصویر آن مرد همه‌ی مصوّل را زیست بخش روی
جلد خود کنیم . سرچه آن شماره نا خاکبری ۳۰ ماهه ن منتشر شد . بدستور امام ، برای پیوسته‌ی انقلاب
و واردآوردن آخرین ضربه‌ها بدیکر آن سماک و کارگزاران خونریز ، در اعتماص رفتیم .
اما برای ما این اتفخار ماند .

اکنون قریب به اتفاق هیات تحریریه امروز «تهران مصور» که از نخستین روز آزادی
جنبوعات دورهم جمع شدند . هر کدام از جانی فرا آمدند . نسل بعداز کودتا بود . سالهای مصدق
را در من نزیستند ، اما ناهر مسلک و مردم و اعتقادی برایان دکتر مصدق بیکنام ایانه‌ی
بربرگ در منظر زمین بوده است ، و چه کسی می‌تواند به این آشواخ عقق بورزد ، و نام ایرانی
برخود بنهد و نام آن بزرگ را بزرگی نزد .

شنبن مدعیان . مرویی بر احوالی و گذشت و نظری بر روز ناریخ ساز ۳۰ تیر ۱۳۴۱ همه مار
به نظر و داشت . این شاید آغاز تحولات درجهت تکامل در «تهران مصور» باشد . معتقد برای
انتشار یک نشریه سیاسی مستقل و بدون جهت کبیری ، باید ایرانی اندیشید ، چون مصدق بود ؛
مسئلیت و تعهد را از ماد نزد . و آنجان که مانیز همواره ، درین دوره روزنامه تویی خود
که بی تردید حساس ترین دوران عمر حرفه‌ی مات سخی داشته ایم که از باد نیز در کدام قلمه از
زمان و مکان فرار داریم .

شاید در این هفتۀ درسی تاره از آن بزرگمرد گرفته باشیم که در روزهای حساس نباید خیلی
زیاد به «صلحت حرفه‌ی اندیشید آن» مصلحت آنچیزی است . در اینجا ایران -
با بهره‌گیری از باد آن بزرگمرد . و باد ایوری ۳۰ تیر ، و تقاضی حركت‌های آن روزها و سایرها ،
شاید همه به این نتیجه برسیم که باید در راه اتحاد گام برداشت و مهربانیز بود . و قلهای ماس
آنچه ایجاد و تولیدی باشد در خدمت این هدف . چنین باید !

سردبیر

فهرست

۲۸	اگر آل احمد بود ...	۳	طرح داریوش رادبور
۳۱	طرحوای هادی لیاف	۴	تلن خوانندگان
۳۵	کیارش از خوزستان	۵	فهرست
۳۸	صاصجه با باقر مؤمن	۶	پادشاهی هفت
۴۲	خطل از سرلشک	۷	صنفات ویژه ایران
۴۳	پادشاهی ...	۱۴	مقاله مسعود بهنود
۴۴	سوموزا هم گریخت	۱۹	مقاله احمد کی زیاد
۴۷	طبعهای پس از انقلاب	۱۹	عدالت ، به سیک کیت
۴۸	پاسخ به حاج سیسجوادی	۲۲	کریستان
۵۰	برآگده‌ها	۲۴	شعر
		۲۶	نامه‌ها

یادداشت‌های هفته

بسوی جامعه‌ی زندان

۴ . پنهوند

سخن «فتن از دشمنی‌ها»، کیمیه و رزیها، برخاشجولی‌ها، سخن از فردای بهتر بگوییم و سخن از سعادتی‌که حتی برای دشمنان آرزوی می‌کنیم. پس از گذشت ۵ ماه از روزی که میدانها بدون تمرکز شد و کشور نیز، می‌توان بیشهاد کرد که از انتقام‌جویی‌ها دست برداریم، تو انقلاب‌ها چنان بوده است که دشمنانی‌ریه‌اند، پس می‌توانیم بختایش پیشه کنیم و این را تنها رهبر انقلاب می‌توانند از دولتمردان و فراموثردان امروز پیوهاند و خود نیز در آن بیشتمدن خوند. هنوز امکان ایجاد جامعه‌ی مهریان که در آن پیچای تازیانه، ملک و کلان برگویم بیارند، از دست نرفته است! بسوی جامعه‌ی مهریان و رضیم که در تصویر انسانی اسلام نیز می‌گنجد پیش‌برویم، در آن جامعه «سازندگی» خوب‌بخود جرسان خواهد یافت.

مگرله آن که از برتریان دین آموخته‌ی هر کس نیز و منتر، بخشانندتر. این مطلق را در وج بدوج خالک ایران جاری کنیم. بچای تهدید «نیم‌درصدی‌ها» به مرگ‌نویستی. بسوی جامعه‌ی برگویم که در آن حتی یک تن - که نه نیمه‌درصد، یک‌چهل میلیونیم جمعیت کشور است - نیز باید با تمام پیروی خود در خدمت خلق فرار گیرد و بحساب آید.

بیشهاد ما اینست که: امام، دفتر امام، دولت، عاوات هکاری با مردم نخست وزیر، رادیو‌تلوزیون، رسانه‌های متعلق به‌گزیر و احزاب، کانونها، جمعیت‌ها، رسانه‌های توندی، با پندگیری از شریه‌های بیدار‌گفته‌های تاریخ - و در اینجا ۴۰ نیز و سروش نهضت ملی دکتر مصدق و روزهای تکیت‌بار پس از شکست آن - منادی صلح و مهریانی و گذشت باشد.

در چنان جامعه‌ی امکان اجرای هر تأسیه سالم و مردمی فراهم است، بحالید از شتاب ناصلی‌سازی‌ها بکاهیم، تنهای به آنها که شیوه و اوله رهبری انقلابند، پس عیب‌ها را نمی‌بینند و دلسرد نشده‌اند، تکیه نکنیم. به آن جمعیت انبوی بیندیشیم که در راه بیمالی تاسوعاً و عاشوراً، در روز پیشواز امام بودند و سهند بیش -

می‌بینیم - انقلاب خلق ایران را که منجر به سرتکونی نظام شاه و بر جیگدن نظم منحط شاهنشاهی شد، ادامه منطقی راه مصدق بدانیم، که آن‌بار نوشن از مصدق و گفتن از او و شنیدن ناهش گذراشده‌ایم. نسل امروز روز نامه‌نویسان، ۱۳۴۵ سال را در این آرزو ساخته است - و من خود ببار توپیف روز نامه‌ی را دیدم ام جون نام مصدق در نیتر صفحه اول آن آمده بود - برای خبر سخنرانی آن سفاک و یا یکی از نوکرکاران و به نقل قول مستقیم از خود آنها!

آن سفاک، از نام مصدق نیز - بجایش - چون سک می‌ترسید، مگرنه آن که در موقع فرارش در سال ۱۳۴۲ او را در هیات‌سکی کشیده بودند - در کاریکاتورها، و مصدق را جون شیری‌غران، او خود می‌دانست که امکر کمی روزولت بود و دلارهایش و آن جاسوسان - راهی و بختیار و شربکانش - ملت بدانو در نمی‌آمد و مدداد ساخته‌نی شد تا او ۱۳۴۶ سال با وقت از آن بعنوان «قیام ملی» باد کند. و ما چه بچاره بودیم.

راستی ۱۳۵۷ بهمن ۱۳۵۷ ادامه ۳۰ تیر نبود! فریاد ناتمام صبح ۱۳۵۸ مهرداد که غصه در گلوها خفه شد نبود؟ انکاکس صدای پیرزنی که موقع بازگشت شاه از سفر - فرارش در خیابان‌وچالا نام مصدق برآن است، فریاد برداشت: زندگان آلت که یک‌آتش همکانی دوباره شور انقلاب را در دلها بشاند، زمان آلت که سخنرانی‌ها به‌چای تهدید داد، آلتند از گلشت و گداکاری نمود. ضدانقلاب را فراموش گنیم. الالم بدینه‌ی هایان را از این و آن، با مردم قست تکنیم. فرض منحط و فراموش شده و مک‌کارتی وار هر کس با ما نیست، دشمن ماست» را از فرهنگستان دور گنیم. به‌چای شتریانی که دالم ضدانقلاب گفت می‌کنند و بدویویار شهرزه رهبری و دشمنی می‌بریزند، به‌چای بوتسرهایی که شمشیر و خون در آن است. و ... شعرهای در وصف انقلاب و ملتی که انقلاب گرد بکلاری و تصاویری از گلهای زیبای ایران که در دشنهای ترکن صحراء، گرگان، کرستان و ... می‌روید، پنځایم.

آری چنین بود، خونهایی که در ۳۰ تیر به زمین ریخته بود، دام می‌جوشید و دمی از رفار باز نماند، دام جوانان غیور این مژویوم باجان خود طراوتی را نکهیان بودند. این خوانها همیشه نازه بود و لخته نشد. پس از ربط نخواهد بوداگر - با وجود همه‌ی انحصار طلبی‌ها که

تیجهات



مردی که با قامت نحیف شناخته شد، سید محمود طالقانی، اینک امید است برای همه مدنیان آن سفاق بیرون نهاد، در دل همه جا گرفت، در روزهای سرد زمستان، در راهپیمایی‌ها، هزاران دل از بیم تن نحیف و آن سرما می‌تپید. آن که چند روزه ناگهان آوازه‌اش در سراسر ایران زمین پیچید: سید محمود طالقانی، هفتادی گذشته نیز بار دیگر روش دلیش را ثابت کرد، حرکت سریع و حساب شده و فوق العاده موقع آیت‌الله طالقانی از اجتماع ۳۰ تیر که بیم آن میرفت، به جای محلی برای اتحاد و بزرگداشت آنها که جانشان را بر سر اعتقاد به آزادی و استقلال گذاشته بودند، بار دیگر به صحنه زورآزمایی نیروها بدل شود و دشمنان را شاد گرداند و دوستان را ناشاد، یک اجتماع دلگرم‌کننده مهربان ساخت.

اقدام حسابگرانه آن پدر مجاهد، لذت اتحاد را در دلها نشاند و ثابت کرد که یاران مصدق و پیروان خمینی را نه فقط باهم دشنی نیست که آنها را رسماً قوى بهم می‌پیوندد.

آیت‌الله طالقانی از دو روز پیش از اجتماع دعوت شده از سوی آیت‌الله زنجانی، در پی دیداری با امام در قم، با انتشار یک اعلامیه به این اجتماع جهت داد. نخست آن که مانع از آن شد که این اجتماع به عنوان مجمع رقبی برای راهپیمایی اتحاد تلقی شود. دیگر آن که فرست تاریخی برای آشتبانی نیروها پدید آورد و از همه همتر بطریقی ملموس حسابیت این روزها و لزوم همسنگی و اتحاد را بادآورشد و کدورت آن دفعه‌ی پیش را از دل یاران و پیروان مصدق بیرون کشید.

بار دیگر انگ وطن‌خواهی و آزادیخواهی این مرد بزرگ بر رویدادهای سیاسی این مملکت زده شد. اعلامیه آگاهانه دعوت مردم به شرکت در مراسم بزرگداشت سی تیر و چلوگیری از تفرقه در این اجتماع و حزب بازی در آن و شرکت خود آیت‌الله و نطقی روشنگر، همه موجی شد که هزاران هزار تن به لکر افتدند و به این نتیجه رسیدند که راه‌گریز دادن انقلاب امروز از سرنوشت لهضت مصدق و قیام

سی تیر، اتحاد همه‌ی نیروهای است.
سید محمود طالقانی، اینک امید است برای همه دلیگرانان، کم نبودند آنها که پس از این اجتماع با خود می‌گفتند: خداوند سلامتش بدارد!

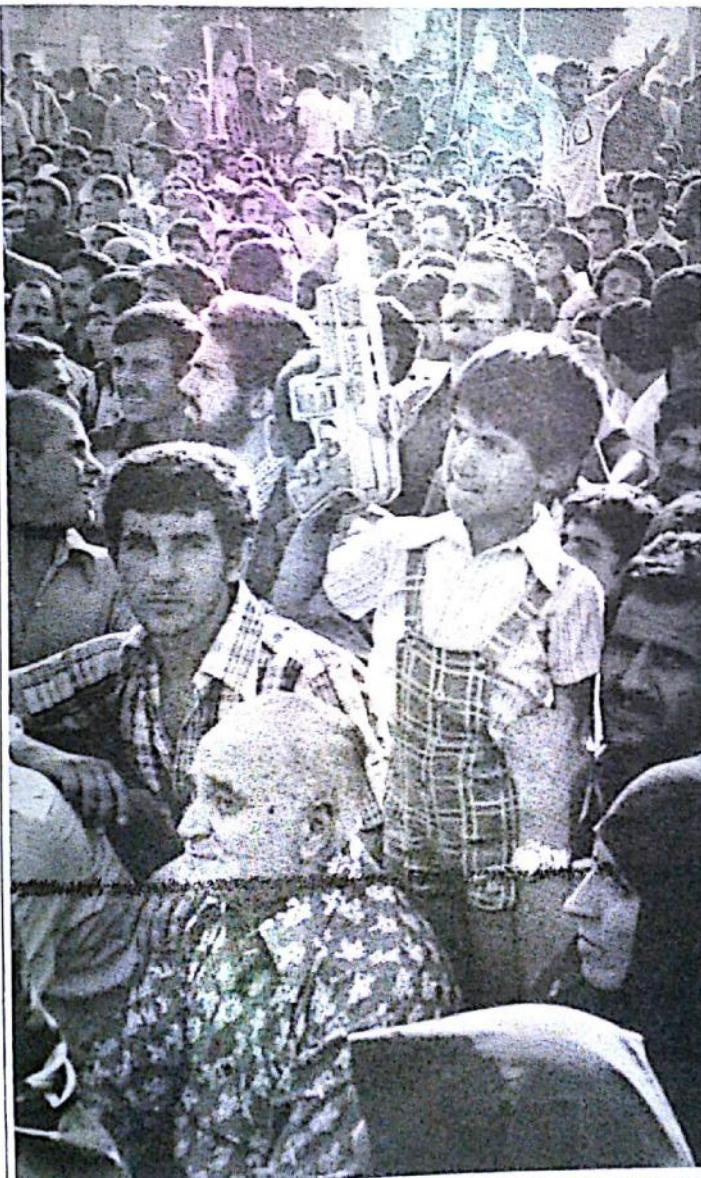
هاشم صباحیان

هاشم صباحیان وزیر کشور کابینه از جمله چهره‌های گفتمانی بود که پس از انقلاب نامدار شد، او در ابتدای کار کابینه‌ی بازگان، عنوان وزیر مشاور در امور انتقال قدرت را داشت، سپس به جای دکتر احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور شد و اینک با در پیش بودن انتخابات مجلس هؤسان و انتصاب دو تن از قدرتمندترین روحانیون کشور، به عنوان معاونان او (آیت‌الله مهدوی کنی و هاشمی رفسنجانی) در میانه خبرها قرار دارد.

صباحیان، نتها کسی است در دولت که بستگان خود را در بخش‌های مختلف بکار گمارده و در نتیجه صاحب باندی در بازمانهای دولتی است. او ۱۲ برادر و ۲ خواهر دارد که تقریباً همه‌ی برادران و شوهر خواهراهانش، پس از انقلاب به کاری مشغول شده‌اند: یکی در کمیته مشهور سلطنت آباد رئیس پاسداران است (ناشی از جریان دستگیری فرزندان آیت‌الله طالقانی به گوش خورد) برادر دیگری در مقام معاونت داشتگاه، یکی دیگر از آنها گفته می‌شود معافون صنایع و معادن خواهد شد، پدرشان مسئول کمیته دروس است و شوهر خواهرش (سرهنگ ارش) رئیس مهمات صنایع نظامی شد. بقیه برادران که در کار دولت نیستند نیز در زمینه کارهای بخش خصوصی به تازگی بسیار فعال شدند. از سوی دیگر بستگان دورتر او نیز بیهوده نمانده‌اند. مسعودنیا (صاحب مغازه فروش کراوات معروف) پسرخاله صباحیان، در همان اوایل انقلاب به عنوان مدیر عامل شیلات جنوب منصوب شد، اما توانست بیش از چند ماه بماند و آمد و با نگرانی... اینک صحبت از استانداری است.

مأموران وزارت کشور به شوخی می‌گویند: صباحیان که به پوشیدن لباسهای عجیب و غریب مشهور است، از نظر بالتن آدمهای مناسب برای استانداری و فرمانداری دچار مشکل نیست، چرا که برادران و بستکان او آنقدر هستند که کم لعنی آید!

ارتش در ارومیه وارد عمل شد



ادغام شورای انقلاب در دولت ، استعفا با برکناری چند تن از نظامیان برجه ، حوات کردستان ، راهپیمانی وحدت و گردهمایی ۴۰، کنکور سراسری ، ادامه ماجرا های سعادتی ، بازگشت محمد منتظری ، حوات فارس ، ترور پیغمبرانی ، همه و همه خبرهای مهم هفته بود . روز سهشنبه ، یک روز پیش از انتشار مجله . وقتی که همه صفحات مجله بسته شده بود ، راهپیمانی وحدت طبق برنامه قبلی در تهران و شهرستانها انجام گرفت .

مردم در تهران و شهرستانها از این راه - پیمانی استقبال کردند زیرا که موضوع آن بین با امام بود . در تهران نمایندگی بهارستان ، میعادگار راهپیمانی که از نقاط مختلف تهران حرکت کرده بودند ، از جمعیت اینستند و سریز کرد و خیابانهای اطراف نیز پر شد . حاصل این راهپیمانی یک قطعنامه ۴ ماده ای بود که یکی از مواد آن ، دخالت ارتش در سرکوبی عوامل ضد انقلاب و فاجعه ساز در گوشه و کنار کشور را طلب می کرد . گنجاندن این ماده در قطعنامه راهپیمانی که هدف آن بیعت همه نیروها با امام بود ، غیرمنتظره بود و بسیاری را برآشنا و گفتند این آغاز دخالت ارتش بطور رسمی در درون مرزها است . و چنین امری شایسته انقلاب نیست . انقلاب ارتش را در عمل از دخالت در امور سیاسی داخلی بازداشت و جنگ با ارتش شاهنشاهی که در روزهای آخر شکل گرفت برای همین بود . بهر حال اکنون مردم گروهها و سازمانهایی را که در این راهپیمانی شرک داشتند مسئول می شانند . تکلیف عدهای از سازمانها روش است ولی سازمان مجاهدین خلق ایران و جبهه دمکراتیک ملی که از سازمان های متفرق و شاخه شده کنور هستند باید به سهم خود جوابگوی مواد قطعنامه و از جمله ماده مورد نظر باشند .

ادغام شورای انقلاب در دولت

شورای انقلاب سرانجام در دولت ادغام شد و مهدی مازرگان نخست وزیر در نطق تلویزیونی آخر هفته خود - روز پنجشنبه گذشته - این موضوع را اعلام کرد .



پهارستان گرد آمدند ، اما منانه این میتینگ با ظم و ترتیبی که درخور شهادی ۳۰ تیر باشد ، برگزار نشد .

نخست اینکه هیچیک از سازمانها و گروهها به علت اینکه باهم و یکبارچه میتینگ را برگزار کردن ، آن انداز احساس مسئولیت نداشت که وقتی سازمانی خود به تهایی اجتماعی برگزار می کند - شاید نخستین تحریه بود و پس از این میتوان پهلوش کرد - دیگر آنکه گروه معروف به حزب الله در اوائل کار ، جندان شلوغ گرد که دیگر شمارهایی که از پلندگو یافشند ، مفهوم نبود . این گروه بالانها که از طرف جمهه ملی آمده بودند ، درگیر شد و مجلس آنها را که بر گوشایی از میدان برپا بود بکل از هم باشید ، اما پس از آن که کار مجلس جمهه ملی یکسره شد ، حوادث غیرمنتظره ای رخ نداد .

زیرا اداره کنندگان میتینگ همان افراد گروه های سیاسی برگزار کننده بودند . نخست آنها از کلام الله مجید یافشند ، پس پیام آیت الله

گرد ولی من اختناط نمی کنم . من معتقد و فتنی انقلاب پیروزیش را حفظ می کند که ارتش پاسدار انقلاب باشد .

پس از برگزاری امیر رحیمی او به سمت واپس نظام ایران در فرانسه منصب گردید و لی تبدیل .

استغای سرلکتر فرید ظاهرا دلالتی مخالف دلالت امیر رحیمی داشته است . فرید در مصایب اسلام کفته است چون گروهی می خواهد ارتش دویاره رو در روی مردم فرار گیرد و باعیقده او در کنار شاهد انت از این مخالفان ، کناره گیری گردد .

است .

او همچنین از هرگز متعدد قدرت و تصمیم

گیری و دخالت در ارتش نام برد و گفت یکی از علل استغایش همین دخالتها بوده است .

میتینگ ۳۰ تیر

سازمانها و گروههای مختلف برای بزرگداشت شهادی ۳۰ تیر آن روز شبه سیام تیر ، در میدان

در نتیجه این ادغام گفته شد دادگاههای انقلاب آنکه همها و پاسداران زیر نظر دولت قرار گرفتند . و تیز چند تن از روحانیون صاحب پست های رسن دولت شدند که این ترتیب که حجت الاسلام هاشم رفسنجانی که چندی پیش مورد سوء قصد قرار گرفت و آیت الله مهدوی کشی به میان نیز وزارت کشور منصوب شدند .

آقای دکتر باهر به سمت حافظ وزارت آموزش و پرورش آمد علی خامنه ای به سمت معاونت سیاسی وزارت دفاع و ابوالحسن بنیصدر به سمت معاونت وزارت امور اقتصادی منصوب شدند .

البته آقای بازرگان در گفتار تلویزیونی خود گفت که به لحاظ هیات دولت هیچ انتکالی نداشت که وزارت را به این آقایان تفویض کنیم ولی این طور ترجیح دادند که سمت معاونت ولی معاونت رسن که مسئول و مجری و صاحب رای در دولت هستند ، داشته باشد .

برگزاری فرید و امیر رحیمی

نیمسار سرلکتر فرید رئیس ساد ارتش که به جای نیمسار قرقی نشته بود ، شنبه این هنر استغای کرد . در بی آن خبر از کناره گیری امیر رحیمی فرمانده دزبان مرد . اما خود امیر رحیمی در يك صاحبه مطوعاتی اعلام گرد که برگزار شده است . و گفت که هنوز نمی دانم برای چه برگزار شده ام . در حالی که در همین مصایب خود او گفت که «برحسب

دستور امام خمینی که مصالح عالیه مملکتی را مورد توجه دارند ، من از ساعت ۱۱ صبح امروز (شنبه) از فرماندهی دزبان استغای دهم ». در همین مصایب او گفته است که هرگز نمی بذرد که يك روحانی معاون وزارت دفاع باشد و اشاره اش به سیدعلی خامنه ای است که پس از ادھام شورای انقلاب در دولت به سمت معاون وزارت دفاع منصب شده است . امیر رحیمی که در طول دوره فرماندهی دزبان يکسی از نظامیان جنجال آفرین و خبرساز بوده است در مصایب خود گفت که نمی تواند ساکن بنشیند و وقتی مصالح مملکت ایجاد می کند حرفاش را با ملت در میان خواهد میانداشت . او در باره دخالت ارتش در خوزستان گفت که مدلی احتیاط

عملیات ارتش در ارومیه

اطراف ارومیه و پاسکاه مرزی «سرو» در این هفته محل زد و خوردهای جدی و خانگان برانداز بود، یکونهای که ارتش وارد ماجرا شد و در درگیریها مستقیماً دخالت کرد.

ولاقبت ماجرا به دقت روش نسبت، زیرا رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها، هرگدام خبر را به نوع منکس می‌کنند و ملوم نسبت ریشه زد و خوردها در کجاست، ولی روپرتفه، ماله کرد و ترک این‌بار، در این نقطه بهان درگیریها شده است. در آغاز زد و خوردها روز جمعه چند تن از مردم و چند تن از پاسداران کشته شدند و ۵ تن از پاسداران نیز بواسیله کرده‌گروگان گرفته شدند. این‌عدد چند روز بعد از این‌دادن ۲۰ اما درگیریها بایان نیافت.

استندار آذربایجان غربی در مصائب‌های در این مورد به مذاکره خود با شیخ عزادین حسینی اشاره کرده و گفت است که این‌پیشنهاد کرد که افراد مستقر در پاسکاه «سرو» از افراد محل انتخاب و استخدام شوند. و من دریاس بدوی گفت که ما با استخدام پاسدار محلی مخالف نیستیم ولی باید راهی برای رفتن به «سرو» یافته.

این گفت و گو شان میدهد که جاده ارومیه سرو بوسیله عدای بسته شده است و نتوان به آنچا رفت و آمد کرد. استندار آذربایجان غربی - دکتر حققوه همچنین در اعلامیه‌ای به مردم گفته است که برخوردهای معلمه «سرو» ساله کرد و نسک نیست و هندار داده است که اگر به این ساله در شهر ارومیه دامن زده شود، شهر را ترک خواهد کرد. دادستان انقلاب اسلامی ارومیه نیز در بیانیه‌ای از مردم خواسته است که تراجم کردهای مقیم ارومیه شوند. هم او گفته است که محله به پاسکاه زاندارمری از طرف مدد انقلابیون سورت گرفته و بربطه به برادران کردندار، در حالی که کردها در شهر مورد اهانت قرار می‌گیرند.

در این احوال لشکر ۶۴ ارومیه در اعلامیه‌ای گفته است که برای دفاع از انقلاب اسلامی در معلمه ارومیه سرو وارد عمل شده و پاسخ را از ماطق کوهستانی پراکنده و متواری کرده است. فرماده لشکر ۶۴ ارومیه سرمهک طهیر تزار در ارتباط با این عملیات گفته است که در این درگیری چند تن از کردهای مهمان گشته و مجموعه‌لند و بقیه فرار گردند و از آنها مقدار زیادی خسارت اندام و مسلسل و ششگاهی داشتند و سفرهای نان و کافلش و سپکار پنجا ماده.

شیخ نهاد راه را مذاکره از نزدیک دولت با مردم می‌داند و می‌گوید اگر این کار صورت نگیرد، ناحیه روی آرامش به خود نخواهد دهد و هستیخ خواهد ماند. هنوز روش نیت که دولت در برابر این خواسته چه خواهد کرد و برای مردم آواره چه چاره خواهد انداشت.

وروود محمد منتظری

اما جال‌ترین حادثه تهران بازگشت شیخ محمد منتظری فرزند آیت‌الله منتظری از سنسن بود. او فلا با پورش مسلحانه از فرودگاه مهرآباد به خارج از کشور رسید. زمانی که او در خارج از کشور رسید، سخنگوی دولت اعلام کرد که آقای بازرگان دستور بازداشت او را صادر کرده است. در خارج از کشور رسید، مهدی بازرگان نخست وزیر و ابراهیم بزدی و وزیر خارجه را تمثیل کرد که آلت دست سیاه داشت.

مردم ایران با همه این جنجالها نصیر می‌گردند که آقای منتظری با در خارج از کشور خواهد ماند و یا اینکه اگر وارد نهران شود، دستگیر خواهد شد. اما آقای منتظری روز جمعه به نهران بازگشت می‌آنکه کسی او را دستگیر نکد. افسر کشیک فرودگاه در رایته با این جنجال نیست و لی باید راهی برای رفتن به «سرو» یافته.

این گفت و گو شان میدهد که جاده ارومیه سرو بوسیله عدای بسته شده است و نتوان به آنچا رفت و آمد کرد.

استندار آذربایجان غربی - دکتر حققوه همچنین در اعلامیه‌ای به مردم گفته است که برخوردهای معلمه «سرو» ساله کرد و نسک نیست و هندار داده است که در سالن فرودگاه دویست تن مسلح منتظر ورود آقای منتظری بودند و سی او را خانه اسکورت کردند. به همین ترتیب داده بودند، از طرف فرودگاه خارج شد، دوباره دادستان درباره دستور بازداشت اینشان را صادر کرده است!

گفته است که در میرون از سالن فرودگاه دویست تن مسلح منتظر ورود آقای منتظری بودند و سی او را خانه اسکورت کردند. به همین ترتیب داده بودند، اما با اصرار نظایران مبنی بر استفاده از پاسداران کار به نسبه نرسید و اعلام نیز که برای جلوگیری از هرگونه درگیری، مردم شهر را ترک می‌کنند. تا امروز - دوشهنه - که این خبر توشه می‌شود، خواسته داده اند که بیش از ۷۵ درصد از مردم شهر را ترک کرده‌اند و برخی دیگر بکلی سکوت اختیار کرده‌اند.

توضیح و پوزش

در گزارش طب ملی که هفته پیش انتشار یافت نام دکتر حفیظی بد اشتباه دکتر خطیبی چاپ شده بود. ضمناً در خبر همروط به مجله زن روز نوشته بودیم که هیات تحریریه با سردبیر کل کیهان مذاکره کرد و به نتیجه نرسید، در حالی که آنان با همدهیان صاحب تازه روزنایه کیهان بحث کرده بودند، از خوانندگان واز آقای هبشری پوزش هی خواهیم، و امید داریم پوزش ها را پیدا کنند.

رحمان فرات گردید، آنکه صدای مصدق و پیام که در مناسبت ۳۰ تیر در سال ۱۳۳۶ از رادیو پخش شده بود، پخش گردید. و سیس آیت‌الله طالقانی سخنرانی کرد.

خبرهای یکباره‌گذشتگر در برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای ۳۰ تیر آیت‌الله طالقانی نبوده، بلکن مایوس کننده می‌شد و تنها همین سخنرانی بود که میشنسک را رسانید. این نجات داد. اما در این میشنسک هرچه ممکن بود اعلاینه، بیانیه آ و ... توزیع شد و از این نظر کم‌نظیر می‌نمود.

مریوان خالی شد

مردم مریوان هم سرانجام در اثر دخالت‌های کیمی و پاسداران، مانند کردهای نقده، شهر را ترک کردن و در بیان‌های اطراف چادر زدند.

اکنون مردم دو شهر کردستان آواره شده‌اند.

خواسته داده بودند و در خارج هفته پیشتر دارد. مردم به وجود پاسداران و کیمی در شهر اعتراض کردن و هشتمی که یک راه‌پیامی علیه مشی رادیو تلویزیون که خبرهای کردستان را تعریف می‌کند ترتیب داده بودند، از طرف کیمی مورد اعتراض به آنها تیراندازی شد.

مردم هم دفعاع گردید و در این حادثه چند پاسدار و چند تن از مردم کشته شدند.

در بیان این درگیری پاسداران اغامی در پسر شهر مسلط شدند و کشاورزان سیامی برای حل مسالم آشناز شد. نایابدگان مردم و نورای مواف

شهر مریوان که پس از درگیری از ادراجه شهر را به همین ترتیب داده بودند، با فرماده پادشاه درباره عدم استفاده از پاسداران اغامی برای حفظ انتظامات شهر وارد مذاکره شدند، اما با اصرار نظایران مبنی بر استفاده از پاسداران کار به نسبه نرسید و اعلام نیز که برای جلوگیری از هرگونه درگیری، مردم شهر را ترک می‌کنند.

تا امروز - دوشهنه - که این خبر توشه می‌شود، خواسته داده اند که بیش از ۷۵ درصد از مردم شهر را ترک کرده‌اند و برخی دیگر بکلی سکوت اختیار کرده‌اند.

شیخ عزادین حسینی رهبر ملی - منتهی کردستان در ارتباط با وقایع مریوان بیامی فرستاده است که در آن «عناصر ناباب و مرجع در درون دولت و کیمیها» را مسئول درگیری مریوان معرفی می‌کند، «خانماری که با این سیاسی‌لداران و با ناامن و خالند، مخصوصاً در کردستان عوامل ارتحاب و نبروهای ضد الیاف را تقویت می‌کنند لا علیه مردم عمل گشته



صحنه‌ای از جنگ و گریز و درگیری بین مردم شهر و روستا های اطراف . آنها با سنگ به یکدیگر حمله می کنند .



خانه یکی از فرهنگان که توسط عده‌ای تخریب و غارت شده است .



مردم در یک راهپیمایی بزرگ شعار شعاری هم که در دست آنهاست همین را می دادند که ما آب می خواهیم نه گلوه . می گوید .

جنگ و گریز مشکین شهر

مشکین شهر در روزهای ۲۳ ، ۲۴ و ۲۵ تیر ماه شاهد حوادث خونینی بود که گفته می شود در آن حدود ۲۰۰ نفر زخمی و ۶ تن کشته شده‌اند . عکس‌های این صفحه که توسط یکی از خبرنگاران مقیم شهر گرفته شده ، صحنه‌هایی از این زد و خوردگان را نشان می دهند . مشکین شهر تنها شهری نیست که دچار این حادثه شده ، شهرهای بسیاری پس از انقلاب دچار این حوادث شده‌اند . ناآگاهی مردم ، ارتقای حاکم بر برخی از کمیته‌ها و تحریکات ضد انقلاب ، عهمگی به چنین جریاناتی کمک می کند .

آنها آزادگان را کنک می‌زنند و شکنجه هی کنند

لاتهای محله حسین‌آباد اصفهان را فرق کرده‌اند

کفته هی گوید به من هربوط نیست ولی اوباشان همواره در کمیته دیده می‌شوند.

<p>من پس از چندی با ناکسی به ستد برگشتم. یکی دیگر از اعضاي حرب کارگران کردگان. آنها روزنامه‌فروشان و کسانی سوسالیست که همه سماک ابدالی به دفتر محله آمدند بودند اظهار داشت:</p> <p>سماک پس از بازگشت به ساد نفس بروزیم شد و ما او را خواهاندیم ولیکن مردم تناصی کابوس می‌دید و وقتی زده از حواب بیدار می‌شد حتی یکار گلوی یکی از ما را گرفت و من گفت من خواهیم را شکنجه کنی ...</p> <p>ما پس از ریوده شدن سماک به کلانتری و کمیته خبر دادیم و گفته‌یم هر اتفاقی می‌شناسد متول شا هستند.</p> <p>پنجه شنبه ۲۸ تیرماه ساعت ده شصت همین عده به ستد حمله کردند. ما کارمان تمام شده بود و من خواستم ساختمان را ترک کنم و در حمام ایستادم بودیم که صدای عده‌ای را شدید که در حیاتان یاهوی حرف می‌زنند. کسی به دیگران دستور می‌داد که خانه را محاصره کند. چهار پنج نفر ناهم می‌کشند یک دختر هم در خانه است که یاد او را مکریم. ما ششیندین این سداها دواره داخل ساختمان شدید درها را قفل کردیم و از پنجه‌ها شروع به فریاد زدن کردیم و همایه‌ها را به کلک تبلیدیم. در این موقع این افراد از دیوارها بالا آمدند و وارد حداده شدند با خودشان گلت. کوکتل‌ولوتو، زنگره، بیر و چاقو داشتند. فریاد زدن اگر تا دهدیمه دیگر بیرون شنید تیراندازی می‌کنم و شروع به شارش معمکوس کردند. همایه‌ها هم به رابطه شما ما کردیم و سندج جیس روزنامه‌ها را از کجا می‌گیرید؟ حرا مادرها را من کشید؟ در مقابل اعتراض من چندین بار تیرین روی پاهاش ریختند و گشتند یا حواب درست مدهی و یا دادگاه سامانی تشکیل میدهیم و نورا آتش می‌زنیم و جون جواب درست از من نمی‌شندند پس از یک ساعت کنکزدن من، سوار ماسن‌های خود شدند و رفتند.</p> <p>این افراد در مقابل فریادهای ما گه همایه‌ها را به کلک می‌خواستیم به آنها می‌گفتند</p>	<p>سوسالیست در اصفهان با مراجعت به دفتر محله نهران مصور در نهران و ننان دادن بدن خود که آثار شلاق و آتش سیکار هنوز بر آن نمایان بود به ریوده شدن خود توسطگ و اوباش در اصفهان اعتراض کرد.</p> <p>سماک ابدالی در شرح آنچه براو گفتند است چن گفت:</p> <p>روز چهارشنبه ۷۷ تیرماه با چند نفر دیگر روبروی دانشگاه اصفهان روزنامه کارگر می‌روختند. هنگام که برای سوار شدن به ناکس و مازگشت به ستد حرب به آنسو خیابان رفتند ناگهان خود سی نفر از چند ماسن بیاد شدند و ما را مورد حمله قرار دادند. اولین شت را نکن از رفای ما خورد. گلوی من را گرفند و فشار زادند و باشت بر سرم گویندند. ماهر کدام سیمین دویم و من بعطرف دروازه شرار دویم و جون ضعف تمام بدم را فرا گرفته بود به یک کوچه پیچیدم و ایسادم. یک ماسن از ریای حاکتری رنگ شاره ۲۹۹۹: تهران سالد و یک موتو آسی رنگ که من تعجب می‌کردم سر کوچه ایستادند و چندین بار به من حمله زدند. مردی نا ریش بور و عنکس سیاه می‌گرفت و آندر شلاق زدند که پایامیم بحس ند. یک از عابرین اعتراض کرد. او را هم باشت رزند. من به زمین افadam و آنها بالکد محکم بر روی کرم گویندند حامی مرایم آب آورد که لیوان را گرفند و شکنند و سا نکشیدند مسحون را محروم کردند و سی در همان حال راهیم کردند. مردم محله اعتراض کردند که ناید این فرد را یا به کمسه و یا به سیارسان بسند و آنها را مجبور به ایشان گردند. من گفتم اگر سه نانز از مردم با من نیایند</p>
---	--

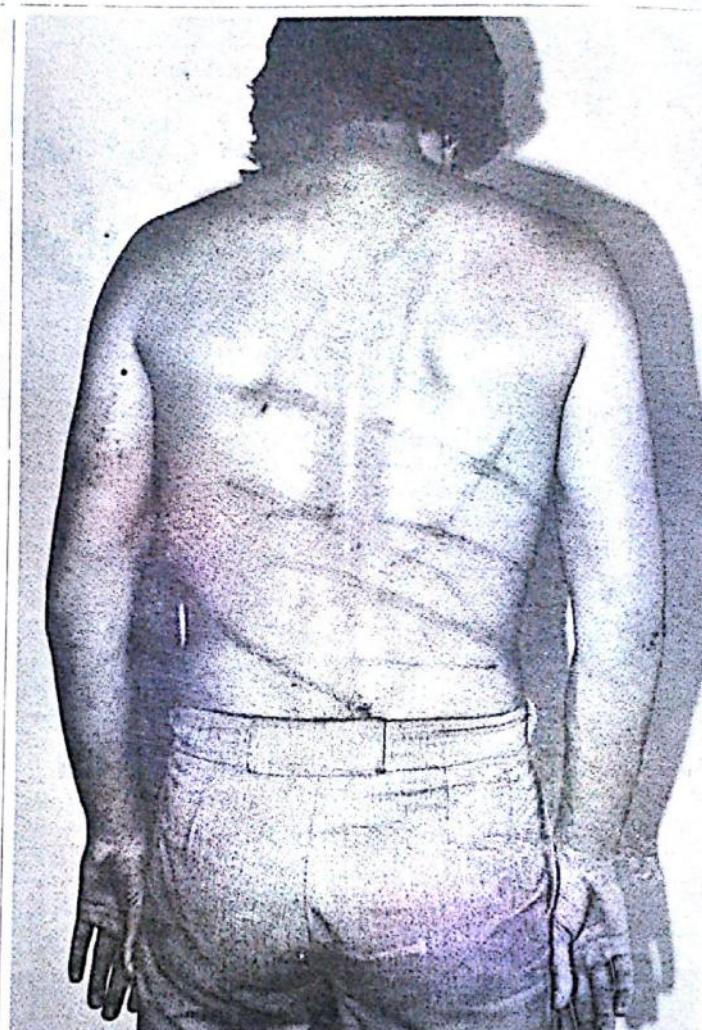
کمیته گفتم، جای شلاق‌ها را روی بدنه به آنها نشان دادم و گفتم جرا اینها را دستگیرلمی کنند و آنها گفتند کسانی که شما را زده‌اند گفته‌ای نیستند اگر بودند ما آنها را به سرای اعمالشان می‌رسانیدم . و بعد گفتند که برای گشتن سیاد بر می‌گردیم و آنرا از پاسدار گفته نبود و مسردم گفتند که دو سه دلیله بعد از رفتن ما پاسدار هم آنها را ترک کرده است و بالاگصلة همان اویاش‌ها ریخته‌اند و در و شیوه‌های سیاد را با تیر خرد گرداند و نام نشبات را به هم ریخته‌اند .

در صحن هسایگان گفتند که بیکان سیاه شماره ۹۱۵۸۶ تهران-ج متعلق به حمله گندگان بوده است و از چندش قبل هم به همایه‌ها گفته‌اند که می‌خواهند یک عدد ساواکی را دستگیر کنند و اگر سروصدا شد آنها ناراحت شوند و به هیچکس هم اطلاع ننهند .

ده هزار نسخه روزنامه کارگر ، سه هزار سخمه کتاب ، دو سوپواره و یک انگشت طلا ، یک ساعت مجی سیکو ، یک ضبط‌جوت کات ، دوربین گداک ، رادیو ، یعنجه عدد نوار کات را از آنجا برده بودند . افراد گفته گفتند رسیدگی می‌کنیم و رفند و صح روز بعد می‌دوباره به گفته‌نی رای شکایت مراعمه گردیده گفتند به ما مربوط نیست ، به زاندارمری بروید . به زاندارمری رفتم . گفتند ماله سیای اس و به کسی مربوط است . بالاخره فهمیدم که می‌خواهند کاری کنند .

اندای گفت : افرادی که مرا ریوید بودند هر روز در گسته دیده می‌شوند . واضح است که واسطه به خودشان هستند . از آنها خواستم که اسامی این افراد را بهما بدهند ، فسول نکردن .

سامع ابدالی در بایان گفت : این افراد کاملاً شاخه شده هستند ، لایهای محله حسن‌آباد هستند : حسن‌آبادی ، حسن‌نقی (کامس و العرش حاج‌بداله واحد اس) ، اکبر کارگر سرده‌شان همسد بارها به فروشنده‌گان روزنامه‌های آنسدگاری ، سیماپرور و ما حمله گرداند . مکار نکن ، از فروشنده‌گان روزنامه کار را با چاقو مورد حمله فرار دادند و دشمن را از بارو نا می‌خرم محروم کردند . گفته هم آنها را می‌شاند و از کارهایشان مطلع است . همان مانش‌های که مردان آزادانه در خیابانها می‌گردند ، ولسم . گفته و پاسداران انقلاب توجهی ندارند



بی‌سم و ز . س تمام این عدت بیرون در اسناهه بودند و هیچ داخلی‌نمی‌گردند . بهر حال ما به افراد گفته گفتند که باید ما را با مسلسل حفاظت کنند تا از ساختمان بیرون بیانم اول مخالفت گرددند و بالآخره راضی شدند و ما را به کلانتری بردند . به آنها گفتند که برای سیاد پاسدار بگذارند چون ما هیچ مشمولیتی قبول نمی‌کنیم اگر بعداً اسلحه و یا عذرک دیگری علیه ما در آنجا بیدا کنند و آنها هم موافق کردند ... سیاع ابدالی گفت : چند تن از شکنجه - گفتند که اگر دخالت کنند شما را هم آتش می‌زنیم . زن مسی را که اعتراض کرد ناسیلی به گوته‌ای برب کردند بعداز دوسات بی‌اعتنای بالآخره افراد گفته آمدند . بعداً از همایه‌ها شنیدم که یک مائین توپوتای آبی رنگ که بعداً خودشان را مأمورین گفته معرفی گردندیا

مقالات

امریکا، امروز در ایران چه می‌کند؟

پیشنهاد: رهبر انقلاب و رهبران احزاب ترقیخواه به گفتگو بنشینند

سوال : چطور امریکا کہ شاہ را برد، سر راہ این حکومت سنگ می اندازد؟

مواضع سد امیریالیست انقلاب: جلوگیری از بدیدل آرمان انقلابی هند امیریالیست به کوش غربپسندانه (و نه خداپسندانه) هند کومونیست؛ دور کردن عوامل امریکائی، که در حکومت س از انقلاب رخنده کرده اند — سوابهای افغانستان

پس، هزمان با کوش برای استفسار
نکوکنم تازه (که الزاماً باید حکومت باشد که
کثربت مردم طالب آنند) باید موجه این تدبیر
می‌بود، و سایل اجرای این تدبیر را استخراج
رد و فراهم آورد. در مورد ایران مهمترین این
سایل کوش برای حفظ اتحاد (یکنویش وحدت
له) به تعییر درست آن بود و هست. این خود
ک «مت»؛ یک میزان است، کسانی که معتقد
روشنی می‌کنند تا این «اتحاد» را که انقلاب
نم از برگت آن به اوچ رسید و ازباب را
بنع کردن تا نوکر به آن خوبی را ببرد به
طر اندازند و بالمال ریکی به کش دارند.

این عوامل که در داخل حکومت به تضییع ن- بنا به ماموریتی که دارند - میگوشند ، ر هنجهای اخیر تمام کوشش خود را مصروف بجاد محیط نامن و اغتشاشهای صنعتی و خود خته کرده اند . تا از این رهگذر به یکی از زیانهای زیرین و رذیلانهترین نتله های استعمار ای ایران پس از شاه ، بی می بریم و آن :

- ۱ - ایجاد یک ارتش ضد خلق و همچون شد در مشت امریکاست ؟ برای روز سادا .
- ۲ - ایجاد بحیط نامنی، که نبرو های قیخواه را مدام در عمارته با حکومت فراراند .

س- عامل دوم خود، اولی را ترتیب میکند،
بعن آنها که آتش اوروزی در این نقطه و آن
قطعه، با کمک عوامل خود در داخل حکومت،
بن آتشها را مزدگانتر و سوزاندگتر از آنکه
ست، شنان میدند و اتحادیه ایشان، هنر



سعود بھنود

بنا تحلل ایجاد اختناق و خشونتی نظری سالمای پس از سالهای ۲۸ مرداد که دنیای امروز و نفس بازی (حقوق بشری) امریکا تاب آنرا ندارد.

۲ - اطمینان به حکومت که مردم طالع آنند. در مورد ایران (شاید هم نیکاراگوئه) این که حکومت مطلوب انقلابیون، در ماهیت صد کوئیسم است. پس چهما در آن مجال ایجاد خطری ندارند.

۳ - عواملی وجود دارند که جهانخواه غربی می‌تواند با تزریق آنها به حکومت انتقالی بعدی، به ماندگاری منافع و مقاصد استعماری

* امیریالیسم غرب می کوشد با کمک عوامل خود در داخل حکومت، ماهیت خود را دلیل امریکا، شام را می برد (شاید هم مسموزا را) جا که از سه، دیگر ای

صد امپریالیستی جنبش را منحرف کند.
تملک کند، در یک جنگ فرسایشی در این مدت
نیروها و فورمانان دیگری بیرون خواهند گرد که
به احتمال تزدیک به یقین، منافع عرب را بسدار
بینند.

با شناخت این وضعیت در ارتباط با سیاست خارجی، تکلیف روزهای پس از سرنگونی رزیم شاه، و ایام ما روشن شد: کوئی نیز، باعث حفظ

www.EasyEngineering.net

و رفشار فاتحان پسنه کردند و ملت را مغلوب شده پنداشتند. هنگام افتکنند. آنها که ظاهراً ۷۰۰ هزاری را ۲ میلیون و نهود من کنند، شمار های تدریوانه به گروهها من آوزند، سیس و نهود من کنند این خواست حامه است، آنها که با روشهای اطرافان، محمد رضا شاه دور و بر امام را گرفتند و مدام «صحیح است» میگویند، آنها که دروغ آنتشار می دهند و ظاهراً خونین را باعث من آیند، آنان که دارد جمهور ختن و غیرقابل تحمل و بدون انعطاف، ارتقای و خشکی از اسلام می پردازند. آنها که درهای دولت همان کاری را با رهبری مردم کنند، که اطرافیان آن شاه را در روزهای سیس از ۱۵ خرداد ۴۲، با آن نادان من کردند: «قربان آیز دشمن را بکنید». «این مرتعمن را از ایران برآید»، «قربان شادرست می فرمائید»، «قربان اجازه من دهید با یک اشاره منکوبشان کنیم» و ... آینها هستند. آینها همان سوابیهای اطمینان امیریالیسم جهانخواراند که به ایران صادر شده‌اند و در انقلاب تزریق شده‌اند تا در صف رهبری رخته کنند.

ما در سالهای آینه شرمند نخواهیم بود. جرا که گفته‌ایم و پیش‌بینی کردیم که: «این عوامل وضعیت فرامی‌اورد که مطلقاً امکان و فرصت رغبت برای بیازدهه حضور امیریالیست در این حکومت بالی نماید. آنها به جهانخوارانکان مدد خواهند داد تا ایرانی بیازند، همانند ایران آن سفاک، هنها بدون شاه، ایرانی عیناً شبهه ایران نیم قرن گذشته با این تقاضا که دست کم در این ماههای نخستین، حکومت دارای حقائب و احصات خواهد بود - جرا که اکثرت دارد.

باید با تمام وجود، راه آینها را سخن کنیم. نخستین و تنها تدبیر برای رسیدن به این هدف انسانی و والا، تزدیک کردن نیروهای ترقیخواه و بدون واسطگی به بیگانه، بـ رهبری انقلاب است. این غیرمعنک نیست جرا که شخص آفای خمینی غیر از دلستگی به اسلام، حضور امیریالیست است و این کانونها نیز همکنند امیریالیسم آن و چه نقطه‌ای اتفاقی برگزتر و بهتر از این.

نهزین پیشنهاد را نزهه - شخصیت ملی و آنکه این دولت - هنگامی پیش داد، اجتناب رهبران اخراج، بدون توجه به ملک آنها در حضور امام، اینچیز اتفاقی اگر همانند - ظاهرآ دوست - احاجزه بدینهند بدغیرین خبر برای جهانخواران خواهد بود که از تهران برایشان مخابره می‌شود.

توپا آنرا ویران گرد و بعد نیز دادگاههای انقلاب سر آنرا به سک کوفت.

یعنی که، آن جناح پیروز می‌شود و حکومت اسلامی سرش هند کمونیستی مطاوب غرب می‌گیرد و چب‌کشی براء می‌افتد... و با اگر هیمار ر بیدار دل باشیم - نهضه های آنان نهش برآب می‌سود: حاج صند امیریالیستی حکومت تقویت می‌شود و میازده می‌استمار و استمار محدوده داشتند، روبرو شد - سوچان ایست: عوارض آن ادامه می‌باید و حرکت مردمی که با رفتن شاه به اوج رسید، ببدیل به انقلاب من شود، انقلابی که خواه از چشم تسلط طلبان بین‌المللی و استثنای گران قدمی وطن ما، می‌رساید. و هرچه در این طریق جلو برویم، امکان آنها برای دستیاریان به وسایل تازه و نیرنگ های جدید، کنتر می‌شود.

نتیجه‌یعنی که از جمیع این تصاویر و سایر می‌گذرد حقایق و استنتاج های بالا می‌توان به دست آورد، رفتار مظلوب آینه حکومت را محک بر زند را شناس.

برخلاف آنچه تاکنون دیده‌ایم و راهی که تاکنون قدرتمندان تازه - زیر تأثیر آن عوامل مسیرده در داخل حکومت و یا از این‌جا تحریکی و ندان کاری - رفته‌اند. باید بوقت به خواستهای برآوردن نیازهای مردم و باش می‌باشد و ندان کاری - رفته‌اند. باید بوقت نارضائی از رژیم منحط شاه را بشناسد و از آن پرهیز کند.

معیار شخصی است، هیچ تدبیر و میله‌یعنی جو جود ندارد که در حکومت پس از انقلاب نیز بتوان از آن استفاده کرد - در حالی که رژیم متعاقع می‌سازد - باید ترتیب می‌بینیم استمار غرب گرچه را، آمدن این حکومت پس از انقلاب نیز بگردید، اما به آن باجنشی که به رژیم شاه موکر مطعن می‌نگریست، نمی‌نگرد - بخصوص باید در شخصیت رهبر انقلاب نیز - جزوی می‌باشد.

مدد امیریالیستی - خصوصیتی مدد امیریالیست و مدد استمار نیز سراغ دارد.

به خودی خود و به فوریت در طرح این مقاله، جازه آن نیز سر نظر می‌شود: چار، تقویت حکومت است و فرامم آوردن امکان آن که انقلاب و مردم به بازی امیریالیستی رهبری تکیه کنند و در صفت اولویت‌ها، آنرا خود و ناراضی کردن آنها، بسیاری از نهادهای گذشته - بامانع شکل و حدف بازاری می‌شوند - ساواک، اوشش، بانکهای دولتی، ادارات دولتی، قوایین سیاسی، سیستم اداری دولتی و هزاران جز این.

در اینجا حاصل است این روزها آشکار می‌شود، روزهایی است که یا تدبیر آنان به تسبیح میرسد و با اغتشاشات هر روزه و خرابکاریها و ناازایشها و ترورها و سوء قصدیها و ... ایجاد بی‌بردا و می‌تدبیر ارتش صد خلق جلو می‌افتد و اسب مردی امریکا به داخل مملکت راه داده می‌شود. همان ایسی که در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن مردم، با وجود جلوگیریهای مقدرت رسیده‌های

احمدکی نژاد

این مقاله را بخوانید!

کشف ماجراهای پشت پرده مشکل نیست

چطور همهی حوادث دنیا هم‌رددیف شد تا مجلس مؤسسان منتفی شود؟

چطور یک زمینه‌چی بین‌المللی در مورد آبراه انرژی جهان - خلیج فارس - صورت گرفته، برای چی؟

چرا رادیو تلویزیون به تآرامی‌ها کمک می‌کند و آنها را تشدید می‌کند

کوتاه و بدین نحو از هم پیشند.

پس ماید به بررسی نسبت و در حد امکان قضایا را متخصص کرد تا شاید روزنهای در دل این تاریکی باز شود و سر نخوا نمایان گردد و ملت با آگاهی به قضاوت و نصیحت شنید.

در بررسی علل این گشتهای منتوان از سه مورد اصلی نام برد که عارتدند از: ۱- سیاستهای غلط اعمال شده در داخل کشور از طرف کادر رهبری ۲- ایجاد مشکلات بوسیله عوامل امیرالیام به ذبح اربابان خود که زیر پوش های جدید درآمده و نفوذ کرده‌اند. ۳- نقش سرسردگان رزیم سابق.

در مورد نقش سرسردگان رزیم سابق باید صراحتاً گفت با زمینه ناساعدی که این عوامل در جامعه داشته‌اند قادر نبوده‌اند که با این سرعت و در این مدت کوتاه منشاء چنین اثرات مغرضی گرددند و منتوان گفت که بیشتر عملیات اینان برآساس استفاده و بهره‌گیری از تنایی سیاستهای غلط کارکر رهبری تنظیم گردیده و از تنایی این سیاستها بهره‌برداری سوء گرده‌اند یعنی هرگاه به هر علت، مشکلی در امور کشور بیش‌آمده است. اینان با سوء استفاده از این مشکل و تشدید آن، به بحران حاصله عمق بیشتری بخشیده‌اند و این غوغائی که در باره نقش این گروه از طرف دستگاه حاکم برآم افتاده است اولاً بیشتر برای پوشاک انتباها و مقاصد خود دستگاه حاکم بوده و از طرفی چون دستگاه حاکم، شاهد مبارزه مردم با رزیم گذاشته بود لذا معاواره با غلو کردن در باره نقش فعالیتهای بازماندگان رزیم، قصد دارد وجود و حضور آنرا به عنوان خطر اصلی اعلام کند و در دنیا یکدیگر تکرار شدند، خط حرکت و قایق فیلم و ارتقاط سمعهای و کادرهای سه ظاهر جدا از یکدیگر، آشکار می‌گردد.

پس از حرکت صادقانه مردم ایران برای رسیدن به آرمانهای ملی و تحقق بخشیدن بهدف های افقانی خوبی، در کادر رهبری تغیراتی رخ داد، چهره‌های رفت و چهره‌های محابی آنان شدند ولی چهره‌های جدید متأثرانه در کل خود، ترکیب ناسجم و ناهمگونی داشتند. در جمع اینان از انسانهای مبارز و نسبتاً آگاه گرفته تا سورنکهای منتحک و مشکوک و از افراد روش‌من گرفته تا کوردلان منتعصب و مرتبیع دیده من شد و اگرچه وجود چنین ترکیبی در رده‌های بالای تصمیم‌گیری و اجرائی می‌توسانت نارسانی‌های فراوانی را در دوران سازندگی باشت گردد ولی خیل امیدواران به تحقق آرمانهای انسانی و ملی انقلاب، با توجه به روحیه و پیکارچیکی و وحدت عمل مردم در امر سرمهکونی رزیم، امید داشتند که باهمکاری و هدایت پتوانند به ترمیم خرابی‌ها و ناقص و نارسانی‌ها برداخته و ثالوده‌های یک جامعه متفرق و منعکس را بریزند و در عین حال، دسایس را که شیما از طرف گروههای فاسد رانده شده طرح‌بری می‌شد، خشی کند.

ولی متأذنه میر حادث در این مدت به نحوی موده که نه تنها انتظاراتی را که در بالا ذکر گردید، «میجیک» به مرحله عمل درآمد بلکه اوضاع به شکلی درآمده است که اگر از طرف دشمنان ایران، میلیاردها خرج من شد و صدعاً هزار تن بسیج می‌شدند، سریعتر از این قادر نبودند که شیرازه امور را در این مدت بنوان یک مثال قابل لمس در این مورد، من توان از یک حلقه فیلم یاد کرد که نک تک کادر عکس‌های تشکیل نهاده این ملطفه فیلم، تصاویری هستند ساکن، ولی پس از آنکه سرعت

نوجه به دو نکته اهمیت فراوان دارد.

نکته اول آن است که انسان خود را برای لحظه‌ای از متن حوادث خارج کرده و از بیرون به کل وقایع پنگرد تا بتواند خارج از واکنش‌های کوتاه‌مدت، و خارج از تأثیرات لحظه‌ای، به واقعیات امور نزدیکتر گردد. یعنی در حرفیقت برای قضاوت، بایسی خود را از حالت محاط در حوادث خلاص گردد و در موقعیت محیط برآن قرار دهد.

نکته دوم آن است که آم کهکاه باید حوادث و وقایع را در ذهن خوبی بهمان صورتی که اتفاق افتاده است جدد و تکرار و بازسازی کند و پس در باره کل این وقایع به قضاوت بنشیند که البته ناقص، ناشی از نارسانی حافظه را برای تکرار دقیق و وقایع، می‌توان با رجوع به مدارک و نوشت‌ها و اخبار، جبران کرد.

تولی به این دو روش، یعنی محیط شدن بر قایق و تکرار و بازسازی آنها در ذهن، این خاصیت را دارد که می‌توان به جریان وقایع و حرکات انجام یافته برگذشته، سرعت بخشیده و بالشده نظمات پنهانی و ارتباطات موجود در وقایع را تشخیص داد و خطوط کلی موجود در حرکات جزئی و ظاهری اهمیت و هیچین بیوستگی و واستگی آنها را تمیز داده و از این راه آگاهی‌های ضمیم نیز نسبت به میر حرکات و وقایع در آنده بدست آورد.

بنوان یک مثال قابل لمس در این مورد، من توان از یک حلقه فیلم یاد کرد که نک تک کادر عکس‌های تشکیل نهاده این ملطفه فیلم، تصاویری هستند ساکن، ولی پس از آنکه سرعت

این بهشت با ظرفیت محدود و تکمیل شده ای پس همگان برای رسیدن به این اهداف متنق‌القول شدند. جهه، پیروزان دین امید داشتند که هم دنیا را خواهند داشت و هم اختر را ولی اینان هم می‌گفتند دنیا را خواهی‌داشت ما را بس، اگر آخرتی هم در بی داشت فهای ۲ - با توجه به اعتقاد به ولایت فقیه، چین محاسبه شد که در مجلس موسان باتداد افراد زیاد، کار از کنترل خارج شده و حتی میکنند، ریشه نازاری‌ها را از دنیه مسائل اخلاقی و ناخلاقی امیریالیسم می‌توان بررسی نمود که در این نوشته به جنبه داخلی مسائل برداخت، منو:

- ۱ - اعتقاد رهبری و گروهی از املاک ایمان، می‌باید کردن طرق برای اداره امور و سروش، بوده و اکنون نیز هست (اگر بعض این استلاتر ایست رسماً اعلام شود) لذا اینان در مورد حق تصرفی گیری مردم از طرف اداره امور و سروش خود فقط این شکل را قبول می‌آیند که روش حکومت از نوع ولایت فقیه از طرف مردم تائید شود و سپس مردم برس جای خود پیشینند و اینان اعتقادی به لزوم دخالت مستر نوام سما قدرت از طرف مردم برای اداره امور خویش ندارند (بیش نویس قانون اساسی و اختیارات اندک مجلس در مقایسه با اختیارات رئیس جمهوری و نفعهای مربوط به نوع شرایط رئیس جمهوری و لزوم فیصله و لایحه ای از طرف مردم بهترین دلیل برای امر است).
- ۲ - جو حاکم بر جامعه در زمان تظاهرات و حرکت برای سرنگونی رژیم، پیش ای شنیدن و تحمل کردن چنین اعتقاد و اجرای چنین روش نیوی و هیچیک از رهبران مذهبی معتقد به به این روش در آن زمان جرأت نداشتند چنین اعتقاداتی را بمنانش آنی خود اعلام کرده و بگویند که قصد دارند آرا به اجرای گذارند که بر زبان آوردن آن همان و سلب اعتماد عمومی نسبت به آنان و درنتیجه عدم دست یابی آسان بقدرت همان.
- ۳ - برای جلب اعتماد مردم، بانوید های مکرر به آیندهای بهتر و بدور از دیکتاتوری، تصاویری از دموکراسی ارائه گردید و قول و قرارها حکایت از انکاس آراء مردم در مجلس موسان و تعبین سروش خویش و آزادیهای چنین و چنان تکرات اسان کرد و هرچه که در رژیم گذشته موجود بود همه به عنوان «دانش آن رژیم کوییده شد و برای آینده مردم چنان بهشتی تصویر گردید که همگان بنداشتند اگر به «دروازه‌های تهدی بزرگ» رسیدند ولی در عرضه مملکت مثل خروشای جنگی روی روی می‌باشد و پر برافراشته‌اند. این چنین تنجیه‌گیری با توجه به وحدت عمل مشهود در می‌حرست

تا از این راه بتواند در سایه و بهانه وجود تاریخی مردم، بسیار غیرمنطقی می‌نماید ولارج تمثیل بدنبال دستهای مرزوی گشت که هر روز گرمه کور تازه‌ای را در گوشه های مختلف این منبت ایجاد می‌کنند و مردم را بجان هم می‌اندازند و باید دید عذر این دسته از این حرکات جست و خط نهانی حرکات به کجا ختم خواهد شد.

با بررسی چند مطلب جداگانه که مبنی‌اند در انتها، مانند موزائیک در کنار یکدیگر تزار گیرند، ریشه نازاری‌ها را از دنیه مسائل داخلی و ناخلاقی امیریالیسم می‌توان بررسی نمود که در این نوشته به جنبه داخلی مسائل برداخت، منو:

۱ - در مورد سیاستهای داخلی و در یک مررس کوتاه، می‌توان علی نایابانی اوضاع را به دو دسته آشکار و پنهان تقسیم کرد.

علی آشکار را می‌توان مستقیماً ناشی از تضمیمات اشتباه افراد «پاک» کادر رهبری و علی پنهان را ناشی از نقش مرمز عوامل و دینفون امیریالیسم نامست.

آنچه آشکار بود و آشکار است اعمال و رفتار و گفتاری است که بدون آگاهی و شناخت و درک اوضاع اجتماعی سیاست اقتصادی ایران و جهان، سهو از طرف بعض رهبران بمنصه ظهور رسیده و باعث جدائی بین بیشتر نیروهای موثر داخلی و کادر رهبری شده و این نیروها را از قابلیت های کادر رهبری برای تحقیق ازمانهای ملی و انقلابی سرخورده و مایوس گرده است و این امر، خود باعث گردیده که عوامل ذی‌عوْد امیریالیسم، با استفاده از اوضاع، جریان امور را در جهت خواستها و برنامه های از پیش تعیین شده خویش منحرف کند، ولی آنچه بدیهی است آن است که اعمال سهوی ناشی از عدم آگاهی، و یا اعمال عدید ناشی از سوء بیست، بعزم حال نشان دهنده عدم ملاحت این دسته رهبران برای اداره امور مملکت است.

علی‌غم تمام اثرات مغرب ناشی از آن قست آشکار اعمال و سیاستها، باز آنچه در گوشه و کنار مملکت اتفاق می‌افتد مثل مواتت نقد و گنبد و کردستان و خرم شهر و غیره هیچیک نی نتواند منحصر از اثرات سوء سیاستهای آشکار نلق شود و یا توجیه گردد. با کمی دقت می‌توان یک نوع حرکت سازمان یافته و پیش حساب دهنده پنهان را در این حوادث بیدا گرد که از روما ضرورت یک بررسی در مار، این موارد احتمال می‌گردد. جهه، بسیار بعید بنظر برند که اینهمه دشمنی بین گروهها و دسته‌های مختلف این گنور وجود داشته باشد و تصور شود که در گذشته فثار و حضور از یامه‌ری باعث بیوش گذاشتن روی این اختلالات بوده و اکنون که آن فثار از بین رفته همه مردم این مملکت مثل خروشای جنگی روی روی می‌باشد و پر برافراشته‌اند. این چنین تنجیه‌گیری با

نه شرق، و نه غرب، بلکه جمهوری اسلامی هست

روزه برملا می شود مثابه آنچه که خلبان آزمایش را مورده اتهام دزدی سربرست صدا و سیما می عنوان کرده در جمهوری اسلامی نباید مورد رسیدگی قرار گیرد که اگر آزمایش دروغ گفته و جوب لای چرخ دولت گذاشته، دولت هم جوب لای چرخ او بگذران والا این جوب را لای چرخ دزد و سوء استفاده کنند بگذرانند؟ این «آیاه‌ها و هزاران «آیاه‌ی دیگر» سوت موزائیک‌های کوچک زمانی می‌تواند تکمیل شده و نظام کلی امور و علت اصلی وقایع را منحصر گرداند که پک بررسی از سیاست‌های خارجی شود و منافع و مطامع امیریالیم و تغییرات و تحولات چند ساله اخیر جهان در رابطه با ایران اعم از وضع جناح شرقی ناتسو و مثله ثبت و معاشر آینه دنیا از یاناما و جبل الطارق گرفته تا باب‌المندب و سوثر و تنگه هرمز و فریداهای عس مرا بکیر رکی یعنی در مورد خطرات بسته شدن تنگه هرمز برای غرب و پشت‌بند یا سرعرفات که: «بله ما تنگه را خواهیم ساخت و تحولات خوزستان و همه و همه مد نظر قرار بگیرد تا یک کف مفروش شده از موزائیک‌فرد اعلا بسته آید و هیگان را متوجه جریانها بکند در غیراینصورت طبق سنن مرضیه ما ایران‌ها که هیشه بعد از پنجاه و هشت سال ۲۵ سال به شرح وقایع مثل ۱۲۹۹ و ۱۳۲۲ می‌پردازیم . بایستی بازده بیست سال دیگر صر کیم و سبیل برای بجهه‌هایان بجددا تعریف کنیم که بله ... یکی بود ... یکی بود ... یک آدمی بود که امش رضاخان بود و در سال ۱۳۵۸ بین خشید ... در سال ۱۲۹۹ روی کار آمد و ... انشاعله بقیه بررسی مربوط به مسائل خارجی در مطلب دیگر .

خبر و آیا می‌شود ریشه بسیاری ناازامی‌ها و نشنهای را که در گذشت وجود دارد پیدا کرد که از کجا آب می‌خورد یا خیر و آبا معلوم می‌شود حد اتفاق در کاخ‌وابیه است یا خیر، همه و همه به خواندن بستگی دارد ولی اگر به مطالب فوق انتزاعات صریح، مفسر رادیو تلویزیون راجع به نقش رادیو تلویزیون در تشدید هرجو و مرج و دامن‌زدن به آشناها و تحریف اخبار و کلام‌گذشتن سربرم را اضافه کنیم آنوقت می‌توان سوالات زیر را مطرح کرد :

۱ - آیا من توان تصویر کرد که حتی افراد شریف رهبری از واقعیت مسائل بی‌اطلاعند؟... گوشه‌گیری و سکوت برخی از آنان نسبت به جریانات این مملکت بعنوان عکس‌المعلم، جواب شوال فوق را من‌دهد .

۲ - آیا عملکرد دستگاه رادیو تلویزیون می‌تواند بدون اطلاع مقامات ارشد و یا مایسرا دوستان و مقامات اطلاع‌گیری کشور سوت‌گیرد؟... جواب به این شوال‌نش مقامات را در ناازامی‌ها روشن می‌سازد .

۳ - هدف نهانی از تشدید هرج و سرچ و وجود ناازامی‌ها آیا فقط در رابطه با لزوم وجود قانون اساسی آنچنانی است یا اهداف گسترده‌تری دنبال می‌شود یا می‌چگدند؟ کادر رهبری را تصویر کنند و اگر افراد همه خودی بودند که در اجرای سیاست مرحله به مرحله آنچه لازم است پیشنهاد خواهند کرد و از آنها اصرار و از بندۀ انکار و لی خوب‌باخره چون خیلی اصرار می‌کنند اگر چه که بشده رضایت ندارم ، ولی حوب قبول می‌کنم ، آنهم محض خاطر شما .

۴ - ایادی آنها سرو مدادی لازم را راه

من‌دانند و تبلیغات شروع می‌شود و هر روز

برموج آن اضافه می‌شود تا جاییکه رامپیانی

برای بیعت جهت ارزیابی و سنجش نتیجه‌س

تبلیغات انجام شده و بررسی نیروهای موافق

انجام می‌شود و از طریق هم اعلام می‌شود که

برای پیدا کردن رئیس جمهوری چراغ هم

بدست بکری بدید نمی‌کنید و البته این تصریف

مردم است که دنبال رئیس جمهوری با چراغ

می‌خواهند بگردند والا در نقطه جز افیا که کسی

اقیانوس آرام را کم نمی‌کند!

حال از کنار هم قرار دادن این تصاویر

جدا آیا می‌شود خط حرکت را مشخص کرد یا

و نایاب از الکوهای دیگران استناده کنیم باشد، سرنوشت فوق این باشد که (بهترین سیاست حقه بازی است) آنست!

۸ - آن مستمسک و بهانه‌ای که به استناد آن باشیست برنامه تشکیل مجلس موسان لنسو می‌شود باید بصورت حقیقی اتفاق افتاد چون اگر اتفاق نمی‌افتد ، لغو برنامه مجلس موسان نیز نمی‌توانست عملی شود و آن مستمسک و بهانه چه بود؟ آن‌ازامی .. شورش ..

۹ - ناازامی‌ها در سلطنت کشور شروع می‌شود،

حوادث و برخوردها یکی بعد از دیگری در

گوشه و کنار مملکت اتفاق می‌افتد . خیر ازیعش

السخه بوسیله بعضی مأموران بین مالکان قبلی

و قواداللهای می‌رسد و صدھا موردى که همه در

جزیریان آن هستند .

۱۰ - طبیعتاً پس از بروز این ناازامی‌ها

که نمی‌شود مجلس موسان آنهم با تعداد زیاد

تشکیل داد چون ضد اقلاب ۱۱ قصد دارد از

تصویب قانون اساسی جلوگیری کند پله ... پس

به استناد ناازامی‌ها تشکیل مجلس موسان با

افراد ریاد باطل اعلام می‌شود و برای هر نوع

محکم کاری حق تصویب نیز از مجلس سلب می‌گیرد

تا خدای ناگردد اگر برحسب اتفاق افراد غریبه

وارد مجلس شدند ، تنوانند قانون غیربدخلخواه

کادر رهبری را تصویر کنند و اگر افراد همه

خودی بودند که در اجرای سیاست مرحله به

مرحله آنچه لازم است پیشنهاد خواهند کرد و

از آنها اصرار و از بندۀ انکار و لی خوب‌باخره

چون خیلی اصرار می‌کنند اگر چه که بشده

رضایت ندارم ، ولی حوب قبول می‌کنم ، آنهم

محض خاطر شما .

۱۱ - ایادی آنها سرو مدادی لازم را

من‌دانند و تبلیغات شروع می‌شود و هر روز

برموج آن اضافه می‌شود تا جاییکه رامپیانی

برای بیعت جهت ارزیابی و سنجش نتیجه‌س

تبلیغات انجام شده و بررسی نیروهای موافق

انجام می‌شود و از طریق هم اعلام می‌شود که

برای پیدا کردن رئیس جمهوری چراغ هم

بدست بکری بدید نمی‌کنید و البته این تصریف

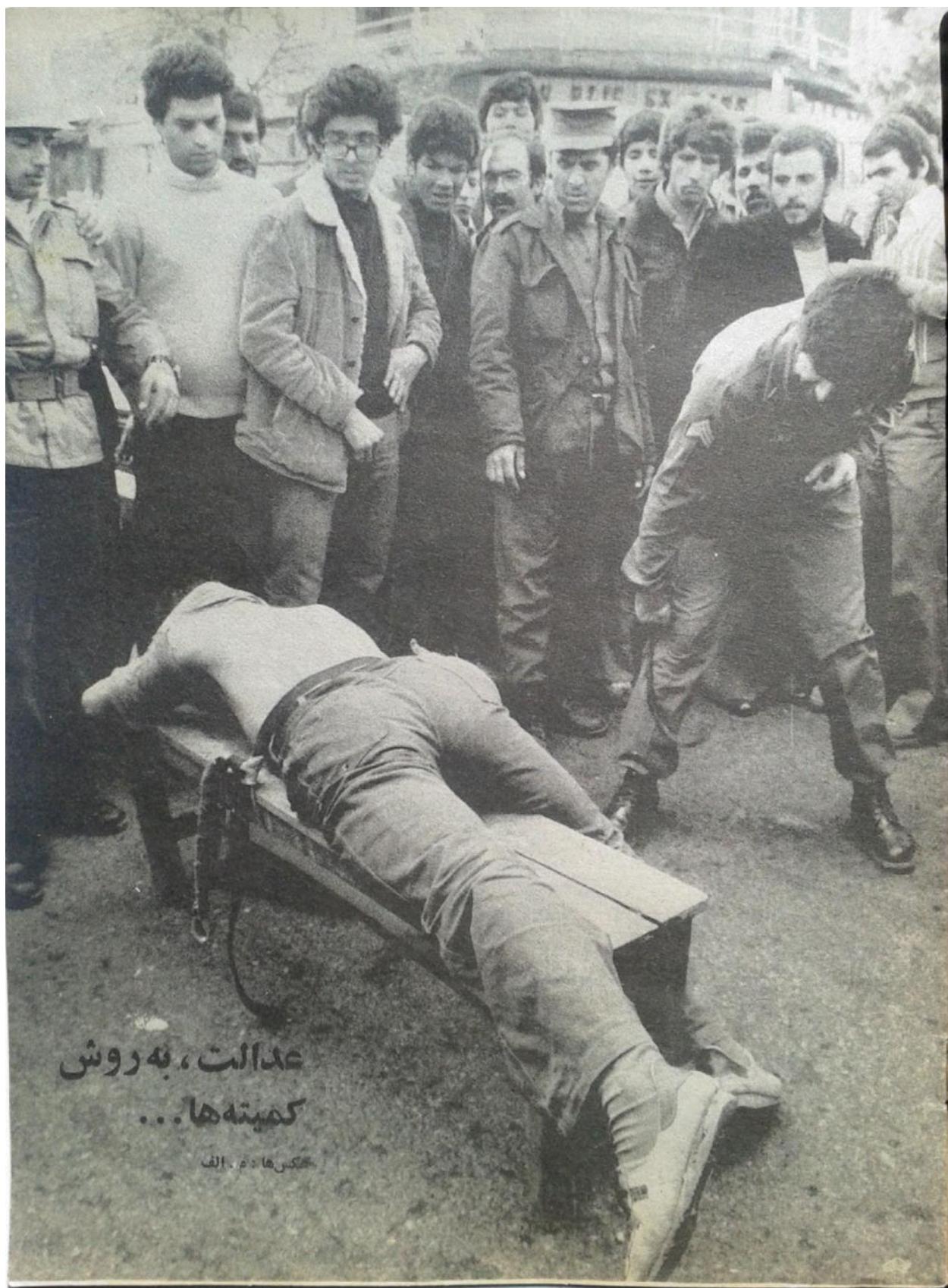
مردم است که دنبال رئیس جمهوری با چراغ

می‌خواهند بگردند والا در نقطه جز افیا که کسی

اقیانوس آرام را کم نمی‌کند!

حال از کنار هم قرار دادن این تصاویر

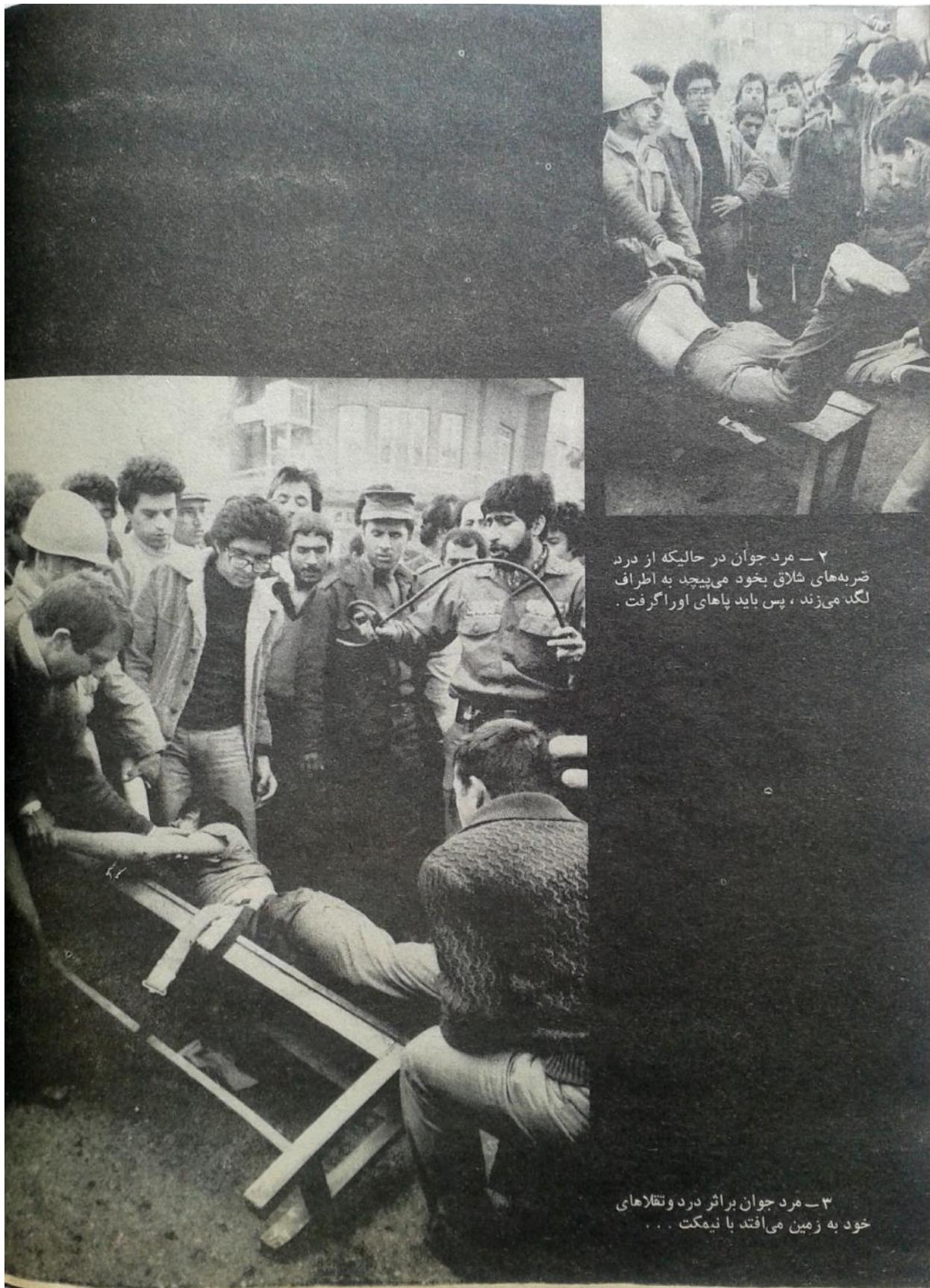
جدا آیا می‌شود خط حرکت را مشخص کرد یا



عدالت، به روش

کمیته‌ها...

مکس‌ها : م . الـ



۲ - مرد جوان در حالیکه از درد
صریبهای شلاق بخود می‌پیچد به اطراف
لگد می‌زند، پس باید پاهای او را آگرفت.

۳ - مرد جوان براثر درد و نعلهای
خود به زمین می‌افتد با نیمکت . . .

۴ - افراد کمیته اورا به حالت خود باز می گردانند، اما این بار او را با زانو محکم نگاه میدارند تا نتواند تکان بخورد.



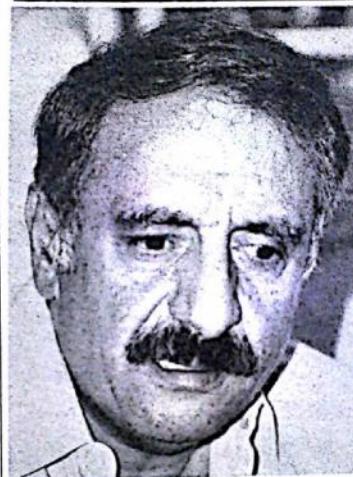
۵ - پس از پایان مراسم شلاق زنی یکی از مأمورین کمیته مجرم را نصیحت می کند و درباره عدالت اسلامی سخنرانی کوچکی می کند. مردم که از دیدن نمایش به شوق آمدند، می خندند.



گفتگو با قاسملو

ما حاضر نیستیم یک قدم عقب نشینی کنیم

آیت الله ربانی عکس آنچه را که دیده بود گزارش کرد
در قانون اساسی بیشتر شعار و تناقض به چشم می خورد



نماینده ایران در قانون اساسی گنجانده
می شد، البته ما بدغایط درک می کنیم برای کسانی
که در زهری انتساب اسلامی قرار گرفته اند، عنوان
این اصل به شکل دیگر مشکل است. حقوق زنان هم
رعایت نشده است. زن در اجتماع و در خانواده،
(برخانواده تاکید دارم) باید دارای حقوق
مناوی ماشد و در مقابل کار مساوی مزد
ماوی بگیرد.

حقوق خلقها

در ورود حقوق خلقها، این بیش تویی در
چندجا نسبت به قانون اساس سابق، قدیمی‌ایسی
برداشته است، در اصل ه اعتراف بوجود قوم
کرد در ایران شده (البته واضح نیست که برداشت
نویسیدگان قانون از قوم چیست) و در اصل
دیگری به آزادی زبان و مطبوعات محلی اشاره
شده است ولی اصل ۷۷ که مربوط به شوراهاست،
فرق زیادی با تصورهای ایالتی و ولایت سابق
ندارد.

حاضر نیستیم حتی یک قدم عقب نشینی کنیم و
به هیچ وجه هم علاقه نداریم به عنوان یک
حرب سیاسی منول درگیری مسلحه بین ما
و دولت و یا بیرونی - یکگری بیش بیاید.

در ساختمان حزب دمکرات کردستان پدیدار
قاسملو و بلوریان می رویسم. عکس قابض
فاضل محمد بردیوار است. قاسلو تازه از تهران
رسیده و خسکی از چهره اش می باشد. در بسارة
بر نامه رادیو صحبت می کند و قاسلو می گوید
عملای دست به تحریف می زندند، می خواهند ما را به
درگیری بکشانند.

برای ساعت بعد قرار می گذاریم.
قاسملو و بلوریان بادویش مرگ می آیند.
قبل از پیش مرگها در شهر و در حرب صحبت کردند.
آن مردانه هستند که از همه چیز زندگی خود
گذشته اند. نافایی و یا پیش مرگ خلختشان باشد.
پیر مردی می گفت من چهار سر دارم. دو
پسرم روی زمین کار می کنند، خودم با دوسر
دیگر پیش مرگ هستم. برای ما کردنا بیش مرگ
مردم بودن اختخاریست. حقوق ماهیانه آنها بسیار
ناجیز است. دویست توانم تا دویست و پنجاه توانم
برای سه ماه.

به صحبت می نشیم. مطرح ترین مسئله می تواند
قانون اساس و پی آمده ایش باشد چرا که حقوق
در خواست کردنا در پیش نویس آن نادیده گرفته
شده است.

قاسملو می گوید انتظاراتی که از این قانون
داشتم بعطر کلیسی مرا آورده نشده است. البته
قانون اساس جوان مبنی دارد، این امر که
روزی شاهنشاهی برای هیئته دیر ایران نفی شد،
بپروری بزرگیست. در قانون اساس بیشتر شعار
و تناقض به چشم می خورد.
بسیاری از اصولی که مربوط به آزادی احزاب
و جمیعتها و آزادیهای دمکراتیک است بسا
مکر «ی توأم است و البته این «مکر» گاهی
اوقات مربوط می شود به اینکه نایاب مقایر اصول
اسلام نشد، و یا نایاب مقایر ماحیثیت و شرافت
انسانی و از این نوع. ولی تحریه نشان داده است
آن «مکر» ها را هر کسی به انسانی می تواند
نهنگ خود تفسر کند. با درموردن مذهب، اصلاح

ماجرای نقده

آنچه در نقده گذشت به ما تحمیل شد.

جنگ را علیه ما شروع کردند . و ما خاتمه

دادیم . مشولیت سیاس پایان دادن چنگ را

بمعده گرفتیم مردم هم از خواست ما بسروی

کردند ما امیدواریم در آینده بمعیوجه این

عمل نکرار نشود . ولی به عنوان یک انسان

ازادیخواه ، و بمعنوان دبیر حزب سیاسی مکرات

که سالها مبارزه کرده ، من گویم و صریح هم

من گویم ، اگر جنگی به ما تحمیل شود و اگر

ازتعاجع و نیروهای امیریالیستی و نیروهای

شد اتفاقی در ایران قدرت پیدا کنند که به

روی ما اسلحه بکشد ما از خودمان دفاع خواهیم

گرد . این نظر حزب ماست که صریح هم

و مایل هستیم که مردم ایران نیز بدانند .

— من با برخوردهای رادیکال موافق نیستم .

درست است که برای دمکراسی محدودیت قائل

شده‌اند و هر روز این محدودیت را بیشتر میکنند

و لی با عده این ، آنچه حالا از نظر وجود

نمکراسی در ایران هست قابل مقایسه با زمان شاه

نهست . الشه این محدودیتها کفته در کردستان

پیاده شده و اینکه من گویم امکانات دمکراسیک

میز وجود دارد صحیح است .

آینده خلقی کرد

راجح به آینده خلقی کرد من گویید :

ما به هیچ وجه مبارزه مردم کردستان را در

هیچ مقطوعی از مبارزه سایر خلقهای ایران جدا

نکردیم و نمی‌کنیم . شعارما «دمکراسی سرای

ایران و خودختاری برای کردستان ایران» است

که اگر از طرف نیروهای معکرانیک و نیروهای

ملی و سند امیریالیستی درک شود سیاری از مشکلات

حل خواهد شد اینکه ما اصرار داریم دموکراسی

برای ایران را قبل از خودختاری برای کردستان

بگذاریم ، تصادف نیست . ما نمی‌توانیم تصویر

کنیم که ما در کردستان یک خودختاری دمکرانیک

داشته باشیم و مردم در سایر بخش‌های ایران

درگیر یک رژیم استبدادی باشند ، اگر اینطور

باشد به طریق اولی خواهیم توانست در کنارهم

هزیستی مالت آمیز داشته باشیم .

به همین دلیل ما فکر من کنیم که همه

نیروهای ملی و سند امیریالیستی در ایران باید

متعدد شوند . نیروهای اصلی اتفاقی — مذهبی

و غیر مذهبی — برای پاکازی و سازندگی باید

و اقامت باهم متعدد شوند .

از اقدامات سند اتفاقی و اتحادی ایانه

حرف میزند که هدف از این اقدامات و یا در

واقع توطئه‌ها متوقف ساختن اتفاقی ایران است

این پدیده تازه‌ای نیست بعد از هر اتفاقی

از تهران اعزام شده‌اند تامین خواهد شد و دولت

موافقت کرده (البته جای ناپ سیار دارد که تاکنون کوچکترین کمک از طرف دولت به آوارگان پرداخت نشده .)

بعد از انقلاب رادیو و تلویزیون مهاباد چندین بار از حزب ما تقاضا کرد که امانت سازمان را حفظ کنیم و مامهیشه با کمال میل اینکار را کردیم و هنوز هم کنیم . یکماده اینکار را کردیم و تلویزیون مهاباد پیش بعد از ملاقات دوم با امام مسئله رادیو و تلویزیون رقطع بر نامه‌ای کردی و معجیس اخبار تحریک‌آمیز را مطرح کردیم . در نتیجه میشی از طرف رادیو و تلویزیون تهران به مهاباد اینحصار طلبی به حد نصایب خود برسد و دیکتاتوری را در کشور سلطنت کند و بعد مازده های رژیم شاه که در کمیته‌ها و ارتش باقی مانده‌اند سعی در متوقف ساختن انقلاب و اخراج آن از راه اصلی که در پیش داشت دارند . نایاب تنظیر سود هشماری کباشد در اصل مسئلله تغییر نمی‌دهد با هر ظاهر کوچک و بزرگی که از طرف گروههای انصاصار طلب روی دهد ، باید بالا گسله مبارزه آغاز کرد . این نظر حزب ماست که صریح هم و مخلی بدهد و اینکار واقعاً انجام شد .

ولی مجدد دستیست که رادیو و تلویزیون شاید در نتیجه رهنمودهایی که داده مشتود —

حملات خود را به مردم کرد و حزب دمکرات کردستان آغاز کرده است . و این البته باسیاست وزارت امور خارجه که نهادنگان ما را بدون اعلام هیچ دلیلی به آن جله مٹکوک راه نداد ،

تطبیق دارد . حمله‌ایی که اخیراً آغاز شده توافق بین نظری مسئولین را نشان میدهد . و از این نظر

ما بسیار متأسفیم . ما همیشه امکان داشته‌بودیم هیجوقت کوچکترین نظری را به سازمان رادیو و تلویزیون مهاباد تحلیل نکردیم و جای تأسیت اتفاقی است و وجودشان در نقده نوعی مبارزه از مخالف دولتی و برخی از مخالف ازتعاجع که به کتابی و یا منراحتاً می‌کویند حزب ما از بازگشت آوارگان به نقده می‌نمایست بعمل آورد ،

و هدف و غرض سیاست در این جهت بکار میرند ، ما از روز اول موافق مراجعت همه آوارگان بودیم . مراجعت آنها به نظر ما بک عمل اتفاقی است و وجودشان در نقده نوعی مبارزه است و نوعی ختنی کردن توطئه‌هاییست که در نقده جریان دارد . ما با مقامات دولتی و حتی با

خود امام (که بیشتر به خاطر مسئله نقده به دیدارشان رفتیم) تعاون گرفتیم و تقاضا کردیم همیشی بفرستند

که می‌تسانان آیت‌الله ربیانی که ریاست هیئت را به عهده داشت بعد از مراجعت برخلاف حقیقت و برخلاف همه اصول اخلاقی فقط ما را متهشم کرد و عکس آنچه را که دیده گزارش کرد .

ما مجدداً با مقامات دولتی تعامل گرفتیم .

رسماً از طرف دولت به ما گفته شد که با تشکیل یک شورای مشترک از طرفین (ترکو و کرد) موافقت شد . و قرار است طرفین هر کدام هنایده در شورا داشته باشند و این از اولین پیشنهادهای ما بود — یکی از علل موجات نقده هم عدم وجود شورای مشترک بود . به معین جهت ، ما تقاضای شورای مشترک را ارومیه ، سلامان ، ماکو ،

میاندوآب ، غزووه و شاهین‌دز کردیم . بهر حال موافقت شده است که آوارگان به نقده بازگردند و امانت شهر هم در آغاز نوسط پاسداران که

مظلوم

«سفر»

<p>نه گرمه سبزه ناکن بر حاک نه جنگ سست گوئی پیر مریشه و سکن</p> <p>که تابسان از سفاک حشک گلوبی چنان کذری دارد که کزدمی بعنای بر سینه لحت دست و پای دریندی با اینهمه زانو زمین منه در تنک سایه خیر هر سکن</p> <p>به فراغت</p> <p>که آب پوشان حلق های دور آواز خوانان — با غلر اطلس های تاسیانی در حکای پکاه — ترانه خوانند.</p> <p>خرداد ۵۸ شیراز — منصور پایه ر.</p>	<p>وقتی که لام شیخه ای رنگست در کوران تبر و نهمت و فاجعه می غلتبد ،</p> <p>وقتی که خون زنده مشافت فوارة مزد در میادین مسلح شهر</p> <p>من با تو در منون مصور تاریخ نحر بر می شدم</p> <p>من با تو در تمدن مخدوش خرق زنجربر می شدم</p> <p>***</p> <p>اینک جگونه است که بهار بی اذن تو می روید ؟</p> <p>اینک جگونه است که نسبم بی تو در زلکان مجده باخ می تولد ؟</p> <p>اینک جگونه است که زندگی بی حضور تو آغاز می شود ؟</p> <p>هان !</p> <p>ای نشته در اتفاع بلند ندامت ای ساکن صبور آلهه ب عظوم نعمی اعصار ، زن !</p> <p>حمدیرضا رحیدی ۱۳۵۸/۴/۱۰ تهران</p>	<p>مثل یک نابلوی اصیل قیمتی اما ... بر قاب ارزان پنجه خاموش ،</p> <p>جا گرفه ای * * *</p> <p>از بیشتر شیوه های اشک آسود می بینم ، که چگونه برندگان زخمی خاطرات را در هوای ابری شهر</p> <p>بروار میدهی می بینم . که چگونه نعام خدایان غائب را به استعانت خویش</p> <p>آواز میدهی * * *</p> <p>من میدام که فکر موافح تو دارد از کوران و قایع</p> <p>می بربشد من میدام که ذهن زیبای تو دارد در عفونت این جذامخانه للسفی</p> <p>می بربشد من میدام که قلب مخلق کوچک که باندازه آسمان</p> <p>آبیست چقدر ، تنگ است من میدام از آنها</p> <p>وقتی که صدای شلک تکبرت در سکوت مر من شهر می بیجد ،</p>
--	--	--

دوباره هی آئیم

دوباره هی آئیم
نهر منکر خود را به صحیح مکثیر
تکوی کوس بکویند بر بلند سپهر
اگر در انتظار سیده هباد هی نالی

بیزخم ستاره

آیندهها
رسناره من مانند
در هشتی ، که شب
گذر دارد

*
وین رحم مورونی
دوام من باید
در بمال پرند
و بیوار
*
نا یک آسان

سناره بیام
مالی ، بوست شب باید
بیزخم ساره
و مهتاب

اردیبهشت ۵۸
تیمور ترنج

ترددید

درد را مهلت فردانی نیست
در صداقت ، تردید
دستها ، مانده جدا

جه خروشی ز مؤذن برخاست
حلق را می آراست
غم دل را میکاست

آتاب از سر همی دیگر
نور
در حلقه شب تاخنه بود
و بهاران بر شوق
لانهها ساخته بود

اینک از جملهها آواریست
قصد رفتن دارند
و بهار از سر خرم
عزم خشتن دارد
احمد عبدالشیور

دوباره هی آئیم
که در تمام تصاویر کهنه و منوح
شکفت شکوهه گیلان را لفڑاه کشیه
و بذر باد نکاریم در تلاطم موج
به شمار ترنجه سکوت بازیز اس

دوباره هی آئیم
بسیز ، بسیز در خان بکوکه سیرینه
دونون نقشای هنایی ،
— میان بخر گیاه ،
ز خاک هبر روید.

بخاره هی آئیم

که بذر باد نکاریم در تلاطم موج
غروب منکر بر که ، لحظه شک اس
و شک تباھی شب
پر بیسان ذ آشک شب امید میند

سعود هرستاره به خورشید
سقوط هرستاره به شلیک
نشانه دمیدن صحیح است
شب از ساره تهی نیست

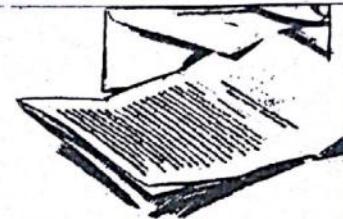
دوباره هی آئیم
تکوی کوس بکویند بر بلند سپهر

ح — رهرو

دوست عزیز ، آقای محمود پاریاب .
» شهر تاش « تان را خواندیم .
اینطور که به نظر هی رسد ، از شداید
کارهای ارزنده تری را چشم داشت .
« تنظر دیگر کارهایتان هی همانیم .

دوستان گراهی ، آقایان
هنجوچهر جراحزاده — حمید . م —
فیض الله شریفی — شفیع البرز — کروان
ورهرام ، شعرهای خوبیتان را دریافت
کردیم . اجازه بدھید چشم برآه
خوبیترهایتان بمانیم .
این هفته ، شعر این دوستان نیز
بدستمان رسید . مشکریم .
منصور . ب . قشقائی . ماه منیر اشتباق
ه — ر .

نامه‌ها



ف - آزاده - اسفراین

خانم یا آقای داشت آموز زیر عنوان چرا
با همه‌دعای خود حداقل هنرهای میان‌نوشته
هایت این ایجاد نمی‌کنید؟ از کدام هنرهاکی معتبر
می‌گند، از هنرهایی که پس از کودنای
ناظر و امیردانه و تغییر آجنبانی هنرکاران بر
سر کیهان غیربر ما آوردن؟
منظورشان از هنرهای تائید و تقویت گروه
های ساواکی تر از ساواکهایی که انقلاب سرمه
و ناتوانمان را به بیرون سوق می‌دهد؟
ازدکتر شناختی سازشکار صلح‌خواه دیسپرور
و مطرب امروز دفاع می‌گند. زیرا تعب و
ناسف، بدجای برداختن به مصالحه ایشان و ادعای
دروغین مبنی بر طرفداری از ایشان بهر که
در راه درخشان سنتیابی قدم گذاشت.
با تمام جوانی اندیشه‌ایشان غرض ورزی را
به حدی رسانیده‌اند که از شخصیتی میاز و آگاه
تحت عنوان معلوم‌الحال نام می‌برند.
درستی خجالت خوب خوب جیزی است.
و چه عیان با غرض وری و نهی مفری ترستان
را از اینکه نیم درصدی‌ها دارند زیاد می‌شوند
به بیرون درز داده‌اند. بله جانم به کوری چند
نه احصار طلبانی که انقلاب حقیقی ما را در
جهت منافع خویش و سرکوبی آزادی و آزادگر
می‌دانند، نیم درصدی‌ها از همان اول هم زیاد
مودود متنهی حفثان را خوردند.

جلیل نوروزی - فسا

۱- آقای خلخالی امام را به لین ولیتلکر
نشیبه نموده و همطرز دانسه است بدون نوجه
به اینکه امام هیله رهبری نهضهای صد
کمونیستی و ضد امیریالیستی را به عهده داشته‌اند
۲- در همان مصاحبه ایشان امام را به عنوان
رئیس جمهور مادا (العمر نادر) کردند. ایشان
بدون اطلاع از مستولیت حداکثر و مقام نامع
روحانیت و اینکه این مقام بالاترین اورشی است

ایمدوارم مثل هیشه در کارتان موقق و پیروز باشد. می‌خواستم بگویم تاکن گذارند آزادیهای فردی و اجتماعی بوسیله افراد مختار پایمال گردد؟ عدمای می‌خواهد میر فکر مردم را عوض کنند. شما نباید ساكت بنشینید. چند روز پیش در کیهان ۱۳ تیر ماه خواندم که در رامپیمانی اعتراض آمیز سازمان مجاهدین خلق و برخورد علیم که پیش آمده بود آقای غفاری گفتند بودند که سازمان مجاهدین خلق به سازمان مناقفین تبدیل شده... باید بگوییم واقعی مایه ناآنست شدیدن چنین حریق ... عجیب است اکنون سازمان مجاهدین خلق نافق است و سازمان جریکهای فدائی صنایع ست و دیگر گروههای میاز هم همیسطور؛ پس حرب‌الله‌ها چه هستند؟ حتماً من فرماید آنان سلمانان واقعی هستند... حرب‌الله‌ها و افراد نظیر اینها بدانند که مایه نگاه جامه افلاس ماهستند، همین وس. آقای غفاری اگر ایجاد تفرقه نکرند آنها بتوانند جلو افراد گروه‌حرب‌الله‌ها را مگیرید که منافقین واقعی و خطر مالا اینها هستند که خود را دوست و دایه مهربانتر از مادر شان می‌دهند. من می‌خواهم به تمام افرادی که مانند آقای غفاری در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران فکر می‌گذند بگوییم امروزه نها کسانی که به فکر سودجویی‌های شخصی نیستند و اسلام واقعی را می‌شناسند و مهمنت از همه دستورات آن را اجرا می‌گندند. افرادی نهض مساجد کبیر آیت‌الله ظالعائی و انصاری سازمان مجاهدین خلق هستند. شما سازمان مجاهدین خلق و سازمان جریکهای فدائی و دیگر گروهها و افراد میاز که سالها شکنجه دیدند، میاززه کردند و حالاهم برای تکه‌داری از آزادی می‌کوشند مایه افخار ما و هر فرد ایرانی هستند. نه ثوری ناگهای ناره از راه رسیده به امید

در جواب غراب

در جواب د - غراب - داشت آموز در
سون نامه‌ها شماره ۲۴ اکن استدلال شما از درم
مطلوبی که از اندیشه و افکار فالاتریها و
مرتجمان داخلی می‌برآید و بدان جمله می‌رسد.
توجه به اصول دموکراسی و موضع دموکراتیک
شماست که حتماً همچنین اس جای خود دارد.
ولی پھر نیست به جای برداختن و صرف کردن
به میزانات احصارگرایان بیشتر به افسانی
احصارگرها و احصار و حوانی که به فراوان
بیشتر بوده گذرد سردادارد؟
مروری به نوشته ایشان که بخصوص نایاب
ظرف فکر و برداشت آنان از انقلاب خلق ماست.
مرا وامیدارم تا تو پیشی بدهم.

<p>هر کدام ملنا ما را به سرمنزل سعادت اجتماعی که خود در بردارنده سعادت مادی و معنوی است رهنمون می‌سازد. حال چه لزوم دارد که ما بخواهیم یک نمونه استثنای آنهم به شیوه‌ای که تاکنون در هیچ جای دنیا پیدا شده، ارائه دهیم. امروز ضعفها و ناتوانی‌های دولت به وسیله قطبزاده در دوران تحصیل دردبیرستان کوتاه‌مدت تهران نیز تحقیق یافته زیرا آنچه که من بیاد می‌آورم این شخص به علت «سوء اخلاق» از آن مدرسه اخراج شده بود.</p> <p>دانشجویان فرهنگی های قلی آقای حلیلی امیر داشتند که در اخراج استربات خیهوری در خود مانع نبینند. من ادعای ایشان را تایید می‌کنم، البته اگر حکومت دیکتاتوری باشد و خودشان بخواهد به نفع خود رای بدهد.</p> <p>۴ در یکی از مصاحبه های قلی آقای حلیلی امیر داشتند که در اخراج استربات خیهوری در خود مانع نبینند. من ادعای ایشان را تایید می‌کنم، البته اگر حکومت دیکتاتوری باشد و خودشان بخواهد به نفع خود رای بدهد.</p> <p>۵ و آخرین حرف من با ایشان این است که بیشتر مواظب گفتار و رفتار خود باشند و جامعه شریف روحانیت را به مقامات دینوری نیالایند و توهین نکنند و راضی شوند که باز هم فریادهای خشمگین مردم باشاعتار هرگز برخیلای به آسان ببرود.</p> <p>م. ع — اندیشه</p> <p>م حواسیم بگوییم مثل اینکه رادیو و تلویزیون کم مردم ساده را تحریک می‌کرد، حالا آقای مهندس جمال گنجه‌ای در روزنامه‌ای بنام «بررس» شروع کرده به تحریک مردم و جوب تکفیر را به سر تمام روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌زند و همه را از دم نیز می‌گذراند، به طوری که فردا باید شاهد آتشزدن تمام دفتر های روزنامه‌ها و مجله‌ها باشیم و شاهد یک جنک خوینی دیگر.</p> <p>درباره آقای قطبزاده</p> <p>با عرض احترام: از اینکه در این دوره سیاه تعصبات جاهلانه و عوام‌بری‌های دور از</p>
--

به بهانه: اگر جلال زنده بود

چگونه جلال میتوانست اینان را تنها پکدارد. موقوف سرانی بیانند که دنیای خود را از کسرفه میپنداشتند و از عمر طرفی نسبت که به آخر میرسد، حالاکه محمل عینی باقه و عمری متصرف جبران ماقات بوده که جهانی را بکام میداند و فرضهای طلائی را درانتظارند، پس اگر جلال زنده بود که از تاج نگینی کم شود و توجیهی برای زنده بود « کدام جبهه را میگرفت و سخن شامل درابنمورد که از آنبو بمحضجیوی یافتن منطقی است قابل بحث آنهم درکوت الاحمد آرزوه‌شی است محل برای شاملو، ولی بحث اتفکیز پسرای همه.

این نظریه که چون تعدادی از افرادیکه درکنار جلال بوده‌اند، آنطرفی هستند و علم موافق و اطاعت را بدست گرفته‌اند، پس جلال نیز چنین بود، محمل منطقی ندارد و بدلال نزیر می‌اساس است:

- آبا شخصیت جلال متاثر از اینان بوده است یا بالعکس.
- آیا جلال میتوانست دراین حقد قتلی باشد.
- آیا در آثار جلال شواهدی بریده‌شده چنین روایتی ارجاعی وجود دارد.
- باکمی تحقق درمیاییم که جواب کلمه سوالات فوق منفی است، بنابراین درموردن جلال چنان‌مرتبه‌ای موضوع دیگر که درهر دوزمان میتواند به مثله عینیت بدهد صد اس هگامان‌که دزخیمان صد راه ارس می‌رددند جلال چنان‌مرتبه‌ای تکلف داشت زنده شود درمیره آتش نکاشت که هیچ پدری در مرگ فرزندش و هیچ برادری در ازدست امن برادرش ناجیمن سوزی مرتبه‌ای تسروده است. دراین مرتبه ارس رامحطاط قرار داده، بادو ناسزا میگردید، که «چکونه حاضر شدی فرزند خود را بیلی» حالا آیا این انتظاری بجا نیست که الاحمد را درکنار گروهی بیانم که رجالهایش عکس صد را باره میکنند و کتابهایش را طعنه حریق مینمایند.

بطورقطعه نه، بنابراین بالتساب افرادی مانند مصدق، ارمن و روزبه به گروهی خاص که حیثیت نبودن فقط یکنوع شارلاتانی و کلاش است زیرا هر کس و یا هرگروهی که وطن‌برتری آن دیکاتوری و ملی‌بودن را وجهه همت قرارداد مصدق را میتواند وایست بخود بداند و هر کس مقاومت علمی و مقاومت را پسدار باشد میتواند ارمن را ازان خود بداند و هر کس یا گروهی که کلیه مرابق فوق را پانضم مبارزه و رسختی و آشنا نایدیر بودن بادشن و فدائی بودن خلق را در خود سراغ داشته باشد میتواند روزبه درکنار خود احساس نماید.

نصرت‌الله به فر (پژوهش)

عنوان مطلبی بحث اتفکیز بنام « اگر الاحمد زنده بود » کدام جبهه را میگرفت و سخن شامل درابنمورد که از آنبو بمحضجیوی یافتن منطقی است قابل بحث آنهم درکوت الاحمد آرزوه‌شی است محل برای شاملو، ولی بحث اتفکیز پسرای همه.

این نظریه که چون تعدادی از افرادیکه درکنار جلال بوده‌اند، آنطرفی هستند و علم موافق و اطاعت را بدست گرفته‌اند، پس جلال نیز چنین بود، محمل منطقی ندارد و بدلال نزیر می‌اساس است:

 - آبا شخصیت جلال متاثر از اینان بوده است یا بالعکس.
 - آیا جلال میتوانست دراین حقد قتلی باشد.
 - آیا در آثار جلال شواهدی بریده‌شده چنین روایتی ارجاعی وجود دارد.
 - باکمی تحقق درمیاییم که جواب کلمه سوالات فوق منفی است، بنابراین درموردن جلال چنان‌مرتبه‌ای موضوع را از بعد دیگری طرح میکنیم که آیا افرادیکه سا بهدلائی درکنار جلال بوده‌اند قائم بعذات خوبی و انسانهای مبارزی بوده‌اند و با اینکه وجود جلال چنین شخصیتی را بانها تقویض ننموده بود. این طبیعتی است که انسانهایی هستند که ذاتا دارای وجودان شخصیتی مستقل نیستند و اینان شخصیت فکری و اجتماعی خود را از قطب فکری خود به عاریت گرفته و این شخصیت اکتسابی کاذب اینکونه افراد بدمقای خودشان نیز خوش ننماید، زیرا توأم با آن دست‌دادن اختیارات مادی و جانش خصوصیت اینکونه افراد درمنتهن دچار سردگمی میشوند و تردد فرمی که با موقوف سرانی و حق را ناقص جلوه‌دادن به دریوگی جاه و منزلت است.

اینکونه افراد درمنتهن دچار سردگمی میشوند و تردد فرمی که با موقوف سرانی و حق را ناقص جلوه‌دادن به دریوگی جاه و منزلت است.

بنه باشد رویاً قول است.

چنین افسردادی منتظر از بین رفتن مسوانی هستند که س راه‌هان بوده است، این موافعه عبارت‌دار شخصیتی که از او پیروی میکرده‌اند و سیاستی که با او مخالفت میورزیده‌اند، جلال که دیگر نست، پس اینحسان درانتظار بوده‌اند

نشریه هفتگی سیاست و هنر



سیرادبیر: احمد شاملو

تلفن مرکز پخش :: ۸۲۲۸۸۳۲

کتاب
جوان

که به سادگی هم انجام نمی‌فرماید. آنها اینها را می‌کنند به جوانمردان اسلحه داده‌اند. — در حالیکه در آغاز انکار می‌گردند — کسانی که این سلاحها را دریافت کرده‌اند جزو مرتعنگ‌ترین و منفورترین قنودالها و مالکان سلطنتی گردستان هستند. اینهم جزئی از توطئه‌ای است که علیه رهبری انقلاب انجام گرفته آنها هدف شان تنها و تنها دور کسرین رهبری از مردم و نواده‌هایش است. تا پتوانند روزی به آسانی به رهبری انقلاب سده می‌زنند.

هدف نیروهای اجتماعی متشخص نیروهای ای هی دست، نسبت‌های اجتماعی مختلف سیاسی که دارای ساقه در خشان مبارزان هستند من دهنده، دقیقاً موبایل این هدف است. توجه این هدف گیری‌ها چیست؟

نیروهای اجتماعی می‌باشند که در بنای اسلام کردن از زمان های سیاسی دارند و قصد دارند از این طرق به این سازمانها لطمه بزنند. چون قدرت روبارویی با این سازمانها در خسوس نمی‌بینند به شیوه‌های پلیس و جاسوس گه در اصل محکوم است متوجه می‌شوند. اینطور به نظر می‌رسد که نیروهای خارج از امکانات دولت و خارج از حیله قدرت دولت عمل می‌کنند و متأسفانه روز به روز واشتر می‌شود. نهونه دیگر این نوع کارها خروج مخالف قانون و اصول و مبانی انقلاب پس. آیت الله منتظری است که در واقع با این عمل تمام نیروهای انقلابی و دولت انقلاب را به سفره گرفت و شنان داد در داخل آنجا راه رهبری انقلاب من نمایم؛ بیرون های سیاسی و ماجراجویی هستند که قادرند هر آن انقلاب را به جایی بکنند که فاجمه بیسار آورند. وقتیکه کس قادر است در فرودگاه میان‌المللی تهران با حمایت دیگران نه جانان عمل را انجام میدهد به طریق اولی خواهد کوانت در هر نقطه ایران، اعلیه هر نیروی اقلامی عملی ماجراجویانه انجام میدهد. که تنبیه‌اش ممکن است در گیری؛ برخورد مسلحانه و حتی ناجمه باشد.

شاره تلفن‌های

دکوراسیون موژیک مهرپریا

۶۶۶۶۹
۶۶۹۹۹

کالری مهرپریا

۷۶۷۹۹۹ و ۷۶۸۹۹۹

(طب سنتی معجزه می‌کند)

حمام، ماساژ، بخور گیاهان تدرستی در ۱۲ نوع مختلف

- ۱- سرم‌اخوردگی
- ۲- دردهای زنانه
- ۳- گردش خون
- ۴- دردهای بواسیر
- ۵- ناراحتی‌های یوستی
- ۶- اعصاب
- ۷- خواب
- ۸- دردهای سلولیت
- ۹- فرح‌بخش برای آقایان
- ۱۰- دردهای سردرد
- ۱۱- روماتیسم
- ۱۲- فرح‌بخش برای خانمها
- ۱۳- دردهای معده و ایمیس
- ۱۴- فرح‌بخش برای کودکان

طریق استفاده:

۱- گیسه محتوی گیاه تدرستی را داخل آب استعمال فرموده بپرید.

۲- داخل آب را کشیده باز از پوست وریه جذب کردد

۳- بدن را با گیسه محتوی گیاه تدرستی ماساژ دهید.

نوشیدن یک فتحان از مکردهای خوشبو خوش‌طعم گیاهان مانند زیرفون، ورون، بابونه، نعناع، نشا و توان شما را باز می‌گرداند.

نماینده‌گل: شرکت میرکوم تلفن ۱۴۸۵۱۳۴۴۲۵۵

فروش درگاهی در اکسسوری دارو، خانمهای فروشگاهی معتبر

نماینده فعال از تهران و شهرستانها بذریغه می‌شود



گروه فرهنگی معرفت و آرین با ورزیله‌ترین دیبران پایتخت

کلاس‌های ترم تابستانی — تقویتی و تجدیدی تکدرس دوره‌های نظری — ریاضی —

فیزیک — خدمات — هنرستان دوره‌های نظام قدیم همه روزه صبح و عصر

ثبت نام می‌کند

آموزشگاه معرفت خیابان انقلاب — روپرتوی چهارراه گرجان تلفن ۷۵۶۵۶۳

آموزشگاه آرین: میدان ۲۵ شهرپریور کوچه بختیار تلفن ۸۲۰۸۴۶

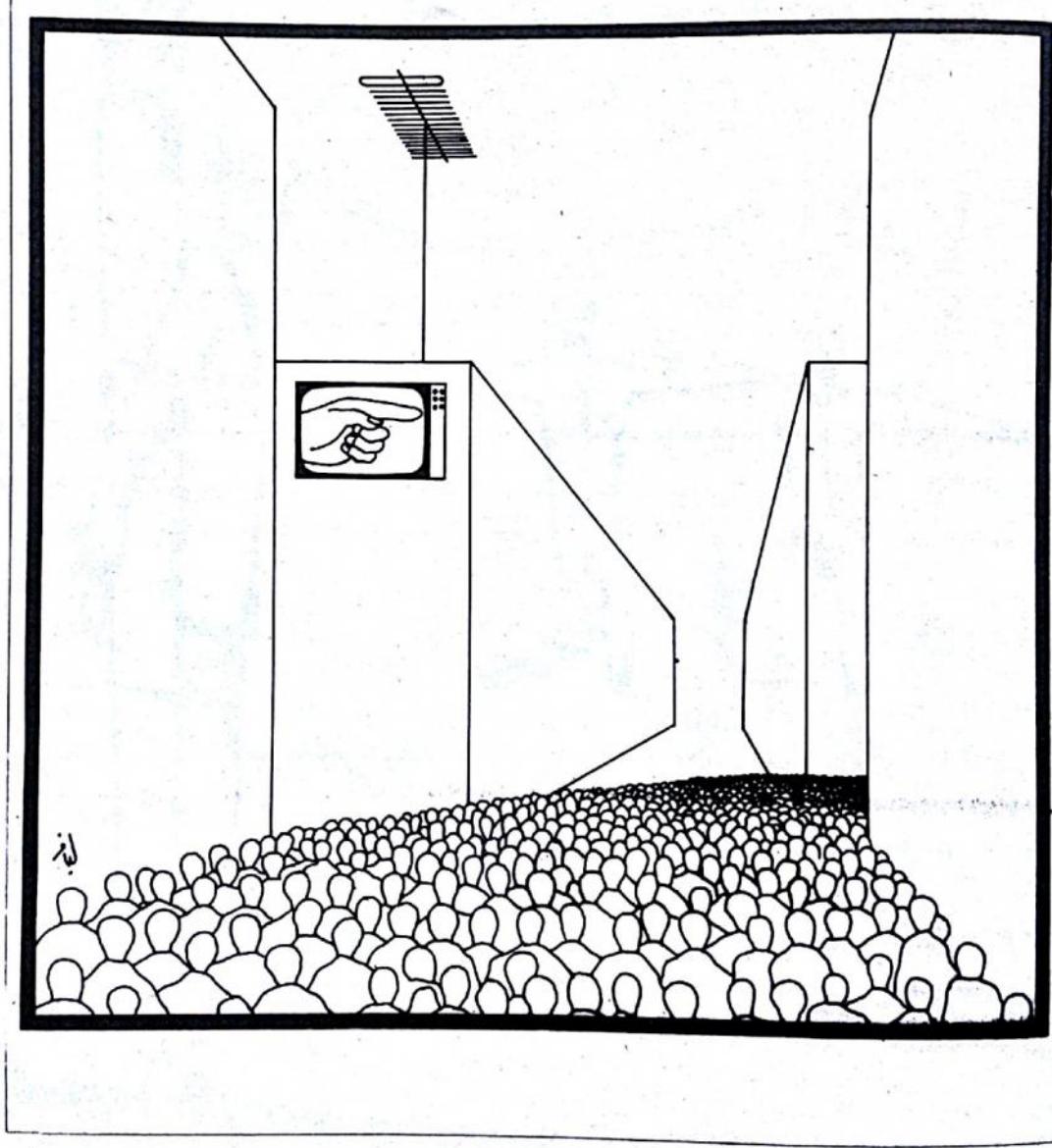
حراج سالیانه ایرانی

از ۱۹ تیرماه شروع می‌شود

انواع لباس‌های زنانه از سایز ۳۶ تا ۴۸ مردانه و پیکانه

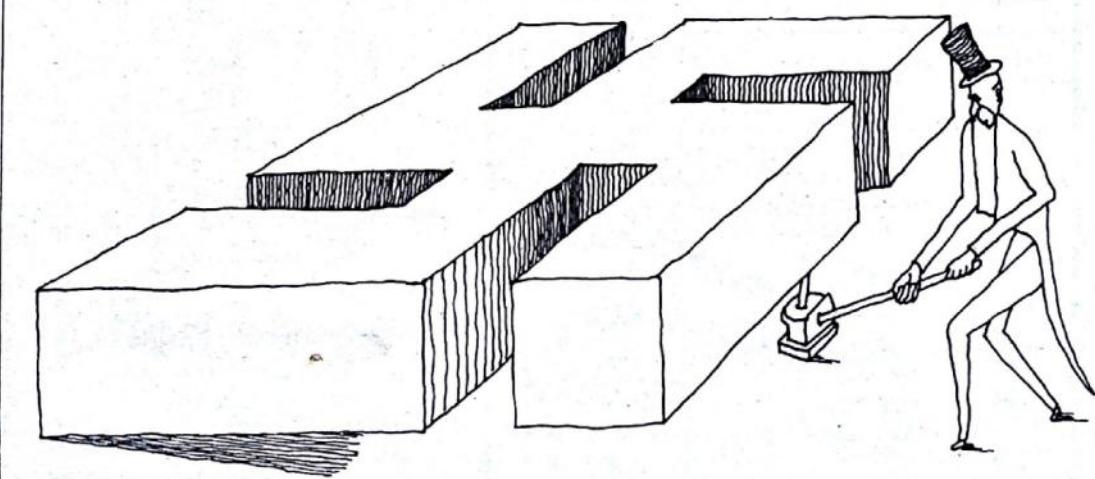
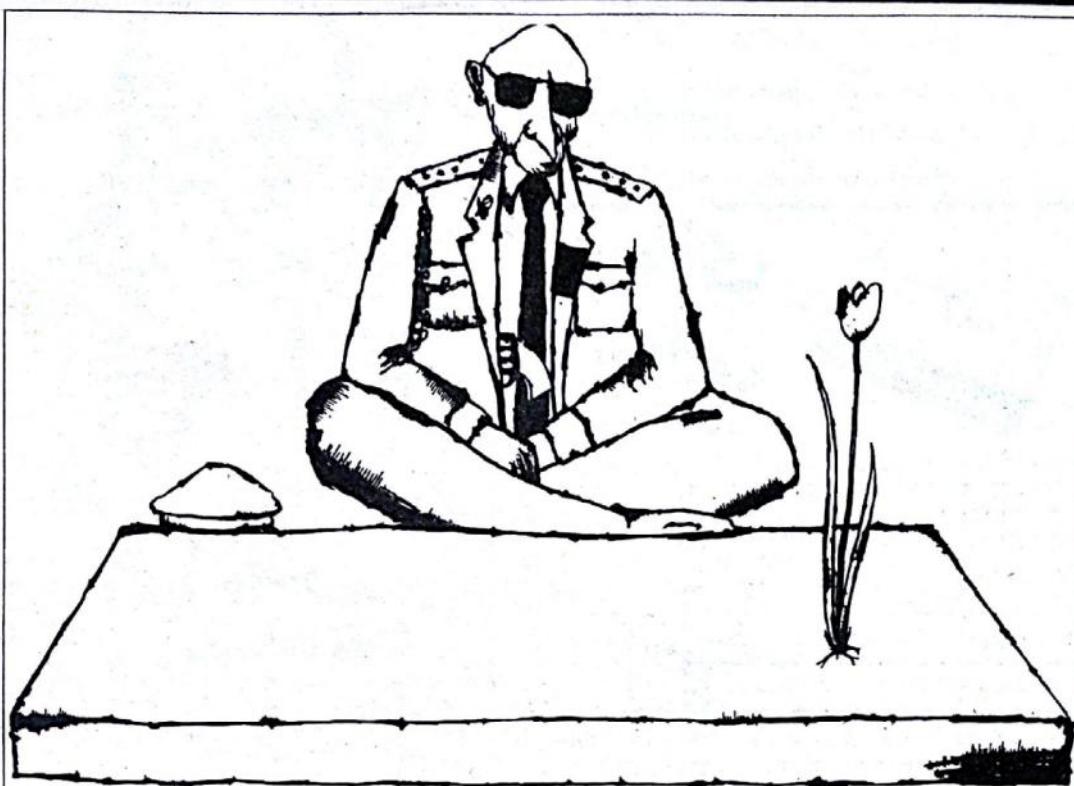
ایرانی — نخ‌جمشید — چهارراه ویلاندن

۸۹۸۷۳۱



طرحهای هادی لباف





٢٢٠١٠

شرکت ساختمانی سقف مقاوم

اجرای کلیه سقفهای سک با مصالح
و بدون مصالح اسکلت فلزی اسکلت بتونی
و بتون آماده در تمام نقاط ایران
۸۳۷۹۳۱



تورهای تابستانی

داخلی - خارجی

نام تور	مسیر	روزهای حرکت
لندن	لندن	۱۴ روزه
بانکوک، پاتایا، توکیو، هنگ کنگ	ارکیده	۵ روزه
بانکوک - پاتایا - هنگ کنگ	پارادایز	۱۱ روزه
رم، پاریس، لندن	بنچشیدهها	۱۵ روزه
لندن، پاریس، رم	جمهودها	۲۱ روز
رم، هامبورگ، لندن، پاریس، زیتو	دوشنهها	۲۰ روزه
بارسلون، لیندن، پاریس، وینز	شبدهها	۲۴ روزه
نيويورك، لوس آنجلس، لندن	دوشنهها	۲۱ روزه
رم، پاریس، لندن، هامبورگ	یکشندهها	۲۹ روز
مشهد	هر روز	

برای دریافت برنامه کامل تورها و رزرو جا به

ا

را

ک

س

ب

ر

س

خیابان ولایت شماره ۵۵ - ۵۶، ۵۷ تلفن ۸۳۱۳۵۵۰

ا

ي

و

ان

ا

س

ب

خیابان ولایت شماره ۱۴ تلفن ۸۳۴۰۴۶-۹

م

ه

ا

ج

ر

ي

خیابان ولایت شماره ۵ تلفن ۸۲۴۰۰۷۴

س

ر

و

ي

س

ر

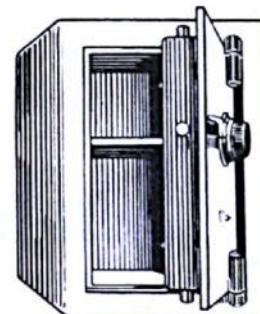
خیابان ایرانشهر شمالی - شماره ۲۲۸ تلفن ۸۲۹۱۴۵-۹

و یا آزادسازی خودتان مراجعت فرمائید



جای امن کجاست؟

جای امن آنچاست که آجهه مورد حفاظت فرار میگیرد از دستبرد آفات و بلایای طبیعی و احتیاط در مامان باشد .
صد و سی سو زنگنه ، علاوه برآنکه وجود ند ، اسناد او را وارد بهادر حواهر آلات و سایر انسانگردانی ها را از دید دیگران دور گردید از آنها از جواد و بلایا همچنان آتش سوزی ، سرفت طوفان ، سیلو ... حفظ و حراست میکند .



سازنده
۵۹۵ محفظه و نگهدارنده ثروتی های شماست



سازنده و نگهدارنده محفظه و نگهدارنده ثروتی های شماست
سازنده و نگهدارنده محفظه و نگهدارنده ثروتی های شماست
سازنده و نگهدارنده محفظه و نگهدارنده ثروتی های شماست
سازنده و نگهدارنده محفظه و نگهدارنده ثروتی های شماست

کوارس

گزارش زان لار تگی فرستاده و پیزه پاری ماجاز خوزستان

مدنی: می خواهند فت ایران را بدزدند

جنوب و پالایشگاهها و نفتیش قابل تصرف شده‌اند



بر ایشان نداشت، آنها را سرکار بسکاری و فقر بیشتر، و آماده برای ماجرای جویی کرد. در این حال است که به آنها دری از پیش را نشان داده‌اند؛ بهشت نشکنیل نوعی امیرنشین مستقل، نوعی «عربستان»، در جنوب ایران ناتمام مابع نفتی این کشور. امیرنشیش که از کوت‌هم ترومندتر خواهد شد.

هزاران کامیون نفتکش خالی

نام شرکتهای خارجی بارونه‌شان را حمایت می‌کنند.

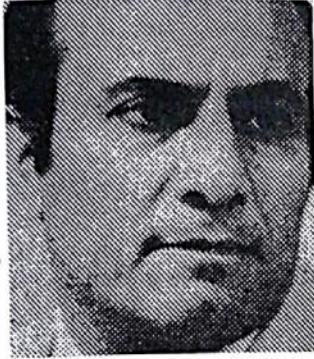
تصرف شده است. کارگران شرکت ملی نفت ایران ممتازترین طبقه کارگری این کشور هستند. حقوقشان بالاست و از مردمی جوں مسکن، باشگاه و فروشگاه‌های مخصوص برخوردارند. در کنار این قشر نسبتاً مرده، جمعی بینوا در کلبه‌ها و زانه‌های محترم و مغلوله جنوب زندگی می‌کنند که عربهای خوزستانند. همه این عربها به انقلاب اسلامی ایران چشم امید دوخته بودند. اما علاوه بر اینکه انقلاب دستاوردي

تعلمه‌های آتش در زمینه اخراجی رنگ افق جنوب با وزش باد به آسمان زیانه می‌کشند. اینجا آبادان است. جانی که در سایه‌هم باید حرارت ۵۰ درجه سانتی‌گراد را تحمل کرد. همانوقتی که «ریون بار» نخست وزیر فرانسه برای گفتگو در بسیاره نفت وارد عراق می‌شد، من در آنسوی مرز عراق، در استان خوزستان ایران بودم. رفته بودم بالآخره بهم چه برس نفت این منطقه خواهد ماند؟ و آیا این نفت ایرانی باقی خواهد ماند؟

حوزستان در شرق عراق قرار دارد و خلیج در زیر پای نایاب نفتی این منطقه خته است. اگر قول «عربها» می خوزستان را قبول داشته باشیم دو سوم جمعیت این استان عرب‌نامه‌گفتار «فارس»‌ها، جمعیت عربها بی‌لشوم کل اهالی خوزستان هم نیست و بعزمت بدیک میلیون نفر می‌رسد. در هر حال ارقام معنیرند و برحسب احصایات کسی که مورد سوال فرار می‌گیرد، تفاوت می‌کنند. هیچکس هم دری واقعیت نیست.

شب گذشته صدای انفجار و ریگار گلوله در بیان مرا از خواب برآورد. انفجار در بزرگترین تصفیه‌خانه جهان روی داده بود. انقلاب آیت‌الله‌ها تولید این تصفیه‌خانه را از ۶۰۰ هزار بشکه در رور به ۴۰۰ هزار تقاضی داده است. یکی از علل کاهش تولید اخراج کارشناسان و متخصصان خارجی صفت نفت است. اما ایرانیها ظاهراً از کارکردن نایاب خارجیها ناراضی هم نبوده‌اند.

حریم این مختص بزرگ نفتی تا همین‌چنان بیش محترم شمرده شد و از آسیب سوء‌قصدها مصون مانده بود. پالایشگاه آبادان به همراه جاهله، جایگاه‌های فروش و لوله‌های نفت در زمان مصدق ملی شده بود. بعداز انتصاب طولانی حدت کارگران صفت نفت و در بی خروج شاه و از سرگفتارشدن کار، تاسیسات نفتی تقریباً بدون حفاظت ماند. یاسداران خشن انقلاب‌گویان بددادن در دفترهای تهیه‌دار را به قلمزدن زیر اقتاب سوزان جنوب ترجیح می‌دهند. در طول دهها کیلومتر لوله نفت، من یک محافظه‌نمایی نمیدم. نفت ایران آشکارا قابل



باقی مانده و اجتماعی است غریب که افران آن فرماندادن را ازیاد برداشت و کمیته‌های سربازان و افران جزو کنترل آن را درست دارد.

آم دراین ماه زوئن ۱۹۷۹ خود را در زمان «سوپیتو» و جنگها ترکمن حس می‌کند. کمیته های سربازان شرط حمله به عربها را دریافت پیش‌نموده ذکر کردند. دستمزدشان را دادند. نتیجه کنتشدن صدتاً دویست نفر بود که شناخت هویت آنها و ماهیت برخوردها هم غیرمعکن. عربها در آن موقع اسلحه نداشتند. تناراین به برادران عراقی خود متول شدند و آنهاهم میگلایهای خودرا برای بغاران چند دهکده ایرانی فرستادند.

خلیلی هم با خیال راحت. چون شکر را در خلیج فارس اصلاح کار نمی‌کند و هوابهای اسلامی ای - ۱۴ شاههم قابلیت پروازشان را ازدست دادند. خلبانها که مشغول بغار توافق کرده‌اند. اما «سوپیا خود را در تله حس کرددن که دوری زدند و صحنه را بدون حادثه ترک کرددن. اینها غیر عربها خدمات زیینی هم که خیر نیست.

عربها برای درگیر شدن در این موضع، بالفاطمیه‌ها ساختند. الله له بالفاطمیه‌های خوب «عرفات» که صورت نتراشیده‌اش همچنان در عکس در کنار خسینی به چشم می‌خورد. بلکه با لفظینه‌های حرج حبس. بعد ایل اسلحه و حلم چشک به خوزستان سر ازبر شد. کا - من - ب، سهی از مخواج این لطف را برداشت. سرای کسب اطلاع بیشتر از دریادار مدنی وقت ملاقات خواستم. او یکی از آن شخصیهای شکفت انتکبری است که تنها از بطن یک انقلاب می‌تواند ظهور

سیب کرم که در فرانسه از آن حق برای درست کردن شربت هم استفاده نمی‌شود، دو گوشه‌نده در وسط جاده سر بریده‌اند. بجهه‌های سرتراشیده و زنان جادر سیاه. مردان سریند بهارخانه سرمه‌اند. مادر شهری عربی هستند. ناگهان جنب و جوش میان بازار من اند. رنان اول از همه به خودمی‌آیند و بجهه‌هایشان را جمع و جوهر می‌کنند. سدای بازو بسته شدن در راه و کر کرمه به گوش می‌رسد. شیخ هائی در کار دیوارها ظهور می‌کنند سروکله اسلحه پیش از شود. رانده من پارا روی گاز می‌گذارد و دور می‌شویم.

عربها مسلح آند

رانده من می‌گویید: «الآن است که تیراندازی شروع شود». دونا جیب برازدۀ‌های ریشو در تکار بازار توافق کرده‌اند. اما «سوپیا خود را در تله حس کرددن که دوری زدند و صحنه را بدون حادثه ترک کرددن. اینها غیر عربها بودند. اما عربها از چند هفته پیش مسلح شده‌اند. هزاران «کالاشنیکوف» از مرز عراق وارد خوزستان شده است. و هیجکش هم مرافق مرزهای ایران نیست. همین یک‌ماه پیش عربهای خوزستان سورش گرده بودند. کارگران باراندار شرکهای حمل و نقل دریانی را اخراج کرده و تربیا تمام فازه‌ها و ابارهای کالا را ویران کرده با آتش زده بودند. کیلومتری خرمدیر متفرق است. در کاره حاده خروجی خرمدیر به اهواز بازاری حقیر قرار دارد: با جند سبدخیار، جندسید

گرده و رفقاء: آمریکانیها، فرانسویها، زاینس‌ها و آلانها طرحهای عظیم تاسیس سیمان‌سازی، پالایشگاه، میتوحه‌های پتروشیمی را ناقص گذاشته‌اند. وابن طرحها شاید دیگر هرگز به باری برند. جراثیتها ازینه‌ای مابین خواهد شد و در میان مفتر نهانی که ماهیات سه مانده‌اند، مشغول زنگ زدند. کیسه‌های بزرگ سیمان، ناشکهای باز آن محتويات خود را زیر نور عجیب آفتاب مضر جنوب سیرون ریخته‌اند. چندین کلومتر مریع از ببابان خاکستری خوزستان به محل توقف کامیون و ناشکهای خالی دلشد. است. بند خرمدیر که روزی کشته‌ها سراسی تخلیه مار خود در آن یاد مانه انتظاری کشیدند. اکنون خالی است: فقط سکشی باری کوچک با باری محقر در آن کناره گرفتاد. رانندگان کامیون باری برای حمل کردن ندارند. بسیار شارژ کردن با طرحهای کامیونشان آن موتوهای را بهموده روش کرده‌اند و زیر سرمه مفتری به دود کردن حشش یا تریاک مشغولند. بدون آنکه کس مراحتان بشود. فقط نوشیدن الكل در اینجا منوع است!

من از کمیته اسلامی که رسا قدرت را در

دو شهر همچو اوز و خرمدیر درست دارد

با زدید کردم. رشنهای آخوندی، عرق گیرهای

کشید، شوارهای جین و کمرندهای های مزین به

تفنگ، مسلل و نارنجک. اما این «قدایان»

پاسدار از خنوت فقط ظاهر آن را دارند. آنها

این سو و آن سو می‌روند، کاغذها را امسان می‌کنند

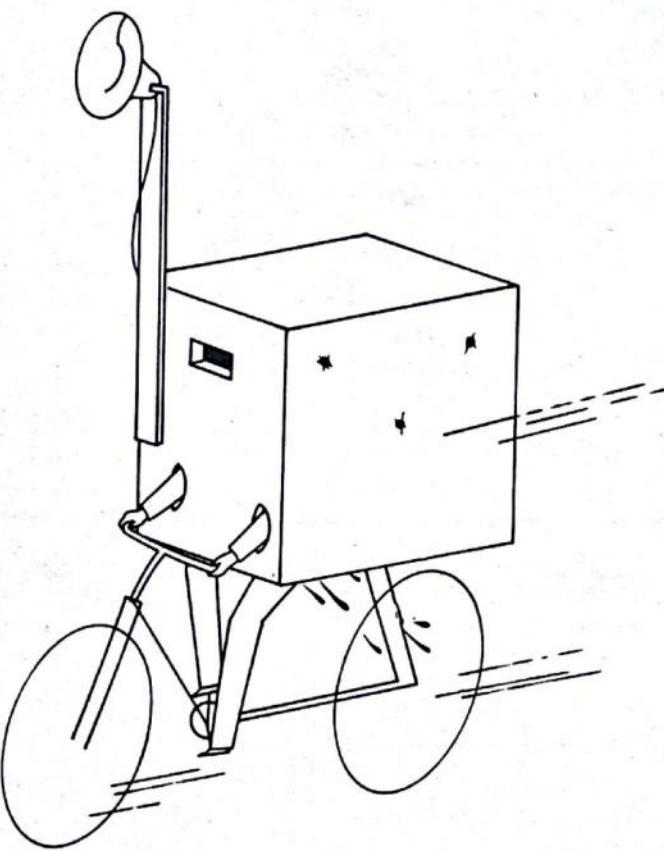
وجای می‌نوشند و با گفتگون سرومه‌الاجمالی بینند

کوشی هر آن از حمله‌ای بیم دارند. رانندگانش

و مترجم من یادآور می‌خود که آنها نکرانند و

من ترسند عاقبتها با عربهای زاغه‌شین به اهانتی

فلسطینی‌ها روی سرشار خراب شوند.



خودمختاری و استغلال به رسمیت بشناسد ، ما آیت الله شیرخانی را می دیدم .
به چینن کمکهای نیاز نخواهیم داشت » .
فرادی داشت و گروهی از اطرافیان تزدیکش ، با احترام اور احاطه کرده بودند . باجهرا مایل بین در حالی که با تسبیح کهرباپیس بازی می کرد ، فقط بعین سخن من گفت و وامند می کرد که « فارسی نمی داشد . به نظر من رسید که آیت الله اصلاً تو جهی به امور دنیوی ندارد . یعنی کسانی را که در ماجرا هیچ دخالت نداشتند . تیمار دستگیر مدنی عکس آنچه را که بهمن گفته بود اعلام کرد : خوبی داشت که شنان می داد به او ولاقلای اندارد . که موضوع خرابکاری دریان نبوده است ، که انجارها بدعلت پویسید کی لوله ها و عدم رسیدگی بدوضع آنها بر دروران اعتماد روى داده است . نتیجه : نولید بزرگترین بالائیگاه جهان ار شاید . کسانی از خارج آمدند که بهما کمک می کنند . اما اگر ایرانیها حقوق ما را درمورد یافته است .

کنند . مدنی کار خود را در نیروی دریایی آغاز و مدارج معمولی آن را طی کرده بود . ناسال ۱۹۷۲ که بدعلت وجود فساد دریان اطراط ایان شاء ، به شناه اعتراض استغنا کرد . بعد در دانشگاه تهران اقتصاد سیاسی تدریس می گردید که از گرداندهای نظاهرات خونین ضدرژیم دریان « زاله » بود . وی که در زمان فرمادنی نیمسار قرنی وزیر دفاع کابینه بازرسان بود ، بدعلت بحافثت باو - که بعدها تزور شد - استغنا داد و علوم نیست در بی کدام مجزه ، نامهایان استادار خوزستان و مسئول آنچه که از تروتهای این استان باقی مانده بود شد . البته به اضاله فرمادنی نیروی دریایی چون اورا بعنوان استادار می دیدم وجود اعصابی کمیته اسلامی ، باریش و بضم و تادنادن مسلح را در کنارش طبیعی حس کردم . در انسان انتظار دفترش با چند آخوند ، چند کارگر بندر ، چند دختر و زن ، بعضی با شلوار جین و بعضی دیگر با جادر ، باهم منتظر بودیم . آقای خوش بیاس و خوشرو سرانجام مرآ نزد دریادار برد . دریادار بالخند پرسنواهایم جواب می داد : این حفیت دارد که فلسطینی های جرج حبس در خوزستان فعالیت می کنند ؟ جواب : « الله » . تیمار در جریان فعالیت های آنان بود و محل آنها را هم می شناخت . آیا عراق به آنها کمک می کند ؟ جواب : « بی شک » . چرا لا جواب : « ما بایک توطنه و سیع بین المللی طرف هستیم » . می خواهند نفت ایران را بذند . اما مدنی جلوی روی آنها خواهد ایستاد . ازاو می برسم ارشش کجاست . چون حتی یک افسر دریایی یاملوان به چشم ندیده بودم . اما فرمادنی نیروی دریایی بهمن می گوید که به اداره کافی نیرو در اختیار دارد . و برایم از کماندو های نیروی دریایی که در چزیره ای مقابل خرمشهر مستقرند حرف می زند . سویا ناوگان ایران آمادگی دارد که در خلیج فارس وارد عمل شود .

با آیت الله خاقانی

است کشی های چنگی سالم هستند . همینطور موٹاک اندازه ای خفیف مجهز به موٹاک ، و حتی « آور کرافت » های کذاش که قادرند در آمدهای عمیق خلیج هم فعالیت کنند . اما مخصوصاً راه اندامخن آنها لحاظند و برای آغاز هر عملیات باید مثل بار ار مرش فروشها با آنها چانزد . تیمار مدنی بهمن چای تعارف می کند و موضع صحبت را تغییر می دهد .



باقر مؤمنی با آثار فراوان خود همچون یک پژوهنده خستگی ناپذیر تاریخ، معاصر ایران؛ پژوهه بررسی کننده تاریخ، تحول نظرات و فکریه سیاسی-اجتماعی در هیان حقوقان ایران چهره‌ای شناخته شده است. او همچون یک روشنگر فعال در عمل سیاسی و یکی از حکمت‌کشان واقعی فرهنگ ایران در زمینه تحلیل مسائل ایران صاحب نظر بوده و عقاید او در این زمینه‌ها روشنگر بسیاری از مسائلی است که امروزه مورد بحث سازمانها و متفکران جامعه ما است.

پژوهه بررسی هؤلئه از حزب توده که خود یکی از فعالین اصلی آن بوده است حداقل در شناخت رهبران کنونی حزب و سیاست‌های حاکم بر مکانیسم‌های آن برای جوانان آموزشگر و روشنگر است.

گفت و گوئی با باقر مؤمنی (۱)

حسن رهرو

خود بخودی و خودانگیخته بود و رهبری سه دسال آن می‌آمد. آیت‌الله حسین به عسوی ساده خود بورزوی افلاطی، قام راهبردی کرد. هرجند ماید موضوع گیری خود بورزوی و تحولات و تغییرات آنرا در تمل و بعد از قام تحلیل کرد و این تغییرات را «جه در سطع خود بورزوی و جه در افراد رهبری در نظر گرفت».

نقش حزب توده

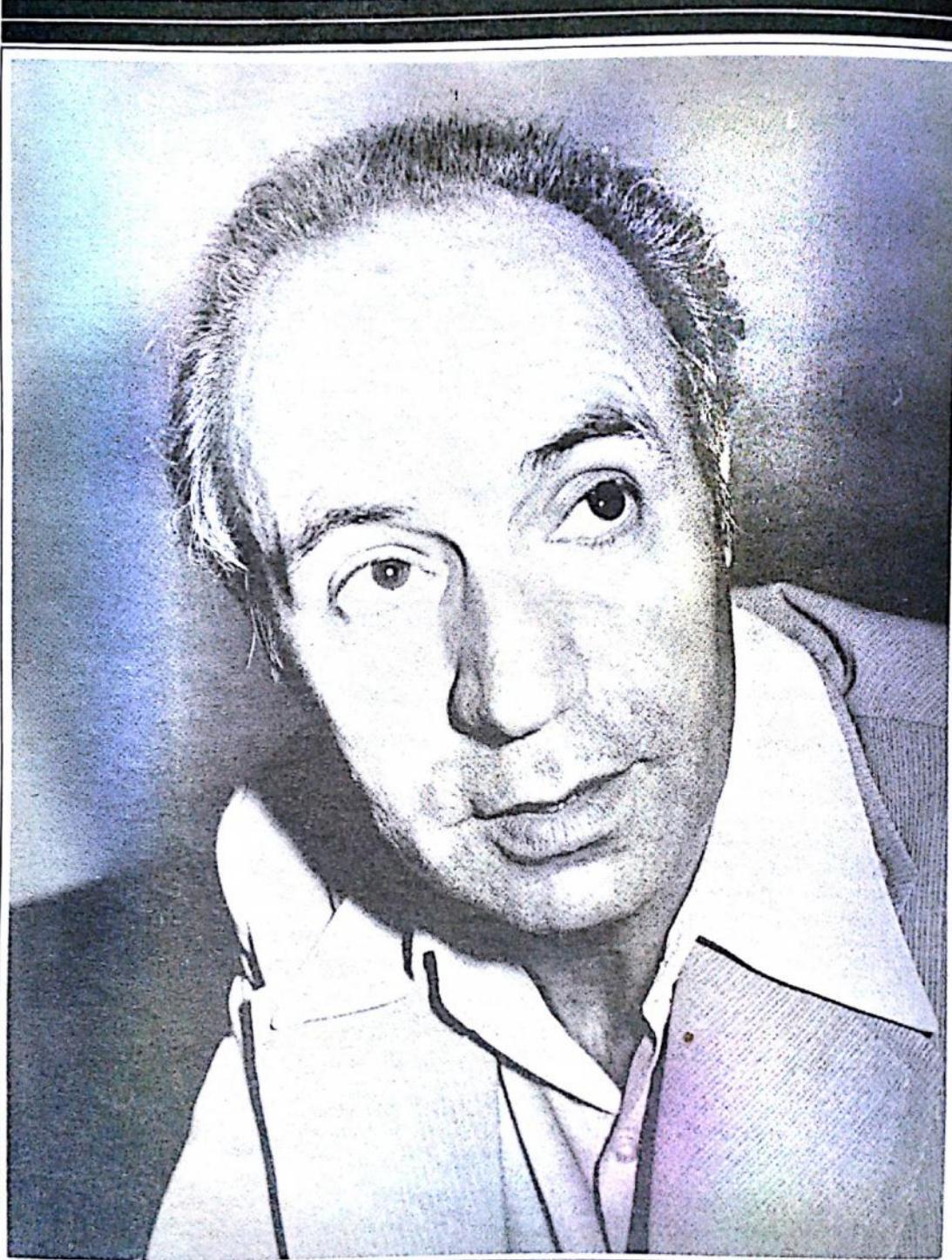
کنیت رهبری از آن جهت بدست خرد بورزوی افلاطی کارگر غافل سازمان افلاطی خاص خود بود که امّر بود اقلاب مسرب دیگری به خودی گرفت، جرا طبقه کارگر سازمان افلاطی خاص خود را نداشت؟

قدان یک حداقل سازمان افلاطی در طبقه کارگر از دو عامل ناشی می‌شود. اول فشار سازمان یافته و آشایانه و برنامه‌بری شده حکومت زیر رهبری امیریالیسم در جهت سرکوبن کایه بیرون و چشم‌های افلاطی. دوم نیش محرب خوب نموده که بعد از سال ۳۴ نه زدها کمک به ابعاد سازمان افلاطی طبقه کارگر نکرد، بلکه از تشکیل آن بیرون چلو گیری کرد.

به امن ساله بارخواهم گفت: شما آیت‌الله‌خسینی را ناعانده خرد بورزوی افلاطی می‌دانید و اگر ابعاد ملک روابط دموکراتیک برخیانی حاکم است مردم جری از حرک افلاطی است با وجود نهاده ندار بپروری شاهد آن بوده‌ام با هم

می‌خواستم برداشت و تحلیل خودتان سیح سده بود، بورزوی اسلامی یا ملی از نظر اقتصادی و ساسی سیار صعم و ناتوان بود و می‌توان گفت که بورزوی از ملی در دوران حکومت مصدق آجرین برگ حورا ناری گردید، وار نظر تاریخی نام دهد بود. این بورزوی از سویی به دلیل ماهیت طبقانی خود که شماره‌ها شرط محدود است و حق در مبارزه علیه سرمایه‌داری تزریگ واسمه می‌شود. این طبقه پیش از کشور به امیریالیسم و حاکمیت استعمار موجود آمدیدند، وار نظر ساسی متر همراه با تأثیراتی در مبارزه زمینه‌های عسی قام به تکرار بحث شده است. نه هر حال می‌توان آن نظام اقتصادی - اجتماعی را که در تنفسه و انسکی کشور به امیریالیسم و حاکمیت استعمار موجود استداد سلطنتی می‌توانست رهبری حسین را بدد گردید. حاجه‌ای از قتل نازرگان و نهضت آزادی و جمهوری ملی و ... حاضر بودند با دستگاه استداد سلطنتی سارش کشند. طبقه کارگر نیز فاقد سازمان افلاطی خود بود را داشتندی توافت رهبری را داشت گردید. لاجرم خود بورزوی رهبری قام را داشت گرفت. هرجند در این حالت مکار گیری «نهضه رهبری» متکل است جرا که رهبری به آن مذہب کرد. پیش روی نهضه افلاطی خرد بورزوی، پژوهه در بازار و کتابخان آن سخن از بورزوی بود که ما آنرا «بورزوی اسلامی» یا «ملی» می‌خوانیم

خرده بورزوی دیگر انقلابی نیست



- * بورژوازی ملی از نظر تاریخی تمام شده است
- * جبهه دمکراتیک ملی نهاینده بورژوازی دمکرات است
- * بازرگان به مناسبت با فرهنگ خود نخست وزیر شد
- * رهبران حزب توده اکثر آفراد ناآگاهی بودند

خود را حفظ می کند . در شرایط فعلی بورژوازی لبرال خسarde بورژوازی را به دنبال شمارهای غیر انقلابی خود می کنند . سرمایه داری نیز در نزد گشدن خود راهی جز این نداد است که به امیریالیسم پیووند . تمام کوشش دولت و آقای بازارگان این است که شکافها و ضرباتی را که برپیکر سرمایه داری وارد شده است مرمت کنند و به تازیل حاکمیت نظم ناشی بدنه و در این جهت خرد بورژوازی را نیز بدنبال خود می کنند و او نیز آمادگی این را دارد و حالا دیگر انقلابی نیست . همچنین رهبری خود بورژوازی انقلابی ، از تمام ادعاهای خود ، به نفع بورژوازی بزرگ قدم به قدم عقب نشینی می کند . بر نامه اهتمی که به نفع مستضعفین طرح شده بود ، فراموش شده است . طبقه کارگر سرکوب می شود و حتی گفته شد که ما برای رفاه ، نان ، آزادی و استقلال مبارزه نکردیم بلکه برای اسلام چنگیدیم . و این ناشی از این است که رهبری از سینک به خرد بورژوازی انقلابی عدول کرده و میزد که به بورژوازی بزرگ وابسته شود . اما خود بورژوازی هنوز طرفیت انتراپن شود را از دست نداشده است . البته به همین واجهه مثل قبل از قیام نیست ، چون هنوز جدائی دلت و رهبری خود را از خود درک نکرده است . پس از پیروزی قیام نامحرله فعلی ما

شیخ افدام ضد ایرانیست به معنی والغ آنندیده ام . دستگاه رهبری انقلاب و دولت از حد تعاریف توکالی در این زمینه قدمی فراتر نرفته اند . ارسوی هرجاکه توائسه اند شدیدترین نوع سرکوبی و دنکانوری را چه به شکل ماند و چه حتی در قانون اداری بکار برداشتند . با توجه به این مسائل آیا می توانیم دولت فعلی را که دنکانوری خوشن را پشت افسوس بکند حای بخت است . خرد بورژوازی اگر قدرتی بینهان کرده است لبرال بنامم . لکن امی کنید که آنها که دولت به اصطلاح

به پیش نمی کنند . اگر این نائند را بکاویم می هر خود برای تحول اوصی را به نفع خود طرح کرد ، پیش نمی بود . درست مثل اینکه در سایر کشورهای اگر یک جامعه از حالت اقتصاد شناسی به برداشتن سوق ... ما مکونیم این حرکت متفرق است .

تلخیان از این قبیل و این نظریه که خرد بورژوازی در برادر سرمایه داری بزرگ از جماعتی است نادرست و بر اساس درک غلط از مارکیم بنامده است . گاه این حرفا عنوان می شود و البته خیلی هم برت نیست .

اگر خرد بورژوازی بخواهد جامعه را در حد هنایات خرد بورژوازی نگه دارد خرد بورژوازی مخالف تولید بزرگ است و در عصر ما چه سویا لیسم و چه سرمایه داری در جهت تولید هست که حرفت می کند . اما خرد بورژوازی از این نظر انقلابی است که با استبداد سلطنتی به عنوان یا گاهی سرمایه داری بزرگ وابسته که سرمه از این نظر اجتماعی است ، مبارزه می کند و انقلابی است چرا که طبقه کارگر نیز همین خوات را دارد .

دو گانگی و ضد گونیسم

نمی خواستم بکوئم خرد بورژوازی از جماعتی است ، باز همانی از این قبیل .

منظورم این بود که خرد بورژوازی از آنها که پس از پیروزی هدفی جز استقرار و سطه روابط سرمایه داری نخواهد داشت ،

لازم اگر رهبری جنیش را بست میرد ، انقلاب را توقف خواهد کرد ، چراکه

استقرار روابط سرمایه داری بدون واسطه به امیریالیسم امکان پذیر نیست .

نیز دنکانوری را ایجاب می کند لذا بدون مبارزه علیه سرمایه داری مبارزه ضد

امیریالیستی و ضد دنکانوری می گذرد .

است و اگرچنین باشد آیا خرد بورژوازی

با بورژوازی لبرال را می توان انقلابی خواند .

این ساده گردن قضیه است . شرایط کشوری

جهان سیار پیچیده است . عامل امیریالیسم در

شرایط ما نقش را بازی می کند که بیانات را در

درهم می زیرد ، و موضع گیری آنها را نسبت به

موضوع گیریهای کلابیک متفاوت می کند . در

شرایط یک طبقه انقلابی ، غیر انقلابی می شود و

بالکن . همین نقش خرد بورژوازی در انقلاب

را در نظر بگیریم که کاملاً انقلابی است ، اما

در رابطه با آنچه می خواهد جایگزین نظام قبیل

بکند حای بخت است . خرد بورژوازی اگر

زیر رهبری طبقه کارگر باشد موضع انقلابی



ایشان را نهاینده خرد بورژوازی انقلابی می دانید ؟

باید دید خرد بورژوازی انقلابی بعد از قیام

هنوز انقلابی هست یا نه ؟ و حتی اگر خرد

بورژوازی را بعد از قیام نیر انقلابی مدانیم

علوم نیست آنکه در مرحله قبل از قیام

نهاینده او بوده ؟ بعد از پیروزی انقلاب باز هم

(و نایندگانش) در مبارزه علیه استبداد سلطنتی

نش انقلابی داشت چرا که استبداد سلطنتی پیش

با یگانه رزیم و سرمایه داری بزرگ وابسته به

میریالیسم در جامعه ما همچون یک پدیده

بازدارنده ترقی و تکامل اجتماعی عمل می کرد .

و سرنگونی آن یک عمل انقلابی بود . البته

حرکت از جنبه خند دنکانوری آغاز شد اما در

فرآیند خود شمار سرنگونی استبداد سلطنتی به

شماع سلب قدرت از بورژوازی بزرگ وابسته

تبديل شد .

با توجه به اینکه تهانیع سرمایه داری

بزرگ در کشورها سرمایه داری وابسته است

و حاکمیت امیریالیسم نیز از طرق این

طبقه و در قالب دنکانوری اعمال می شود .

یک حرکت چگونه می تواند تمام انقلابی

باند بی آنکه مبارزه علیه سرمایه داری را

ست گیری کند ؟

جنیش انقلابی نیروی بازدارنده تکامل

اجتماعی را که در آن مرحله استبداد سلطنتی

بود سرنگون کرد . این یک عمل اندیشه ای است .

اما این که جای آن چه چیزی می گذارد جای

بحث دارد . حتی شنیده ام که خرد بورژوازی

و پهلویان خرد بورژوازی زیر رهبری روحا نیت قرار

گرفته است و حداقل بخشی از روحا نیت به هر

حال اجتماعی است .

حرب تسوده نیز سال بعد

از اصلاحات ارضی شاه اصلاحات را پیش قدم

ایها باگاه اصلی

دموکراسی بورژوازی هستند . و جزوی هم که بنام جبهه دموکراتیک و ملی شناخته شده است پاک مجون است و غیرهم اینکه عاصم حب نس در آن هستند جنبه بورژوا دموکراتیک دارد . بورژوازی لیبرال به قدرت رسیده است و بورژوازی دموکراتیک در ایوپیسون است و جوهر این استبدادی قبل از قیام بهمن ماه را حفظ کرده است .

برای اینکه ساله روشن شود بگذارید از جای دیگر خروج کنم . قلم بهتر حال ظاهر ^۲ به تحریسه است . یعنی بعداز قیام بهمن و تشکیل دولت جدید ما شاهد بات دگرگونی و تحول در صفتند نیروها هستیم . شعاعیتی جدید نیروها و طبقات اجتماعی را در شرایط کنونی چگونه می‌بینید ؟

کلیه نیروها در حال تغییرند و هنوز وضع آنها کاملاً ثابت شده نیست . قسم از نیروهای ساخت اتفاقی دیگر اتفاقی نیستند . چه می‌دیگر غیره . اینکه ذات اتفاقی بین زمان کافی برای دور شدن از متحداش و هریران ساق خود را نداشتند . یک دوره نسبتاً طولانی لازمات خواستها دوباره شکل گیرد . توهم زدائی شود . بخش از طبقه کارگر نیز هنوز زیر تاثیر فرهنگ خوده بورژوازی است ، اما هم اکنون برای اکثریت کارگران روش شده است که این استگاه رهبری نه می‌تواند و نه می‌خواهد به ذهن افراد کارگران قدمی بردارد بخش از آن انتظار دارد و باتوجه به اینکه حزب طبقه کارگر نیز وجود ندارد ، تا ناراضیت‌ها را سازمان دهد و آنها هم که هستند یا آگاهی و تحریه لازم را ندارند و یا حسارت لازم را ، وضع بیندهمتر می‌شود . در مورد بورژوازی می‌توانیم در گذشته علیه استبداد سودگوئی که دوباره شد ، بورژوازی لیبران به قدرت رسیده است و حتی من سبید که آقای رازگان چون خودش هم سرمایه دار است از کلمه مصادر می‌ترسد و بورژوازی دموکراتیک از آنجا که دموکراسی بورزی نیامده است ، در ایوپیسون قرار دارد .

البته باید به یک ساله فرهنگی نیز توجه داشت . در طول ۵۰ تا ۶۰ سال اخیر یک فرهنگ تجدید طلبی در بر این فرهنگ آخوندی در ایران بوجود آمد است . پایگاه عینی این گرایش بورژوازی متوسط است که می‌خواهد خود را از قید و بند دگها و فرهنگ فلولی رها کند . چرا که می‌خواهد روابط سرمایه داری را گسترش دهد . «ترقی خواهی و تجدد طلبی از مشروطه به بد در بر این فرهنگ

^۲ پلیه در صفحه ۴۶

علوچ هستند . باید باز ارزیابی شوند و خود را از دگمانیم ببرهاند .

نه نظر من دگمانیم همیشه وجود دارد اما من فکر می‌کنم مارکسیسم همیشه می‌تواند بسیار تحلیل شرایط نوین و از بنین برین دگمانیم راهنمایی ماید .

این درست که باید از شرایط مشخص تحلیل شخصی داشت و مارکسیسم نیز جزی این مقوله کوید . اما در حریفهای شنا مواردی وجود دارد که درست بیست و قتسی شا می‌گویند «رمایه داری و استه خود این اصطلاح یک مقوله حید است . جیزی که در تحریه گذشته مارکسیم وجود داشته است و وقتی آنرا می‌گویند به این معنی است که ما واقعیت های نوین را دیده‌ایم ولی مارکسیسم هرگز نکفته است که خوده بورژوازی حتیماً باید با طبقه کارگر متحدد شود . این یک اختلال است . خرد بورژوازی اگر سازمان اتفاقی طبقه کارگر وجود داشته باشد ، ما آن متحدد می‌شود .

عدم اتحاد نیروهای خلق در دوره مبارزه ملی شدن صفت ناتیم علی می‌غایط حزب توده بود که خرد بورژوازی را از او جدا کرد و اساساً بحث عظمی از خرد بورژوازی عضو خوب‌ترینه را بدینال آن بود . اما اصل فقیه این است که خوده بورژوازی می‌تواند با طبقه کارگر متحدد شود و رهبری آنرا ببینید .

در مورد تهیستان شهری نیز باید گفت که تهیستان شهری که باید مطلقاً متحدد اصلی طبقه کارگر باشد ، هرچند که در قیام کوشش می‌باشد . ولی آنچا که در اتفاقی که به رهبری طبقه کارگر در کشوری مثل ما رخ دهد ، اقتصاد خرد بورژوازی سریعاً مورد حمله قرار نمی‌گیرد . خوده بورژوازی می‌تواند با برلوتاریا متحدد شود . چرا که مبارزه ضد امیریالیستی در شرایط حاکمیت سرمایه داری بزرگ و استه این اتحاد را ایجاد می‌کند .

اگر لیبرالیسم را به این مفهوم بگیریم که شما طرح می‌کنید من نیز موافقم و همین رامی خواستم بگویم . حالاً شوال دیگری را مطرح می‌کنم ، شما نیروی عده قیام را خرد بورژوازی نلقی می‌کنید .

حال آنکه موتورانقلاب را تهیستان شهری

و زحمکشان تشکیل می‌دادند یعنی آن

لایه‌های اجتماعی که بیشتر از روساتها

می‌آیند و بعدلیل نوع رشد صنعتی در

کشورهای وابسته حصب کارخانه‌ها

نمی‌شوند . اینها بیشترین سهم را در قیام

داشتند اینطور نیست ؟

دقیق نیست . چرا که اکثر آنها بیک

اشاره می‌کنند درست به دلیل اینکه حالتی دوگانه

یعنی شهری - روساتی داشتند نمی‌توانستند نقش

سیار غالی داشته باشند با این توضیح که

منظور من از خوده بورژوازی اتفاقی همین

لایه‌ای است که تو می‌گوینی .

و اگر چنین باشد می‌توانیم به این

نتیجه گیری برسیم که مقولات و مفاهیم

که از گذشته آمده‌اند و در فرهنگ چه

لیبرال است درست آنچه ایست که نیویواند اعمال دیکتاتوری کند و یا آنرا فعلاً بدفع خود نمی‌سازد . مطلعوم این است که در املاق صفت لیبرال بددولت آسا ما ضعف حاکمیت سیاسی را با

لیبرالیسم اشیاه نمی‌کنیم ؟

قصه می‌شکلی که شما طرح می‌کنید علمی بیست . لیبرالیسم یعنی بازگذاشت دسترس ماید

داری بزرگ ن سرو های ارتقای در مقابله سیروهای مردمی . لیبرالیسم معنی دیگری ندارد و نه این مفهوم دولت لیبرال است جرا که عین

دولت که در حیل از موارد ظاهر نمی‌گذرد . مقدرت ، ناقدر و قاطعیت در جهت سرگزب مردم سهل کرده است و یا دست کسانی را که

یا قدرت و قاطعیت در این جهت سرکت می‌کنند را باز گذاشتند است ، و از آنها نیز حمایت

می‌کند . دولت دیکتاتوری طبقه حاکم را اعمال می‌کند . لیبرالیسم دولت یعنی باز گذاشت دست

امیریالیسم و سروهای ارتقای . پس لیبرالیسم

ماشی از ضعف حاکمیت سیاسی نیست . اکثر به این مفهوم که گفتن بگیریم ، ضعف در برابر قدرت‌های استبدادی و ارتقای است که نقصش

طبقانی خود را بازی می‌کند . این نوع لیبرالیسم

محدود استگاه است و اگر کارگران را بعمل نمی‌بندند نه به این دلیل است که دولت آزاده است ، بلکه به این دلیل است که می‌ترسد به سرعت زیر پایش حالی شده و از توده‌ها جدا شود .

اگر لیبرالیسم را به این مفهوم بگیریم

که شما طرح می‌کنید من نیز موافقم و همین رامی خواستم بگویم . حالاً شوال

دیگری را مطرح می‌کنم ، شما نیروی عده

قیام را خرد بورژوازی نلقی می‌کنید .

حال آنکه موتورانقلاب را تهیستان شهری

و زحمکشان تشکیل می‌دادند یعنی آن

لایه‌های اجتماعی که بیشتر از روساتها

می‌آیند و بعدلیل نوع رشد صنعتی در

کشورهای وابسته حصب کارخانه‌ها

نمی‌شوند . اینها بیشترین سهم را در قیام

داشتند اینطور نیست ؟

دقیق نیست . چرا که اکثر آنها بیک

اشاره می‌کنند درست به دلیل اینکه حالتی دوگانه

یعنی شهری - روساتی داشتند نمی‌توانستند نقش

سیار غالی داشته باشند با این توضیح که

منظور من از خوده بورژوازی اتفاقی همین

لایه‌ای است که تو می‌گوینی .

و اگر چنین باشد می‌توانیم به این

نتیجه گیری برسیم که مقولات و مفاهیم

که از گذشته آمده‌اند و در فرهنگ چه

خطی از سر دلتنگی

آینده ایران و مردمانش، چگونه است؟
آیا هیچ به تنهای ایران اندیشیده است؟



آقای محترم پاشد که آنوقوع روز (حدود عصر) مرا به داخل خیابانها کشید . شاید دلیل وجود رانده ناکسی ناتاکی بود که راه مرا دور گرد و بجای اندختن ناکسی در بیرون امدوای خاموش و خلوت مرا یکسره از پل بخرش وارد چاهه قدم کرد ... و امکان دارد بسب واقع فاراجتی من آن سافر بیکار و مردم آزاری بود که در آن گرمای طافت فرسا صاف رفه بود و اول چاده قدم ، جلوی ناکسی ها دست بلند می کرد تا بتواند چند لحظه ای آن رانده ناشی را کنار خیابان متوقف شازد ... سخوه است ، اینهمه خود را فرب دان و عجایب و غرایب سرهم کردن ، تا اینطور ناچار به تسلیم توام با شرکتی پاشی . خودم هم از همان ایندهم داشتم که دلیل اصلی و برخان قاطع همه چیز (منجته تپ و لرز من ...) هیچیز از ایسون بخانه ای نمی تواند بود . میکروب اصلی که مرا به این هذیانها نجات ساخت آن چهره های من شده و نی حالتی بود که اول چاده قدم دیدم ، آن دیدگان مخلوق در حقیقی غلطی که به یکدیگر مغهی خرد این زندان نمی شوی . پس ایسون گنولک ناربها چیست که در میاوری ؟ ... پس نص کنم جوانی داشته باشی ، تازه مددیم مسل هدیگر .

که سر درلاک می گذشتند ، انداختن ، بنین فهماند که این به خیابان کشیده شده ای آن بروز پیش نیستند ، یا دست کم آن شور در آنها نست . شاید ؟

آیا نا به حال کسی را دیده اید که در شهری خالی و سرد و نیره ، بجای خفنن و در رویاهای میهم و گاه ناخ و گاه شیرین ، غرق شدن در میان آن اینوه گرداند و در میان دوست خوبش پیشترد و در تنهایی سهمگینی که خود می داند وجود ، خود می شناسد و خود ، آنجنان از اعماق وجود بمالد و آنجنان از دیده سرنگ نومیدی بارد . که صحره های عظیم در هم فرو ریزند و چشمکارهای خنث و نهی ، لبر لبر از آب شور دیده گردند ؟ آیا هیچ شده ، به نظر افتداده باشد به وادی دردها و رنجها ، که خانه اوست و هم شکنجه کاهش ، فدمکی هممان بیهادی خود باشد . بروید و بینند چگونه جرا جرا می گوید و کجا کجا می کند ؟

نه ... گمان نمی برم ، نصور نمی کنم و باور ندارم ، زیرا او هوز نهایت او درون سمهای شوم بلیدی و نشی نهایت ... بروید ، احسان کنید ، او را دریابید . ایران را ، آن مرد اسیر در وادی بیهاد رنخ و در در را دریابید ...

روزی از دوستی مرسمد که می نواند از لالای نتفکرات و احساس خود ، آیینه را سند و به من نگوید که آیا بوان امیدی برآیده این مردم و این سماکت داشت ؟

سرمزیر افکند و نحوانی سر داد که :

«سازی به دیده مانی نست جرا که می دام که سی دام ، او من گاست که نمی داند ، آنا می دان برایان ایندهان بر شرکرد ؟

پاس عحسی مرالم حکم اسد اخراج و اندیشیدم . مازهم زیانت ! اگر آن حرم دهستان

برداشتی از رویدادهای کوچک و بزرگ

انسانی همواره در طول انقلاب بین ریخته میشود.
تودها ری میبرند که دیگر به شووه گلتهش
نمیتوانند زندگی کنند و به حاکمین «نه»
میگویند و خلو با هدف خالق روزگاری تانک
میایند. هیچ طبق نهی تواند ساختن را بسازد
بگیرید مگر اینکه نهی گردان را آموخته باشد.
ملت ایران با این روش بود که ویرانی نظام
شاھی را بآخت آمد.

اخلاق انقلابی تنها سلاخی بود که مردم
در اختیار داشتند. اما مکرراً انان جدید که
اواج انقلاب آنها را به جایگاه رهبری برتاب
کرده است، کم کم دارند از «نه» گفتن مردم
میترسد. دارند اسامی دیگری رویش میگذارند
و البته دارند همان راهی را میروند که تاریخ
برای چنان فرماتزوایانی سکافرخ کرده است.
آنها میبنندند که سلیقه شخصی آنها مغایقی
ازی و ایدی است و فراموش میکنند که همه
فرماتزوایان که اکنون فرو پناهاند نیز چنین
میگردندند. انقلابها همواره نهی این ایدهایها
بوده اند و هستند. اخلاق انقلابی را نمیتوان در
وسط میدان و ببور علاقه بر عدم باد داد. در
تمامی طول تاریخ مخلوق در نهایت از تغییر انسان
به نفع فرماتزوایان عایز بوده است این را دیگر
ملت ما بهتر از همه چیز میداند. آزموده را
آزمودن خطاست.

نمی‌گذارد. هستام اجرای حکم پسر او کهنه خبر
برای رسدرآوردن از علت ازدحام به میان جمعیت
آنده بود با دیدن پدر خود را ببروی او پرتاب
می‌کند.

شلاقزن، نبی انتبا با شلاق به صورت کودک
خرسال می‌گویند و ماجرا آغاز می‌شود. مردم
به تجاه معمکونیم می‌روند. باستک و پاره‌آجر
بدشلاقزن حمله ورثی شوند. منزل درجت الانلام
که یکی رئیس پادشاهان انقلاب و دیگری رهبر
مله‌ی میانه است سکباران می‌شود، چند هم
کنک می‌خورند و تابلوی حزب جمهوری اسلامی
به بالین کشیده می‌شود. مردم با تظاهرات طالب
برچیده شدن کیمیته می‌شوند.

چگونه می‌توان ریشه های فاجعه را یافت؟
آنها که تنها به مفهوم سواویکه قناعت می‌کنند
در واقع سعی در لایوشانی کردن والقیت دارند.
رویای تمام انقلابیون و انقلابیها ساختن
انسان نو بوده است. انسان زیرزورو شده‌ای که
تواند «نه» بگویند، نه کند و به قدرت
جادویی نهی در کار ساختن و برداختن انسان
آگاهه باشد. چنین انسانی می‌باید خودآگاهی و
استقلال خوبی را در بهنی این جهان بازنشاند،
نا بتواند خود و جهان را تغییر دهد. انقلابی
که جشن این چنین انسانی را از دست نهد خود
را به زوال حکوم کرده است. همه چنین

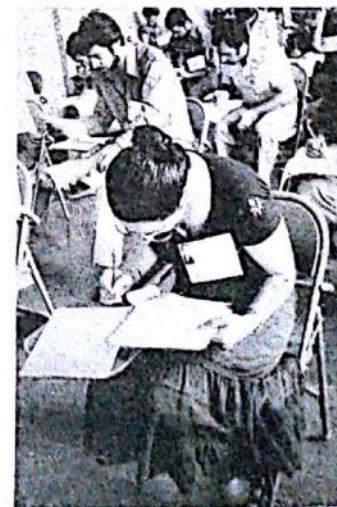
مردم به شنیدن اخبار دردناک عادت کردند و آنها را می خواستند معرفت کنند و این اتفاق را می خواستند از اینها بگذرانند. اما آنچه که در میانه گذشت و در روزنامه ها نیامد هم اکنک و حیرت آور بود. عده ای در خیابانها ان لحظه نکنی را باز گفتند: «جاوایشانه!»
گفتن این کلمات لعنتی یک کلمه جهنمه بیکار را بخطاب می آورد «ساواله!» اما کسی که با تنبی درآمد ماسرا را تعریف می کرد میگفت:
بخدمدا من آنها را دیده بودم همانها نی تووند که چند ماه پیش در خیابانها فریاد می زدند درود برخیمنی و ...
و بعد ادامه داد: «مکنست که بکنند ساواکی این الفاظ را پیش کشیده باشند اما مردم جرا آنها را باز گفتند. مکنی می کند و خود می گویند نمی دانم شاید جون زده نمی بودند. ظاهرا جون زده گی از تعماشی ملأا خوردن دو مرد به جرم می زده گی شروع می شود.

یکی از آنها که عالله مردی بوده به حکم انتراض می کند و می گوید: «دکتری که متنی هر نایاب کرده است، بامن غرض شخصی دارد. چرا که از جمله طاغوتیان است و من در طول انقلاب در رسو کردن او نقش زیادی ایفا کردم. اگر کون که بعد از انقلاب از بیربریت عامل شیر و خورشید به فعالیت کمیته غیربر سمت داده است از من انتقام می کشد. کسی به گفته های او وقی

کور

کنکور برگزار شد و ۵۳۰ هزار جوان در
سیان دینایی بر از بیم و اضطراب، سر بوقت.
بازارترین امتحان زندگی مکتبی شان را به انجام
رسانیدند.

کنکور از زمانی که بوجود آمد همواره مورد جر و بحث خانوادها و شاگردان مدارس بوده است چرا که همچون نتله عطفی کلیست رندگی یک جوان را از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر انتقال می‌دهد. کنکور در طول زمان از یک انسان ساده به صورت یک گزینه‌گاه وحشت و رحمت و بشکل معیار سنجش کلایت انسانی‌ها جوان درآمد. گرچه از قبل سی می‌شد که آنرا اجتناب‌پذیر و موجه و معیار صحیح لفظی استداد چا بزرگ اما بالبر مفترضی که این بهمند برروج دائم آوران باقی مذاقه و فرهنگی ارزشی و رفاقتی غیر اسلامی که خالی گردید است هیچگوئی نباخواهد، به این روابط سالم ندارد.



جهان

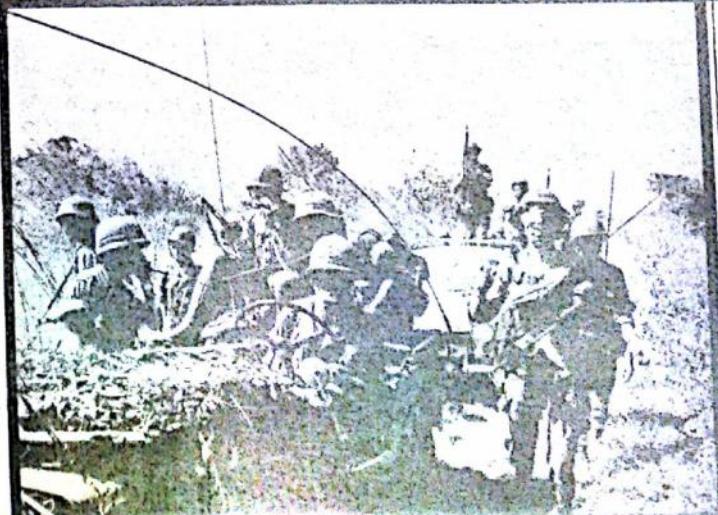
سوموزا هم رفت

یکی از درزهای

آمریکا فرو ریخت . به چه قیمتی ؟

سرانجام بدیکی دیگر از نامردین ترین رژیمهای حکومتی جهان پایان داده شد . بعداز سالها مبارزه و هفته هنگ کھانکی بی امان گبیش از ۱۵ هزار کشته و ۴۰ هزار زخمی بهجا گذاشت ، زیرا آنستاز بوسوموزای ۴۴ ساله هننه گذته استعفای خود را تسلیم کرد و از نیکاراگوئه گریخت ، و به فاصله س و شش ساعت پس از او جانشینش .

سوموزا چند ساعت بعد از تسلیم استعفای خود ، بایک هوایی شصت مانگووا را به قصد میامی آمریکا ترک کرد . جانی که ملک و ولایت پاشکوه و منافع مالی دیگر چشم انتظار او بود ؟ او یک تنور سابق نیکاراگوئه و همسر آمریکائیش سالهای زیادی در آمریکا زندگی کرده اند . و امروز که باین کشور باز می گردند ، سوموزا عمل خود را « اقدام درجهت صلح » قلمداد می کند و بانها بای وفاخت اصلاح می کند : « تاریخ به من حق خواهد داد . جراحت من تمام زندگی ام را وقف میارزد با کوئیسم » گردید .



طب سنتی

معجزه میکند

«گیاه داروها»

تهیه شده از گلها و
گیاهان وحشی،
مجموعه‌ای از دانش
قدیم و جدید در طب.

در ۱۳ نوع:

- هیجانات عصبی
 - سینه درد
 - مثانه ، کیسه صفراء
 - اعصاب
 - اعصاب ، خواب
 - ضد عفونی کننده
 - کبد ، کیسه صفراء
 - تصوفیه کننده خون
 - نقرس ، روماتیسم ، آرتربیت
 - دردهای معده
 - دیابت
 - رگلهای دردناک

معاينده کل، شرکت میر کوم

من ۹۷۴۸۵۱: صندوق پستی
۳۲۴/۳۴ فروش در کلیه
راگ استورها
فروشگاههای
عتبر . نماینده
فعال از هر آنکه
ستا: هم بذری به

کنگره نیکاراگوئه پلافلاسلے بمدار خروج سوموزا، فرانسیسکو اور کوبیو ۵۵ ساله، وزیر سابق بهداشت و شخص مورد علاقه جوانان طرفدار سادبینیست را به عنوان جانشین سوموزا، تا تاریخ اول ماه مه ۱۹۸۱، پیش تاریخ اتفاقی دوره ریاست جمهوری، انتخاب کرد. وظیفه رئیس جمهوری نازار نیکاراگوئه فقط آتش‌بس کامل در کشور و تدارک انتقال قدرت به شورای نظامی بازسازی ملی مورده حمایت ساند بینیستها بود.

پیکی از اعضاء شوراخواهان استرداد سوموزا برای باسخکوئی به جایات است که وی طی دوره قدرت مرتكب شده است. سوموزا با ویژای توریستی به عنوان بازرگان وارد آمریکا شده و وزیری او برای چهارسال معتبر است و تنها در روزهای نخست اقامت در آمریکا حفظ امنیت او به عهده پلیس آمریکاست به همین جهت هم ۵ هواپیمای حامل سوموزا و اطراف افتش دریک پایگاه نیزیو هوائی فرود آمدند. سختکوی وزارت امور خارجی آمریکا گفت: «ما سوموزا را که همسر آمریکائی دارد، از این جهت در آمریکا پذیرا شدیم که کار انتقال قدرت را آسان کرد باشیم».

اما جراحت آمریکا همیشه باشد کار انتقال قدرت را آسان کند؟ یا آمریکا با شورشیان ساند بینیست هم ساخت و پاخت کرد؟ و یا خواه تازمای با استقرار حکومت سوقت فرانسیسکو اور کوبیو، به سر برگزیرین مداخله گر جهان زده است؟ سختکوی وزارت خارجی آمریکا خود گفته بود که آمریکا از تزدیک تحول اوضاع نیکاراگوئه را زیر نظر ندارد. ما جانشین رئیس جمهوری هم نتوانست

خرده بورزوایی

یادداشت‌ها...

راه‌بینایی وحدت - راه همراهی تکردن.
 این گروه کثیر وجود دارد، انکارشان نمی‌توان کرد. اینها را هدف بگیریم و در دلشان راه پارکتیم. باقی صاحبان اندیشه و فلم، صاحبان شخص و داشت، جامعه‌ی طبقه‌توحیدی نمی‌توان ساخت.

زندانها را که دیگر از عاملان کشت و گشتنارها و پرآسازی‌ها تهی شده است، در یک‌تالیم بسوی جامعه بین‌زندان برپویم - نه آن‌که زندان اوین را که قرار بود موزه شود پرکنیم و دوباره به کار بیندازیم - جامعه‌ی که - با تأسف - نزدیک بود تهرانی شکنجه‌گر را بیغشتند، جطور نمی‌تواند از تفسیرها و - میرم - اشتباhtات بهترین فرزندان ایران چشم بپوشد!

اگر، این نسل انقلابی که هنوز صحنه‌های خودگیری ماهیاتی آخر شاهنشاهی را در جلو نظر دارد، هنوز بایهای سیاه را بر تن مادرانم بیند، هنوز چاره‌ی برای خانواده‌های بی‌سربرست عالمند خانواده شهیدان - نیندیشیده شکت بخورد، اگر فریادهای گستوهای کاخ ۴۵۰ ساله را لرزاند، در هو رها شود، نلهای بعدی گرفتار و در بند خواهند بود و ما را نخواهند بخشید که در فاصله‌ی کوتاه - ۲۵ کم در عصر ملتی گران‌ال جیزی نیست - دوبار خود را شکت دادیم!

پس از ۵ ماه همه منتظرند تا دیگران همراهان بیشترانند، نه، می‌توان از خود آغاز کرد. باهمو با انقلابیان و پاتریوت‌مان و با آینده‌مان همراهان باشیم و بدانیم اگر خار نبود، بالججه جیزی کم داشت، جامعه‌ی بی‌حرکت و بدون مخالف - که مخالف خسار نیست - مرداب را می‌عافند.

یزگرهای دلمان را بسوی بهاری که از دست می‌رود، بگشاییم، پیش از آن که خزان برسد، بهار را در این ملک جاودانی کنیم: بهار آزادی!

را از دست بدهند و باید در جهت ایجاد حزب طبقه‌کارگر حرکت کنند، چرا که حزب نموده که خود را حزب طبقه‌کارگر می‌خواند نمی‌تواند این وظیفه را انجام دهد. حزب نموده با طبقه کارگر ارتباط ندارد و اکثریت مارکسیستها را نیز در برنامه‌گیری و دینالاروی او از رهبری جامعه نیز مانع ارتباط او و طبقه کارگر خواهد شد. زیرا طبقه کارگر پدریج فاصله خود را از رهبری افزایش میدهد.

مبارزه‌ی اسکر بخواهد من امیریالیست باشد بازدهیه ضد سرمایه داری بزرگ و استهانه باشد و از آنچه که سرمایه بزرگ و استهانه باشد و از آنچه نیز یک درگیری سیاسی دقیق ناگذاشته، نداشتن یک سرمایه بزرگ غیر وابسته نداریم می‌توانیم بگوییم مبارزه باشد. علیه سرمایه‌داری بزرگ باشد.

چنین ضد سرمایه‌داری باجنبه ضد سرمایه داری بزرگ دو چیز است. ضد سرمایه‌داری علی‌الاحداق بیست. قتل بالای خوده بورزوایی یا بورزوایی متوسط به هر حال سرمایه‌داری است، اول طبقه کارگر در شرایط فعلی ضد نخست وزیر شد. در هر حال بورزوایی لبیرال حاکم جاده را برای بورزوایی بزرگ و استهانه صاف می‌کند و خرده بورزوایی نیز علی‌غم‌منافق خود از آنچه که رهبری بورزوایی لبیرال را پذیرفته به نفع سرمایه‌داری بزرگ و استهانه می‌کند اما هنگامی که بورزوایی بزرگ خود را سامان داد. خرده بورزوایی را از معنے خارج می‌کند. طبقه کارگر باید حزب سیاسی خود را بازار. نیروهای مارکسیست نباید هیچ لحظه‌ای

آنوندی که قویاً آنرا تکمیر می‌کنند، رشدگرده است. تجدیدخواهان لزوماً ضد مذهبی و یا حقیقی مذهبی نیستند. بیشتر آنها مذهبی و یا ایده‌آلیست هستند. هم‌اکنون بیزحامیان تجدیدطلبی از آن می‌ترسند که نوعی استبداد آخوندی برگشته باشد و لذا در پر ابر این نوع استبداد از دموکراسی طرفداری می‌کنند البته خیلی از بازاریها نیز که قویاً دنیا روحاً و روحانیت بودند، به تدریج از آن جدا می‌شوند. بهر حال نیروهای اجتماعی ایران در حال شکل‌گیری هستند و از آنچه که آگاهی سیاسی در دوره دیکتاتوری به علت نداشتن یک درگیری سیاسی دقیق ناگذاشته، تحول چندگونه و سریع است. این است که می‌بینید مثلاً بکنی از نیروهای چسب بازارگان را در مقابل خسین تقویت می‌کند به گمان آنکه او ملی و ... نمی‌باشد و پیوند درونی و واقعی آنها را باهم درک نمی‌کند. خسین هر کس دیگری را در موضع طبقاتی بازارگان رئیس دولت نمی‌کند. بازارگان به مناسبت بار فرهنگی که دارد نخست وزیر شد. در هر حال بورزوایی لبیرال حاکم جاده را برای بورزوایی بزرگ و استهانه صاف می‌کند و خرده بورزوایی نیز علی‌غم‌منافق خود از آنچه که رهبری بورزوایی لبیرال را پذیرفته به نفع سرمایه‌داری بزرگ و استهانه می‌کند اما هنگامی که بورزوایی بزرگ خود را سامان داد. خرده بورزوایی را از معنے خارج می‌کند. طبقه کارگر باید حزب سیاسی خود را بازار. نیروهای مارکسیست نباید هیچ لحظه‌ای

خانه کوچک

جاكتابی و وسائل تزئینی برای مبلمان منزل
آدرس: آناندول فرانس نرسیده به بلوار

شماره ۱۰۳

تلفن ۶۵۱۸۴۲



طبیعت

آرمان مستضعفین

« آرمان مستضعفین » ارگان

پیشگام مستضعفین ایران است . این

نشریه که در بالای سرصفحه آن همواره

« الحمدلله رب المستضعفین » چاپ

می شود ، یک سلسله دروس اعتقادی -

اسلامی را به خوانندگانش می آموزد .

آرمان مستضعفین یک نشریه تحلیلی

است و گزارش و خبر در آن جایگزینی شود .

در یکی از شماره های فوق العاده

این نشریه (شماره ۳) در مقاله بلندی

تحت عنوان « درد و درمان » مهمترین

ویژگی های انقلاب اسلامی ایران ،

دگرگونی روابط انسانی ، اجتماعی

براساس خود آگاهی انسانها ، دگرگونی

در روابط اقتصادی ، اجتماعی براساس

عدالت و دگرگون سازی روابط اجتماعی

براساس آزادی ، دانسته شده و آهد است

اگر انقلاب دارای این ویژگیها نباشد

بدل به یک قیام معمولی با آینده ای

تاملوم خواهد شد . ارگان مستضعفین

در همین مقاله نوشته است فقرایدئولوژیک

اولین وجه تشابه سه حرکت مشروطیت ،

نهضت ملی مصدق و انقلاب اسلامی

(جمهوریت) است . عدم وجود یک

گروه پیشگام که ایدئولوژی و فرهنگ

انقلاب را در اختیار توده های ستمدیده

مردم قرار دهد ، دومنین وجه تشابه این

سه حرکت تاریخی ایران دانسته شده

است . از نظر آرمان مستضعفین سه عامل

فتر ایدئولوژیک ، تفرقه اجتماعی و تضاد

طبقاتی ، اساسی ترین عواملی هستند که

یک انقلاب را به ارجاع می کشانند .

ارگان عقیدتی ، سیاسی سازمان

رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران ،

مستضعفین را نتها پشتونه حرکت انبیاء

و تنها برباکنندگان جامعه مبتی بر

قسط می دانند . در طرحهایی که در این

نشریه چاپ می شود ، شوروی و آمریکا

دست اتحاد به سوی یکدیگر دراز

کردند . از نظر این ارگان میان این دو

تفاوتی نیست و آنچه از نظر این دو ابر

سپیده سرخ

اگان احمدیه اسلامی وان مادر

شماره ۱۵۶ هجری



قررون وسطائی و از جمله محروم کردن زنان از امر قضایت مورد انتقاد قرار می دهد .

سپیده سرخ می نویسد ، هیأت حاکمه جدید به جای پرداختن به اصلی ترین وظیفه انقلابیش که لغو قرارداد های اقتصادی و نظامی و سیاسی اسارت ای را با دولتهای امپریالیستی و آزاد کردن ایران از بوغ و استنگی و استعمار و بنیاد نهادن ایرانی آباد و مستقل است ، به مسائلی می پردازد که نه تنها به برآوردن هیچیک از این اهداف کمکی نمی رساند بلکه باری تازه بروش مردم ستمدیده ایران می گذارد .

سپیده سرخ صداقت دولت وقت انقلابی و هیأت حاکمه جدید را مورد تردید و سؤال قرار می دهد و می نویسد اگر هیأت حاکمه واقعاً با تمام قوا در جهت استقلال و آزادی قدم برمی داشت ، متن قراردادهای اسارت بار را باش

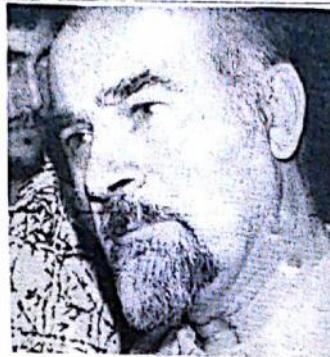
می کرد و با سرافرازی اعمالش را در برابر دید همگان قرار می داد و به این ترتیب در یک جمعندی کلی نتیجه گیری می کند که سیاست دولت انقلابی سرکوبی مبارزین و آزادیخواهان در جهت تحکیم خود برای خدمت به سرمایه داران است .

در ارگان اتحادیه انقلابی زنان مبارز علوه بر تحلیلهای در زمینه مائل مرحله کوتونی انقلاب ایران ، گزارش های از روستاها و کارخانه ها ، اخبار ، مصاحبه و شعر نیز چاپ می شود . سپیده سرخ از منافع زنان وابسته به طبقه ای خاص حمایت نمی نند ، از حقوق دموکراتیک و اجتماعی زنان بطور کلی پشتیبانی می کند ، با اینهمه سمت اصلی مبارزات این اتحادیه متوجه دفاع از منافع زحمتکشان و بیویژه زنان زحمتکش جاهد است ، براین اساس سپیده سرخ از شورا های کارگری و فعالیت های جمعی زحمتکشان در جهت احقاق حقوق خویش حمایت می کند و ریشه مسائل و مکلاف اجتماعی را در روابط و مناسبات اقتصادی می بیند . این نشریه به قیمت ده ریال به فروش می رسد .

حقول حوار و سخنگویی

برای حدوث به عالم

دستور



جوایی به مصاحبه علی‌اصغر حاج سید جوادی

چرا اینهمه تناقض‌گوئی؟

بپاده شده باشد یعنی مثلاً اگر قطع انگشتان را عنوان جنبه تنبیهی در نزدی ذکر شده است، زمانی می‌توان درمورد لزوم پادم لزوم اجرای این حکم به عنوان جنبه تنبیهی و مجازات صحبت کرد و یا احیاناً آنرا به‌اجرا گذاشت که عدالت اجتماعی موردنظر اسلام و نظام قطع در حسامه پیاده شده و تمام افراد جامعه از رفاه برخوردار باشند در این حالت اگر کس با این شرایط دست به نزدی زد و نیز علی‌المریض حرج هم‌درباره او صدق نکرد (که در اینصورت جنبه اصلاح مطرح می‌شود نه تنبیه) آنوقت می‌توان درباره حکم قطع انگشتان معنوان جنبه تنبیهی جرم نظر داد ولی از نظر تفاوت درروش معنوان مثال آیت‌الله خمیسی معتقدند اگر زنگاران را در انتظار شلاق بزنند این کار فحشاء را ریشه‌کن خواهد کرد پس اینها تناوت در روشن است و رقابت محسوب نمی‌شود.

از طرفی آقای علی‌اصغر حاج سید‌جوادی نسبت به اهداف مراجع نیز اطلاعی ندارند چون معنوان مثال ایشان در گفتگوی مزبور می‌گویند (هدف غائی آیت‌الله خمیسی این بوده که شاید بروز در حالیکه هنگان می‌باشند و می‌دانند که آیت‌الله خمیسی رفتن شاه را هدف غائی تلقی نمی‌کرند و نمی‌کنند چون اگرچنان بود، بعد از رفتن شاه ایشان نیز چون به‌هدف غائی رسیده بودند قاعده‌من می‌باشد بداموردیگری می‌برداختند ولی چون هدف غائی آیت‌الله خمیسی می‌باشد گردن نسبت به تفاوت کردند اند. برای روشن‌شدن ایشان رقات نسبت نیست، اخلاقی در جریبات و روشن‌ها هست ولی رقات نیست. زیرا وجود رقات همیشه داری وجود منافع و مصالح شخصی است در حالیکه هدف مراجع، بهترساندن اهداف اسلامی است و هیچیک در بهترساندن این اهداف بدل‌شدن نفع شخصی نیستند ولی درواه بهترساندن

* معلوم نیست آقای حاج سید جوادی معتقد به مذهب و مذهبیون است، یا نه؟

گفت و شنودی با آقای علی‌اصغر حاج سید‌جوادی در شماره ۲۵ نهران مصور بدل آمد که، با توجه به‌متن گفتگو و نظریاتی که ایشان درباره مراجع ابراز داشته‌اند، وجود یک‌بررسی درباره این اظهارات و علی آن و همچنین شاخت خطمشی شخصی آقای حاج سید‌جوادی، ضروری نظر مرسد.

باتوجه به‌اینکه ایشان به علم کلام تسلط دارد، بنظر نمی‌رسد تصویری که از مراجع ترسیم نموده‌است و گلمانی راکه در این مورد نکار برده‌اند سودمند نوجه به‌معانی و نتیجه‌گیری نهانی مورد نظر شان انتخاب شده باشد نداشید که ایشان از کدام موضع و موقع در این مورد صحبت کرده‌اند یک‌شخصر مذهبی؛ و یا يك شخص بی‌اعتقاد به‌مذهب؟

اگرچه قسمتی از آن گفتگوی ایشان برای بیان مطلب خوبی استناد به قول مذهبیون کرده و گفته‌اند (به قول مذهبیون به‌جامعه بی‌طفه توحیدی برسیم) که معنی و نحوه استناد از این جمله مبانکر آن است که ایشان خود را خارج از صف معتقدین به‌مذهب می‌دانند ولی هرچنان اگرچه ایشان بعنوان یک‌شخص معتقد به‌مذهب درباره مراجع صحبت کرده‌اند باید گفت که، متأسفانه نه‌آشنازی با مذهب دارند و نه با اهداف مراجع تقلید.

آنچنانی با مذهب ندارند چون نمی‌دانند که، بین مراجع رقات نیست، اختلاف در جریبات و روشن‌ها هست ولی رقات نیست. زیرا وجود رقات همیشه داری وجود منافع و مصالح شخصی است در حالیکه هدف مراجع، بهترساندن اهداف اسلامی است و هیچیک در بهترساندن این اهداف بدل‌شدن نفع شخصی نیستند ولی درواه بهترساندن

برمهار معدن غانی و ساکت بودن آیت الله شریعتمند از
بیر پایه و اساس بدارد.

باگونه کنم در بحث درباره مراجع ماکسیمال
اصل مطلوب است اشکار می شود.

یا اینکه ایشان در نظر یه چنین اعتقاد داشته اند
که: انقلاب را نمی بوان و سله اعضا هستند

قدرت از بین سکر اسلام فرازداد و بسی نوهد های
مردم را نیام دفاع از اعضا اسلامی مرغیه یکدیگر

پیرواند و در چنین ساخت حسنه از تاریخ که
عاصمه ما به تیات و اتحاد نیازی جایی دارد در
برابریم قسرار داد. مولود به اعضا به تاریخ و
استقلال.

و پس ناکهان ما موصی مردم در گشکوی
مرزپان با نهران صور زبر و می شوی که می گویند
پیدا شن اعضا هستند امر غیر منظری نیست زیرا
جهز وجود رفاقت اینها بر سر دستیار به قدرت
پیاسی و اعزار مقامات بالای مملکت ندارد و
می چیز دلیل ندارد که سورت نکشم که اسلامی تواند
در عرصه چنین رفاقتها و گشکهای سیاسی ،
بله اسلامی درزیر ناهای و شعارهای مختلف دلیلی
جز وجود رفاقت اینها بر سر دستیار به قدرت
پیاسی و اعزار مقامات بالای مملکت ندارد و
می چیز دلیل ندارد که سورت نکشم که اسلامی تواند
ایشان در گشکوی خود می گویند رای ما به
جمهوری اسلامی رای انتقال زیرم بود از استبداد
سلطنت به محظی و نقی ما از جمهوری اسلامی ،
اینست آیا می شد از وضع فعل انتخاب گردد ؟
نظرن من نمی شد ! ! !

ایشان در گشکوی خود می گویند رای ما به
جمهوری اسلامی رای انتقال زیرم بود از استبداد
سلطنت به محظی و نقی ما از جمهوری اسلامی ،
استوار عدالت اجتماعی ، آزادی و سازار با
عوامل استبداد و انتقامار بود.

حال آنکه چندروز پس از از دادن مجهمهوری
ایشان در چنین می نویسد : ما هرور در هنرهای
نخت جمهوری اسلامی هستیم و در شکل گیری این
جمهوری تکران و می اطلاع .

د پس ثالث ایشان شکل مخصوص تری می گیرد
و می گویند : آنچه ما می دانیم اینست که بک
تعاظور خنایکارانه به حقوق انسانی در آغاز عمر
جمهوری اسلامی طبق سخه های ساوکی طبق العمل
بالنعل اجرا می شود و بعد شوال می کند :

ایا موادت خونین مردم برای نابودی نظام استبدادی
فیاضهای خونین مردم برای نابودی نظام استبدادی
برای این بودگه از بطن جمهوری اسلامی نظاعی
فاثیتی زایل شده شودگه راه را بر همراهی آزادی
فلکر و اندیشه بندد ؟ و : آفای بخوبی و ضعف
ایا وقتی محظی سیاسی و اجتماعی نظام جمهوری
ایجاد باشند اعضا ها و انتگرها
و تیارات آنها در حرکات اجتماعی و چیزی
ایجاد باشند از قدر هنرمندی و ضعف
ایجاد باشند اعضا ها و انتگرها
و اراده طلب به این صورت که :

نویهای مردم با مقولات اجتماعی و اقتصادی
آنها (روش نگران) یکسانه اند. آنها (توده ها)
مشکلات خود را در می باند و با محض زندگی و
مسئل آن از راه تحریر و بر ایه نزدیک آشناشند
جمهوری اسلامی را از اعتقادات خود صورت می گذند که
با اعتقادات سوسیالیست ایشان متفق است ولی
ناکهان در گفتگو با نهران صور می خواستند
که بر توده ها در مرحله سازنندگی ناطلبون است.
اگر دولطلب را کارهای بگذرانیم که از ازتر فن
روشنگری های فرشته های و منف شدید بینش
با ناییشها و صحنی های خاص آن ندارد.

القلاب با بغمدی نیاز دارد که در بخشود
بر بزم حلمه ندانگ ناطلبون است آنچه قدر آرام

پراکنده‌ها



استقبال پرشکوه!

من تشریف بیاورید.

چند روز بعد که همان همایه فرستاده بود، یک ساعتی ماشین چمن‌زنی مارک تواین را به عاریت بگیرد. جواب شنید: تشریف بیاورید، در حیاط خانه ما چمن بزیند!

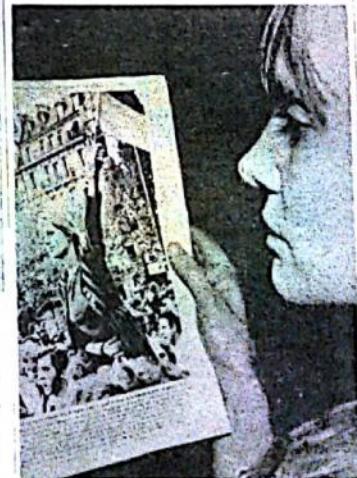
ترازدی انقلاب

«بزرگترین ترازدی برای یک انقلابی وقتی است که انقلاب به ثمر می‌رسد و او درمی‌یابد، حریف مایل پس از انقلاب نیست.»

این حرف بزرگی است که دوستی برکاغذی نوشته و برای داریوش فروهر وزیرکار دولت وقت فرستاده است. البته تنها شاهل حال او نمی‌شود، خیلی‌های دیگر را هم دربرمی‌گیرد.



مقابله به مثل



مظہر ۱۹۶۸

هر حادثه‌یی، هر چقدر بد و ناگوار و خشن، متنضم سود برای گروهی است. از جمله شورش‌ها و انقلاب‌ها و ... ماجراهی مه ۱۹۶۸ فرانسه که یادتان هست، جوانها به خیابانها ریختند، دو گلررت.

در آن میانه عکسی در «پاری‌هاچ» چاپ شد، سپس در سراسر دنیا تکثیر گشت، دختر دانشجویی زیبا، با غصی در چهره و پرچم فرانسه دردست.

آن دختر لیزابت رانکوکارولین نام داشت و در آزمه‌ان ۲۳ ساله بود که در کارتیه لاقن فریاد می‌کشید، حالا او چهره معروفی است، ماجراجویی است که جاز می‌زند، روزنامه‌نویسی می‌کند و ...

او را می‌بینید که به عکس مشهور کننده‌اش نگاه می‌کند و با سکش در زامبیا سگ دو هی‌زند!



شیدمایح

های این نصیر حوب نکه کرد.
های بند لعله بیگر مردی ۳۷ ساله
میزباند. او مر منها - پیش از میلادها
انسان است که در دنیا میزباند.
اما همچو این افطر مدنی میزباند. برای
صلح است غلب اسرائیل به موام
اعتراف می کند و مطر و طرح گزین
دیگر خون را میخواهد عصربی و عالم گزین.
دو دارای مادر اساتید شرمان می باشند
در جو راه اشی می کنند او باید نهاد
است به دست باشیل که راهه میزباند.
به پیغمبر می دعدهن و دشنه که راه
نارو میزند. نگاه کند او رفت و
صلح موام و میان است.

آدم سابق

می گفت : صبح ، کاست تراشهای سابق را
در ضبط صوت کاشتم ، یادم افتد باید بمسکن
سابق بروم ، حقوق سابق را بکیرم ، اخبار را
میوش کنم که از شاه سابق می گویید که با پولهای
سابق ، برخلاف سابق سرگردان است. جهان که
مثل سابق پر آنوب است.

سوار اتومبیل سابق شدم از کوچه سابق
بپرون آمد در جاده کورش کبیر سابق اقام و
بیچیدم در نخت طاووس سابق ، به پهلوی سابق
رسیم ، از خیابان آریامهر سابق که می گذشتم.
از جلو ساختن سابق حرب رستاخیز سابق سور
گردم ، موزه هنرهای معاصر سابق را دیدم
و پاسیان سابق را بر سر پیت سابق و اسلحه ایوان
او را بر کمر نیک انتقامی سابق ، بادگان جمشده
سابق با پیراهن سیاهان سابق امیر حسینی سابق
روی دیوارهای گلوله ارش شاهنشاهی سابق
و برخط آن شعار هرگز برشاه سابق .

نکاه گردم به اطراق دیدم که کسی از آدمهای
سابق نیست ، پوانتی تکاهی بخوبی انداده
دیدم ولی من همان آدم سابقم !

تکذیب زهرا خانم

زهرا خانم که همگان او را در بین
دار و دستهای که متخصص برهم زدن
اجتماعات و میتینگ‌ها است ، دیده‌اند
بدفتر مجله آمده بود و به خبری که
چندی پیش در وورد این دار و دسته
نوشته‌یم - و نام زهرا خانم هم در آن
بود - اعتراض داشت . ما نوشه بودیم
که این دار و دسته به دفتر آقای فروهر
رفت و آمد دارند که بعد آقای فروهر
تکذیب کرد و ما هم چاپ کردیم . این
بار زهرا خانم می گفت که ما - یعنی
زهرا خانم و دار و دسته - اصولاً از جائی
پول نهی گیریم و فقط بخاطر حزب اش
است که فعالیت می کنیم .

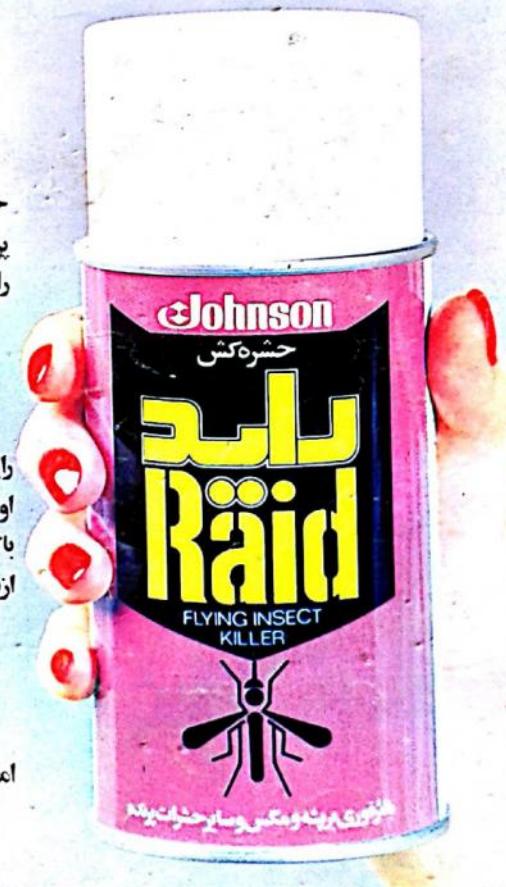
حشره‌کش راید

با اثر قوی بر پشه و مگس و سایر حشرات پرندگان

حشره‌کش راید در قوی بخش از موثرترین و
پر فروش ترین حشره‌کش‌های جهان است.
راید بخش دُنیا زده خانواده را آورده می‌کند:

• بودن سبک حیران
• امن و سالم بحد راه کش ایمن

راید بخش موفق ترین حشره‌کش جهان برای
اولین بار در سطح وسیعی در ایران معرفی شد.
با کیفیت ممتاز راید آشنا شوید و راید بخش را برای
ازین بدن حشرات انتخاب کنید.



اموال حشرات را با **Raid** سریع تراوید کنید.



برای بودن حشره‌کش راید
در سه سالانه می‌باشد فعال فروش ندارد.

جانسون واکس ایران تلفن مرکزی بخش ۶۵۸۴۰۳

دیجیتال کننده مجله: نینا پویان

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library